



**سیاس از خوانندگان و کاربران**  
 ما از شما که هر ماه مبلغی هر چند اندک  
 برای کمک به ادامه انتشار رسانه‌های خودتان  
 می‌پردازید از صمیم قلب سپاسگزاریم.  
 تنها پشتیبانان کیهان لندن  
 شما خوانندگان و کاربران هستید.  
**روزنامه نگاران و کارکنان کیهان لندن**

## سر مقاله فدرالیسم خاتمی هم عین همین دموکراسی دینی اش است!

حجت الاسلام محمد خاتمی آنطور که رسانه‌های داخل کشور نوشتند، در دیدار با اعضای شورای شهر تهران گفته است: «شاید در حال حاضر از نظر سیاسی مناسب نباشد اما مطلوب‌ترین شیوه حکومت مردمی، اداره فدرالی است که آن زمان در وزارت کشور ۱۰ منطقه هم مشخص کردیم اما از نظر قانون اساسی نمی‌توانیم فدراتیو باشیم.» وی همچنین به عنوان «کار بزرگ و موجب افتخار جمهوری اسلامی» ادعا کرد: «شوراها را به عنوان سبیل جامعه مدنی راه‌اندازی کردیم که مورد استقبال فراوان قرار گرفت و این استقبال نشان‌دهنده سیر جامعه ما به سوی مردم‌سالاری بود!»

در اینجا فرصت نیست به بی‌پایه بودن این ادعای خاتمی که همه چیز نظام مورد دفاع وی از جمله «شورا» هایش انحصاری و استصوابی است پرداخت. اما اینکه در میان اینهمه مشکلات او به یاد «فدرالیسم» افتاده و آن را «مطلوب‌ترین شیوه حکومت مردمی» نامیده، از سوی مدافعان تمامیت ارضی ایران با انتقاد و از سوی تجزیه‌طلبان با استقبال روبرو شده است.

برخی این حرف‌ها را در چارچوب یک پروژه جدید تفرقه‌افکنی بین مردم ارزیابی کرده‌اند؛ برخی دیگر اساساً حضور وی را که ظاهراً در ممنوعیت و محدودیت بسر می‌برد، اما هر وقت لازم باشد در دفاع از نظام سر و کله‌اش پیدا می‌شود، پروژه‌ای انحرافی جهت انتخابات مجلس شورای اسلامی می‌دانند که قرار است اسفند ۹۸ برگزار شود. عده‌ای هم این حرف را صرفاً خودنمایی می‌شمارند. اما دلیل حرف خاتمی درباره فدرالیسم هر چه باشد، دارای اشکالات سیاسی، نظری و تجربی است.

-سیاسی: کدام سیاستمدار جدی را دیده‌اید که بگوید گفتن حرفی شاید «از نظر سیاسی مناسب نباشد» ولی با اینهمه آن را می‌گوید!

-نظری: فدرالیسم نه «شیوه حکومت» است و نه الزاماً «مردمی» فدرالیسم برگرفته از کلمه لاتین «فدوس» یعنی توافق و قرارداد و در معنای سیاسی، یعنی اتحادی که از این توافق و قرارداد به وجود می‌آید. معلوم نیست خاتمی که می‌داند از نظر قانون اساسی نیز نمی‌توان «فدراتیو» بود چرا «آن زمان» (منظورش حتماً دوران ریاست جمهوری خودش است) «ده منطقه» را هم مشخص کرده بود و چرا حالا یاد این موضوع افتاده؟! می‌خواهد قمیز در کند که در یک استبداد دینی، از دموکراسی هم فراتر رفته و در پی اجرای «فدرالیسم» بوده ولی ناگهان متوجه شده که قانون اساسی اجازه نمی‌دهد؟! -تجربی: هیچ کشوری را پیدا نمی‌کنید که همواره یکپارچه بوده باشد و بعد به صورت فدرال اداره شود! تمام کشورهایی که به صورت فدرال اداره می‌شوند، توانسته‌اند با «توافق» و «قرارداد» خود را جمع و جور کرده و تحت یک حکومت مرکزی در چارچوب یک کشور بمانند و نه برعکس، کشوری یکپارچه را پراکنده کرد و بعد با فدرالیسم (توافق و قرارداد) تحت یک حکومت مرکزی دوباره آن را یکپارچه کرد! مگر آنکه هدف چیز دیگری باشد! احتمالاً خاتمی در ست‌مثل دموکراسی، معنای فدرالیسم را نیز نمی‌داند! کسی که «دموکراسی دینی» را اختراع کرده باشد، «فدرالیسم» اش هم نمی‌تواند چیزی غیر از همین شرایط امروز ایران باشد!

# جنگ می‌شود؟ نمی‌شود؟ یا اینکه در جنگ هستیم؟!!

- برخی کارشناسان و سیاستمداران بر اساس نشانه‌ها و پاره‌های منافع نسبت به وقوع درگیری نظامی در منطقه هشدار می‌دهند و برخی دیگر احتمال وقوع آن را کم می‌دانند.
- جنگ‌های هیبریدی و ترکیبی نه تنها اکنون بلکه سال‌هاست در نبرد میان رژیم ایران و رقبا و دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی آن بالا گرفته است.
- مقام‌های سیاسی و امنیتی نظام خود را برای حملات سایبری آماده می‌کنند و می‌گویند هدف از تهدیدات غیر نظامی دشمن، ایجاد فشار علیه حکومت از طریق در تنگنا قرار دادن آن و گسترش اعتراضات اجتماعی است.



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

## جمهوری اسلامی در محاصره امواج اعتراضات مردمی



تماشاگران یک بازی فوتبال میان دو تیم معروف کشور، پس از پایان بازی و در حالی که روی سکو نشسته‌اند یا ورزشگاه را ترک می‌کنند شعار سیاسی سر می‌دهند.

این اتفاق شاید برای مردم بسیاری از کشورها تعجب‌برانگیز باشد اما در ماه‌های گذشته بارها و بارها در ایران اتفاق افتاده است.

در صفحه ۲

### کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سورییه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان) برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ایمیل یا کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@bconnect.com](mailto:satrap@bconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)  
 Super Hornuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD  
 Ibox Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA  
 Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN  
 UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE  
 Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

## پرونده جمهوری اسلامی ایران از نقطه خاکستری تا خطوط قرمز

در صفحه ۱۸

پرسپولیس برای سومین بار پیاپی  
 قهرمان فوتبال کشور شد

نواک جاکوو پیچ قهرمان مسابقات استادان  
 مادرید؛ قدر و نادال حذف شدند

توافق فدراسیون جهانی جودو با مقامات ورزشی ایران؛  
 آیا ورزشکاران ایران با اسرائیلی‌ها  
 مسابقه خواهند داد؟

مارک ویلموتس گزینه یک میلیون  
 دلاری سرمربیگری تیم ملی فوتبال ایران

مدال تکواندوی جهان برای دختر ۱۷  
 ساله ایرانی

در صفحه ۱۰

### کیهان منتشر کرد:

## سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده

کتاب سقوط بهشت را از تاریخ ۲۳ فوریه تنها از کیهان لندن می‌توان خریداری کرد

قیمت: ۲۵ پوند + هزینه بسته بندی و پست





## جنگ می شود؟ نمی شود؟ یا اینکه در جنگ هستیم!؟

- برخی کارشناسان و سیاستمداران براساس نشانه‌ها و پاره‌های منافع نسبت به وقوع درگیری نظامی در منطقه هشدار می‌دهند و برخی دیگر احتمال وقوع آن را کم می‌دانند.
- جنگ‌های هیبریدی و ترکیبی نه تنها اکنون بلکه سال‌هاست در نبرد میان رژیم ایران و رقبا و دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی آن بالا گرفته است.
- مقام‌های سیاسی و امنیتی نظام خود را برای حملات سایبری آماده می‌کنند و می‌گویند هدف از تهدیدات غیرنظامی دشمن، ایجاد فشار علیه حکومت از طریق در تنگنا قرار دادن آن و گسترش اعتراضات اجتماعی است.

بحران در خاورمیانه حول رژیم ایران و گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت تهران اوضاع منطقه را پیچیده‌تر کرده است. بخشی از مردم، گروهی کارشناسان و حتی عده‌ای از دولتمردان نگران وقوع یک درگیری نظامی هستند.

یک هفته پس از حمله راکتی از غزه به سوی اسرائیل توسط گروه‌های فلسطینی، تعدادی از نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری نزدیک بندر الفجیره امارات هدف حملات خمپاره‌ای قرار گرفتند و پس از آن نیز تعدادی پهپاد به تاسیسات نفتی شرکت آرامکو عربستان و چند مقر نظامی عربستان سعودی حمله کردند. حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی مسئولیت این حملات را به عهده گرفتند.

وضعیت عراق نیز اضطرابی شده و وزارت خارجه ایالات متحده ضمن هشدار به شهروندان خود در مورد سفر به این کشور، کارمندان غیر ضروری سفارت و کنسولگری آمریکا در بغداد و اربیل را خارج و به نقاط امن منتقل کرده است. همچنین با افزایش احتمال درگیری، سفارتخانه‌های آمریکا در لبنان، امارات و ترکمنستان نیز «هشدار امنیتی» صادر کردند.

گزارش نهادهای امنیتی و اطلاعاتی آمریکا از یکسوی و مشاهدات عشایر عرب در عراق از سوی دیگر حاکیست رژیم ایران در مناطق تحت سلطه‌ی حشدالشعبی آرایش موشکی گرفته و این احتمال هست که رژیم ایران علیه منافع آمریکا دست به اقدامات «تفاتی» بزند.

اینهمه ابعاد آشکار وضعیت بغرنج خاورمیانه است که بار دیگر بیش از پیش به انبار باروت تبدیل شده است. اما روی دیگر این شرایط، آثار و پیامدهای آن بر وضعیت شهروندان و اقتصاد کشور و منطقه است.

رژیم ایران نه تنها همسایگان بلکه دیگر کشورهای دنیا را با رفتار ویرانگر و خرابکارانه‌ی خود کلافه کرده است. خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان اصلی‌ترین شاه‌رگ انرژی دنیاست و کشتی‌های دولتی و خصوصی متعلق به ده‌ها کشور و شرکت از آن تردد می‌کنند. در شرایط کنونی نه تنها دشمنان و رقبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی بلکه منافع کشورهای که با جمهوری اسلامی دشمنی ندارند نیز تحت تأثیر خصومت‌هایی قرار گرفته که محور آن سیاست‌های رژیم ایران است. چنانکه در جریان عملیات خرابکارانه حوالی بندر الفجیره، کشتی تجاری نروژی هم آسیب دید و یا کویت که دولت آن تلاش می‌کند در جدال‌های منطقه بی‌طرف بماند مجبور به استقرار نیروهای گارد اطراف سکوها‌ی نفتی خود شده و تانکرهای خود را در بخشی از مسیر اسکورت نظامی می‌کند.

ریزش شدید شاخص بورس، تورم و افزایش نرخ ارز، واکنش اقتصاد مفلوک و ورشکسته‌ی ایران به تنش‌های اخیر است. در چنین شرایطی رهبر جمهوری اسلامی و در پیروی از او، دیگر سیاست‌یون تهران مدام تأکید می‌کنند که مذاکره با آمریکا منتفی است. در عمل نیز از شناس حل و فصل این تنش‌ها از طریق دیپلماتیک روز به روز کاسته می‌شود. در مقابل نگرانی مردم از احتمال وقوع یک درگیری نظامی بیشتر می‌شود. از ایران خبر می‌رسد این روزها در کوچه و بازار و جمع‌های خانوادگی همه از هم می‌پرسند «جنگ می‌شود؟»

### احتمال درگیری نظامی

به باور گروهی از تحلیلگران، خاورمیانه در آستانه‌ی یک جنگ دیگر قرار دارد. آن‌ها وقوع درگیری میان رژیم ایران و آمریکا و یا با یکی از کشورهای

منطقه از جمله اسرائیل یا عربستان را محتمل می‌دانند و حتی برخی از آنها بر اساس تحولات معتقدند که آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای واشنگتن به دنبال تشکیل یک ائتلاف نظامی علیه رژیم ایران هستند.

بخشی دیگر از ناظران که خوشبین‌تر به قضایا نگاه می‌کنند می‌گویند نه آمریکا و نه جمهوری اسلامی به دنبال درگیری نظامی نیستند. به نظر اینان، تحریم‌های آمریکا آنقدر کارساز هست که واشنگتن برای به کرسی نشاندن خواسته‌های خود بی‌نیاز از به کار گرفتن ابزار نظامی علیه رژیم ایران است. آنها می‌گویند ترامپ می‌داند درگیری نظامی برای او و دولت‌اش که انتخابات ریاست جمهوری را در سال ۲۰۲۰ پیش رو دارد لازم نیست. از نظر شخصیتی هم ترامپ گرچه با لحن صریح و تند در شمار سیاستمداران نامتعارف و ناسازگار قرار دارد اما در عمل از جنگ پرهیز می‌کند چنانکه در مورد کره‌شمالی نیز وارد درگیری نظامی نشد. حتی برخی کارشناسان با مقایسه ادوات نظامی و تهاجمی محدودی که آمریکا این روزها به خاورمیانه گسیل داشته یا حجم نیروهای نظامی که پیش از آغاز دو جنگ خلیج فارس به منطقه اعزام کرده بود وقوع جنگ را رد می‌کنند.

از طرفی منهای رجز خوانی‌ها و خیالی‌بافی‌های سیاسیون و نظامی‌ها در ایران، شرایط اقتصادی و اجتماعی که جمهوری اسلامی با آن دست و پنجه نرم می‌کند برای یک رویارویی نظامی مستقیم کافی نیست. رژیم ایران نه توان فراهم کردن هزینه‌های یک جنگ را دارد، نه ساز و برگ نظامی‌اش در حد و اندازه‌ی این هارت و پورت‌هاست؛ مهم‌تر از همه اینکه مشروعیت کافی در این میان برخی دیگر از تحلیلگران



احتمال وقوع درگیری‌های نقطه‌ای که اهداف استراتژیک خاص و حساس هدف آن باشد را محتمل می‌دانند. این گروه معتقدند شکل و شیوه‌ی جنگ‌ها تغییر کرده و دوران لشکرکشی‌ها و صف‌کشیدن‌ها و سنگ‌ریزنی‌های کلاسیک تمام شده و جنگ‌ها شکل هیبریدی به خود گرفته است. از این جنگ تعاریف متفاوتی ارائه می‌شود که اساس آنها به کار گرفتن تکنولوژی‌های مدرن و ابزار هوشمند است. در این جنگ، بجای تانک و زره‌پوش و پیاده نظام، فناوری‌های سایبری و الکترونیک مکمل ابزارهای سیاسی و اقتصادی و تبلیغاتی هستند.

### جنگی متفاوت با جنگ‌های کلاسیک

به نظر می‌رسد سران جمهوری اسلامی نیز تا اندازه‌ای این مسئله را درک کرده‌اند چنانکه برای سال ۹۸ از بودجه وزارت دفاع کاسته شده و بودجه وزارت اطلاعات افزایش بی‌سابقه‌ی داشته است.

۲۶ اردیبهشت، محمدجواد آذری

حامد محمدی

تماشاگران یک بازی فوتبال میان دو تیم معروف کشور، پس از پایان بازی و در حالی که روی سکو نشسته‌اند یا ورزشگاه را ترک می‌کنند شعار سیاسی سر می‌دهند.

این اتفاق شاید برای مردم بسیاری از کشورها تعجب‌برانگیز باشد اما در ماه‌های گذشته بارها و بارها در ایران اتفاق افتاده است.

مردمی که ۴۰ سال پس از انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی، حتی اگر به هواداری آتشین از تیم محبوب‌شان در ورزشگاه حاضر شده باشند اما در اوج هیجان فوتبال، ایجاد تغییر در ساختار سیاسی و رساندن پیام به زمامداران را فراموش نمی‌کنند.

عصر پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت‌ماه پس از پایان بازی فوتبال تیم‌های استقلال (تاج) و سپیدرود بخشی از تماشاگران ورزشگاه خروج از ورزشگاه شعار «رضا شاه، روح شاد» و «چه اشتباهی کردیم که انقلاب کردیم» سر داده و فریاد زدند «ای شاه ایران، برگرد به ایران».

اما این نخستین بار نیست که شعارهای ساختارشکن و ضد نظام در ورزشگاه‌ها توسط هواداران تیم‌های فوتبال خیرساز می‌شود. یک هفته پیشتر نیز تماشاچیان مسابقه میان تیم‌های پرسپولیس و ماشین‌سازی تبریز پس از پایان بازی و هنگام خروج از ورزشگاه شعار «رضاشاه روح شاد» سر دادند.

سر دادن چنین شعارهایی پس از اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۳۹۶ مورد توجه دوستانداران و تماشاگران فوتبال نیز قرار گرفت و از ابتدای سال ۱۳۹۸ تا کنون نیز چندین بار تکرار شده است. در شرایطی که جو ورزشگاه و جمع شدن هزاران هوادار دو تیم فوتبال به خودی خود هیجان و انرژی ویژه‌ای ایجاد می‌کند که مورد علاقه مقامات جمهوری اسلامی نیست، سر دادن شعارهای سیاسی تند و تیز که پایه‌های نظام را هدف قرار می‌دهند قطعاً بیشتر برای آنها تحمل‌ناپذیر است. شاید به همین دلیل است که پیشتر عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور در اظهاراتی عجیب تهدید کرده بود در صورت ناتوانی نیروهای انتظامی و امنیتی در کنترل اوضاع، برخی مسابقات بدون تماشاچی برگزار شود!

سر دادن شعارهای سیاسی در مسابقات اخیر فوتبال نیز موجب شد علیرضا

و همراه با آموزگاران و مسئولان مدرسه این ترانه را همخوانی کرده و همراه با شادی و پایکوبی با آن رقصیدند. پخش ویدئوهای مربوط به رقص و شادی دانش‌آموزان در مدارس شهرهای مختلف ایران، چنان تیر زهرآگینی به قلب محتضر نظام اسلامی فرو رفت. پایکوبی و قر دادن کودکان پرورش یافته در جمهوری اسلامی، پس از چهل سال بمباران تبلیغاتی عقیدتی و مکتبی، آنهم در روزی به مناسبت قتل مرتضی مطهری یکی از نظریه‌پردازان نظام، مقامات جمهوری اسلامی را دچار چنان خفتی کرد که نتوانستند به سادگی از آن بگذرند و واکنش‌های بسیار تندی به آن نشان دادند.

علی مطهری نایب رئیس مجلس شورای اسلامی که هزاران دانش‌آموز در روز کشتن پدرش با شادی قر داده و رقصیدند، حتا خواستار اخراج مدیران این مدارس شد! محمد بطحایی وزیر آموزش و پرورش نیز اعلام کرد که سه «متخصص حراست و بازرسی» این وزارتخانه را مسئول بررسی این موضوع کرده است!

رقص دانش‌آموزان در «روز معلم» در مدارس و در حضور آموزگاران که خود نیز عمدتاً در این نظام زندگی و رشد کرده و از جمله اصناف معترض به نظام نیز هستند، بدون شک یکی از بزرگترین رسوایی‌های فرهنگی و سیاسی نظام اسلامی را رقم زده است.

### دوباره دانشجو، دوباره اعتراض

بجز دانش‌آموزان و هواداران تیم‌های فوتبال، دانشجویان دانشگاه تهران نیز در هفته گذشته پس از مدت‌ها یک اعتراض جدی را شکل دادند.

روز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت‌ماه دانشجویان هنر دانشگاه تهران در اعتراض به تشدید سختگیری‌ها توسط حراست دانشگاه‌ها و راه افتادن گشت ارشاد دانشجویی، در مقابل پردیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران تجمع و سپس در آمفی تئاتر این دانشکده تحصن کردند.

حضور نیروهای حراست و بسیجی و چماق به‌دستان حکومت به درگیری شدیدی منجر شد که فیلم‌های بطور گسترده در شبکه‌های اجتماعی پخش شد. دانشجویان ضمن درگیر شدن با نیروهای سرکوب، شعارهایی چون

«دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد»،

«آزادی اندیشه باریش و پشم نمیشه»،

«مرگ بر دیکتاتور» و «ملت گدایی می‌کند، آقا خدایی می‌کند» سر دادند.

این اعتراض از سوی دانشجویان را

که پس از دی‌ماه ۹۶ خاموش بودند،

می‌توان موج تازه‌ای در اعتراضات و

خیزش‌های اجتماعی و صنفی در

ایران دانست.

دانشجویان همیشه از جمله قشرهایی

بوده‌اند که نقشی اساسی در اعتراضات

سیاسی و مدنی ایفا کرده‌اند. حضور

دانشجویان و فعالیت‌های آنها همواره

جریان‌ساز و در بروز برخی تحولات

سیاسی و مدنی بسیار مؤثر بوده است.

این در حالیتیست که طی سال‌های

اخیر جمهوری اسلامی همه توان

خود را به کار بسته تا دانشجویان

را نه تنها از مسائل سیاسی کشور،

به ویژه از اپوزیسیون نظام، دور نگه

دارد بلکه تلاش کرده تا بین آنها

و دیگر گروه‌های اجتماعی که به

اعتراضات صنفی می‌پردازند جدایی

## جمهوری اسلامی در محاصره امواج اعتراضات مردمی

ببندازد. یکی از فعالیت‌های مهم هر دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرای نظام که برای استمرار جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند همواره این بوده است که به نگاه و خواست دانشجویان جهت دهند و آنها را از آرمانخواهی و مسئولیت‌پذیری که جنبش دانشجویی را معتمد و محبوب مردم کرده بود تهی کنند. اکنون معترض شدن دانشجویان و ایستادن آنها بر سر مطالبات صنفی و مدنی خود بیانگر شکست پروژه نظام برای منزوی کردن جنبش دانشجویی و تفرقه در اعتراضات اجتماعی است.

### استادان ماهیگیری از آب گل آلود

از سوی دیگر، پس از اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران، اصلاح‌طلبان به عنوان ماهرترین ماهیگیران از آب گل‌آلود وارد عمل شده و با اظهاراتی انتقادی تلاش کردند آهنربای فریب خود را به سمت دانشجویان بگیرند.

حجت نظری عضو شورای شهر تهران در توثیتی خواستار عدم برخورد خشونت‌آمیز با دانشجویان شده و بطور غیرمستقیم از دور شدن دانشجویان از نظام ابراز نگرانی کرده است: «تجمعات اعتراضی دانشجویان از هر جریانی نباید به خشونت کشیده شود. باید مطالبات دانشجویان در فضایی آرام و با حضور خود دانشگاهیان شنیده شده و پاسخی منطقی به آن داده شود. با برخورد‌های خشن فرزندان ایران را از ایران دور نکنیم.»

جالب اینجاست که این عضو اصلاح‌طلب شورای شهر تهران بیشتر که آیین‌نامه انضباطی دانشجویان با شرایط سختگیرانه‌تر از پیش اصلاح و ابلاغ شد و بر اساس آن حراست دانشگاه‌ها حتی اجازه یافته‌اند که فعالیت دانشجویان را در شبکه‌های اجتماعی نیز رصد کرده و در مقابل آنچه «تخلف» می‌دانند اعلام جرم کنند، سکوت کرده بود!

این سکوت در مقابل سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی نظام و سپس اظهار نظر عوامفریبانه درباره اعتراضات به این سیاست‌ها، یکی از راهکارهای اصلاح‌طلبان در شرایط سرنوشت‌ساز کنونی است.

یک نمونه دیگر اینکه پس از اعلام دادستانی اصفهان در مورد ممنوعیت دوچرخه‌سواری زنان هیچ صدایی از اصلاح‌طلبان شنیده نشد و ولی



تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران - ۲۳ اردیبهشت‌ماه

وقتی این ممنوعیت مورد اعتراض مردم قرار گرفت، مصطفی تاجزاده در توثیتی خطاب به رئیسی نوشت دوچرخه‌سواری بانوان در قانون منع نشده و خواستار لغو این دستور شد.

همه این رویدادهای اعتراضی به اشکال مختلف، در هفته گذشته در حالی اتفاق افتاد که اعتراضات دیگر اصناف و گروه‌ها مانند آموزگاران، کارگران و مالباختگان و بازنشستگان و رانندگان نیز همچنان ادامه داشته است.

بحران‌های ناشی از عملکردهای منفی نظام در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، وضعیت نابسامان معیشت مردم و ناامیدی نسبت به توانایی نظام برای خروج از این شرایط، سبب شده تا گروه‌های مختلف جامعه به تدریج به یک ارزیابی و نگاه مشترک نسبت به جمهوری اسلامی برسند. برآیند این روند مشترک، خیزشی است که امواج آن از دی‌ماه ۹۶ به این سو هرگز آرام نگرفته است.

روشک آسترکی



## رویترز: رژیم ایران مظنون ردیف اول حمله به نفتکش‌ها در بندر الفجیره



در جریان حمله خمپاره‌ای به بندر الفجیره در امارات بین چهار تا شش کشتی نفتکش و تجاری آسیب دیدند که تعدادی از آنها متعلق به عربستان و نروژ بودند؛ خبرنگاران برای ثبت این رویداد به بندر الفجیره آمدند

● یک مقام امنیتی آمریکا می‌گوید، رد پای رژیم ایران در عملیات خرابکاری در امارات دیده می‌شود اما مدارک نهایی برای اثبات آن در دست نیست.

● فایننشال تایمز: واشنگتن و تهران اصرار دارند که جنگ را نمی‌خواهند، اما دیپلمات‌ها نگرانند که تنش‌های روزافزون به درگیری‌های مستقیم یا غیرمستقیم منجر شود.

جمهوری اسلامی ایران گزینه نخست حمله به کشتی‌های نفتکش در بندر الفجیره امارات است اما یک مقام امنیتی آمریکا می‌گوید واشنگتن مدارک نهایی برای اثبات اینکه رژیم ایران پشت این اقدامات بوده در دست ندارد.

به گزارش رویترز این مقام که نخواسته نامش فاش شود گفته «این اقدامات در ردیف فعالیت‌هایی است که می‌شود دید رژیم تهران در آن دست دارد و قبلا هم انجام داده و به شیوهی خاص جمهوری اسلامی صورت گرفته است.»

وزارت خارجه جمهوری اسلامی و بعضی از مقام‌های سیاسی در تهران منکر دخالت در این اقدام هستند اما به گفته‌ی این مقام امنیتی آمریکا «روشن‌ترین توضیح برای مواضع ایران که تلاش می‌کند خود را از این اقدامات میرا نشان دهد این است که آنها به دنبال رد گم کردن بودند.»

یکشنبه صبح ۲۲ اردیبهشت، ساعتی قبل از وقوع حملات، رسانه‌های لبنانی و ایرانی پیشاپیش از وقوع چند انفجار مهیب در بندر الفجیره خبر داده بودند!

برخی رسانه‌های نزدیک به سپاه پاسداران و نهادهای امنیتی جمهوری

اسلامی نوشته‌اند این حملات از سوی شبه‌نظامیان انصارالله یمن صورت گرفته. جمهوری اسلامی شبه‌نظامیان حوثی را نیز مانند حزب‌الله لبنان، «واشنگتن و تهران اصرار دارند که جزو «محور مقاومت» دانسته و از آنها حمایت مالی و تسلیحاتی می‌کند. پیش از این حملات منابع اطلاعاتی آمریکا گزارش داده بودند که رژیم ایران در پی تهدید به بستن تنگه هرمز چندین موشک را با قایق در خلیج فارس جایجا کرده است. سخنگوی نیروهای سنتکام نیز گفته بود، نشانه‌هایی وجود دارد که شبه‌نظامیان نیابتی رژیم ایران آماده می‌شوند تا به نیروهای آمریکایی در منطقه حمله کنند.

برهم خوردن امنیت کشتی‌های نفتکش در دریای عمان و خلیج فارس به عنوان اصلی‌ترین شاهراه انتقال انرژی دنیا نگران کننده است. روزنامه کیهان تهران در در یادداشتی با عنوان «چگونه جنگ اقتصادی دشمن را متوقف کنیم؟» می‌نویسد: «وابستگی و به تعبیری انبساط‌طلبی نفت آمریکا در منطقه شامل عربستان و امارات به شدت وابسته به دو چیز هستند یکی نفت و دیگری برج‌های به ظاهر با عظمت شیشه‌ای که ساخته شده‌اند. ما حتما باید به ظرفیت صادرات نفت این دو

کشور، ضربه اساسی بزنیم و این کار را می‌توانیم در اقیانوس هند و دریای سرخ انجام دهیم!» همزمان روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی نوشته «واشنگتن و تهران اصرار دارند که جنگ را نمی‌خواهند. اما دیپلمات‌ها از این نگران هستند که تنش‌های روزافزون منجر به درگیری‌های مستقیم یا غیرمستقیم شود.»

پیش از این شبه‌نظامی‌های حوثی در یمن که مورد حمایت جمهوری اسلامی هستند نیز به شهرهای عربستان موشک‌پرانی کرده بودند. حکومت ایران از سوی عربستان و آمریکا متهم به انتقال سلاح برای حوثی‌هاست.

ماه‌هاست در داخل ایران جریان‌های افراطی نزدیک به نظامی‌ها و آتش به اختیارها برای مقام‌های عربستان و امارات رجزخوانی می‌کنند و بارها در رسانه‌های رسمی داخل کشور مورد تهدید قرار گیرد خارج کردند. برخی از فعالیت‌های سفارت آمریکا در بغداد و کنسولگری این کشور در اربیل از جمله صدور ویزا نیز متوقف شده است.

ماه‌هاست در داخل ایران جریان‌های افراطی نزدیک به نظامی‌ها و آتش به اختیارها برای مقام‌های عربستان و امارات رجزخوانی می‌کنند و بارها در رسانه‌های رسمی داخل کشور مورد تهدید قرار گیرد خارج کردند. برخی از فعالیت‌های سفارت آمریکا در بغداد و کنسولگری این کشور در اربیل از جمله صدور ویزا نیز متوقف شده است.

## جرمی هانت: بریتانیا با آمریکا در مورد تهدید فزاینده ایران نظر مشترک دارد؛

● محمدجواد ظریف:

مذاکره با آمریکا غیرممکن است

● دیدگاه‌های واشنگتن و لندن در خصوص رژیم ایران همسوتر از گذشته می‌شود.

● ظریف در ژاپن مذاکره با آمریکا را غیرممکن دانسته و در تهران امیدها به حمایت‌های اروپا از تهران در قبال فشارهای آمریکا به حداقل رسیده.

● چرخش روسیه و اظهارات تند ولادیمیر پوتین پس از دیدار با پمپئو در رابطه با جمهوری اسلامی به شدت نظر ناظران و رسانه‌ها را جلب کرده است.

جرمی هانت وزیر خارجه بریتانیا، پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت، در توییتی نوشت کشورش درباره اینکه رژیم ایران به تهدیدی فزاینده بدل شده با آمریکا هم‌نظر است و با متحد نزدیک خود همکاری خواهد کرد.

قابل پیش‌بینی بود که افزایش تنش‌های خاورمیانه که رفتارهای مخرب رژیم ایران از عوامل تشدید آن است اروپایی‌ها را با سیاست‌های آمریکا بیشتر همسو خواهد کرد.

جرمی هانت دوشنبه گذشته نیز در بروکسل گفته بود که بریتانیا نسبت به خطر یک «درگیری اتفاقی» بین ایران و آمریکا و وخیم‌تر شدن ناخواسته‌ی وضعیت بسیار نگران است. مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا، هشتم

ماه مه (۱۸ اردیبهشت)، همزمان با یک سالگی خروج آمریکا از توافق اتمی، در لندن با جرمی هانت و تزا می نخست‌وزیر بریتانیا ملاقات کرد. مایک پمپئو در کنفرانس خبری مشترک با جرمی هانت گفت، «آمریکا و انگلستان هر دو یک برداشت نسبت به تهدید رژیم ایران دارند و در حال کار نزدیک با یکدیگر هستیم تا راه‌های جدیدی برای همکاری جهت مبارزه با این تهدید پیدا کنیم.»

او در بخش دیگری نیز تأکید کرد، «هر دو [آمریکا و بریتانیا] در سمت آزادی، دموکراسی، ایجاد کشور برای همه مردم ایستاده‌ایم. ما هر دو طرفدار این هستیم که کسی در اروپا ترور نشود. ما هر دو طرفدار این هستیم که از حزب‌الله حمایت نشود تا بخواهد امنیت اسرائیل را بر هم بزند.»

دولت آمریکا برای فشار حداکثری به جمهوری اسلامی از ظرفیت‌های بالای اقتصادی، سیاسی و نظامی برخوردار است اما در مقابل، کارت‌های رژیم ایران سوخته و علی‌خامنه‌ای در بن‌بستی که نظام‌اش در آن گرفتار شده همچنان ادعا می‌کند حاضر به مذاکره نیست و باید در مقابل فشارها مقاومت کرد؛ یعنی اصرار بر ادامه‌ی سیاستی که مسبب اصلی تنگنای کنونی است.

پمپئو همچنین روز چهارشنبه درباره تهدیدهای حکومت ایران در خلیج فارس با سلطان قابوس پادشاه عمان تلفنی گفتگو کرد. عمان از کشورهای است که برای میانجیگری بین تهران و واشنگتن اعلام آمادگی کرده است.

محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز که برای مذاکره با کشورهای شرق آسیا از هند به ژاپن سفر کرده، پس از دیدار با مقامات ژاپن در پاسخ به پرسش خبرنگاران در باره‌ی

## خروج کارمندان غیر ضروری آمریکا از بغداد و اربیل؛ ولادیمیر پوتین: روسیه آتش‌نشانی نیست که به همه کمک کند؛ نباید تنها به ما تکیه کنید!



ساختمان سفارت آمریکا در بغداد

در روزهای اخیر زرمه‌هایی از احتمال مذاکره تهران و واشنگتن برای کاهش تنش‌ها به گوش می‌رسید و کشورهای چون عمان، عراق و ژاپن برای میانجیگری اعلام آمادگی کرده‌اند اما بر اساس شواهد به تدریج این زرمه‌ها خفیف‌تر می‌شود.

محسن علیجانی‌زمانی نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو فراکسیون امید، «فراکسیون امید» فراکسیونی که تا پیش از این برای مذاکره با آمریکا دست و پا می‌زد، در مصاحبه با خبرگزاری «خانه‌ملت» گفته «ایران قطعاً تا زمانی که آمریکا رویه خود را اصلاح نکند با آنها مذاکره‌ای نخواهد داشت.» وی تأکید کرده، «کشورهای خواستار میانجیگری باید در وهله اول دولت آمریکا را ارشاد کنند که به معاهده‌هایی همچون برجام عمل نکرده است.»

علیجانی زمانی می‌گوید: «البته دولت ترامپ به هیچ وجه قابلیت پذیرش میانجیگری را ندارد و در نهایت اقدامی را می‌کند که به نفع خود باشد از این رو ما نیز با قدرت جلو می‌رویم تا آنها تسلیم شوند.»

تحولات پیرامون مسائل ایران سرعت بسیاری گرفته و رژیم ایران هنوز نتوانسته راه‌گریزی برای خروج از این محاصمه پیدا کند. محمدجواد ظریف در سفر به شرق آسیا تلاش کرد با گرفتن وعده‌های تکراری دست‌کم از سرعت افول جایگاه بین‌المللی رژیم ایران بکاهد اما متحدان سنتی رژیم ایران نیز حمایت‌های خود از جمهوری اسلامی را کاسته‌اند.

در عین حال، تنها یک روز پس از سفر مایک پمپئو به روسیه و دیدار او با رئیس‌جمهوری و وزیر خارجه این کشور ولادیمیر پوتین در سخنانی تند به رژیم تهران تاخته است. او گفته «من چندین بار به ایرانیان صادقانه گفتم که از برجام خارج نشوید؛ ما ترجیح می‌دهیم این توافق را ادامه دهیم؛ ما آتش‌نشانی نیستیم و نمی‌توانیم به همه کمک کنیم! ما نقش خودمان را بازی کرده‌ایم و نباید تنها بر ما تکیه کنید!» این سخنان پوتین بی‌تردید برای زمامداران رژیم جمهوری اسلامی که به خیال خود در پی تقویت «نگاه به شرق» بودند بسیار ناگوار است. اگرچه کمتر تحلیلگری حتی از درون خود نظام وجود داشته که نسبت به این حقیقت هشدار نداده باشد: هیچ کشوری، از جمله روسیه، رابطه‌ی خود با آمریکا را فدای رابطه با جمهوری اسلامی نمی‌کند!

المیادین این خبر را ۲۴ ساعت پس از «عملیات بزرگ» یمن علیه تأسیسات نفتی سعودی منتشر و در توضیح بیشتر، زمان این ۱۰ عملیات را اخیراً اعلام کرد. جزئیات بیشتری از این عملیات‌ها یا مکان آن هنوز اعلام نشده یا هیچ منبع یمنی هنوز آن را تأیید نکرده است.»

● آمریکا و اسرائیل را شکست می‌دهیم

امیر حاتمی وزیر دفاع جمهوری اسلامی در سخنانی مدعی شده جمهوری اسلامی طعم تلخ شکست را به جبهه آمریکایی-صهیونیستی خواهد چشاند. او می‌گوید جمهوری اسلامی در بالاترین سطح از آمادگی‌های دفاعی-نظامی قرار دارد و قادر است با هر تهدیدی مقابله کند. حاتمی در گردهمایی پیشکسوتان اطلاعات و عملیات لشکر محمد رسول‌الله تأکید کرد که نیروهای مسلح ایران به لحاظ آمادگی دفاعی-نظامی در جایگاه رفیع و بی‌نظیری قرار دارند و این موقعیت در سخت‌ترین شرایط تحریم نیروهای مسلح به دست آمده است!



ولادیمیر پوتین

در این میان، دونالد ترامپ در توییتی ضمن رد ادعای روزنامه واشنگتن‌پست مبنی بر وجود اختلاف در دولت آمریکا، آن را رسانه «فیک‌نیوز» (دروغ‌پرداز) خوانده و نوشته «اصلاً جدال داخلی در کار نیست، نظرات مختلف بیان می‌شوند و من تصمیم نهایی و قطعی را می‌گیرم. این فرایند بسیار ساده است. همه طرف‌ها، نظرات و سیاست‌ها پوشش داده می‌شوند. مطمئنم ایران به زودی خواستار گفتگو خواهد شد.» این در حالیست که به تازگی این رهبر جمهوری اسلامی بار دیگر بر عدم مذاکره با آمریکا تأکید کرد و گفت، «مذاکره با آمریکا سم است و هیچ ایرانی با شعوری دنبال مذاکره نیست!»

● آمریکایی‌ها می‌گویند رژیم ایران پشت دو عملیات خرابکاری در امارات و عربستان بوده.

● معاون نماینده آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد، در بیانیه‌ای از جمهوری اسلامی خواست به تجهیز تسلیحاتی شبه‌نظامیان پایان دهد.

● روزنامه کیهان تهران بار دیگر امارات را تهدید به عملیات موشکی کرده.

● ظریف در سفر به شرق آسیا تلاش کرده با گرفتن وعده‌های تکراری دست‌کم از سرعت افول جایگاه بین‌المللی رژیم ایران بکاهد اما متحدان سنتی رژیم ایران نیز حمایت‌های خود از جمهوری اسلامی را کاسته‌اند.

● پوتین: ما نقش خودمان را بازی کرده‌ایم و نباید تنها بر ما تکیه کنید!

هلی کوپتوهای آمریکایی، چهارشنبه ۱۵ ماه مه، گروهی از کارکنان سفارت ایالات متحده در بغداد و کنسولگری اربیل را از نفاذی که احتمال می‌رفت از سوی رژیم ایران مورد تهدید قرار گیرد خارج کردند. برخی از فعالیت‌های سفارت آمریکا در بغداد و کنسولگری این کشور در اربیل از جمله صدور ویزا نیز متوقف شده است.

به گزارش رویترز، پس از خرابکاری در بندر الفجیره امارات و هدف قرار گرفتن چهار تا شش تانکر و کشتی تجاری که هنوز هیچ گروهی مسئولیت آن را به عهده نگرفته، تعدادی از هواپیماهای بدون سرنشین حوثی‌ها به تأسیسات نفتی عربستان حمله کردند و واشنگتن می‌گوید رژیم ایران پشت هر دو این عملیات بوده است.

منابع آمریکایی می‌گویند جمهوری اسلامی، شبه‌نظامیان حوثی یا حشدالشعبی در عراق را تشویق به انجام حملات کرده و این اقدامات را تحریک جدی خوانده‌اند.

جانان کوهن معاون نماینده آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد، در بیانیه‌ای به جمهوری اسلامی توصیه کرد به تجهیز تسلیحاتی شبه‌نظامیان پایان دهد.

وی گفت، «همانطور که ماه گذشته و در جریان مذاکرات تقویت تحریم‌های سازمان ملل در یمن تأکید شد، شبه‌نظامیان حوثی یمن توان تولید و گسترش تسلیحات موشکی و پهپادی ندارند. تمامی این سلاح‌ها تولیدات رژیم ایران است.»

کوهن تأکید کرد، «وقتی از رژیم ایران پرسیدیم چطور است که سلاح‌های ساخته یا طراحی شده آنها در یمن دیده می‌شود، هیچ توضیح قابل‌اتکایی ندادند. تخطی رژیم ایران از ممنوعیت رساندن سلاح و مهمات به یمن، نه فقط نقض قطعنامه‌های شورای امنیت است، که جنگ یمن را هم طولانی‌تر می‌کند.»

تهدید دوباره جمهوری اسلامی علیه اماراتی‌ها

روزنامه کیهان تهران که این روزها با گزارش‌های تهدیدآمیز خود در عمل تریبون جنگ و درگیری شده، پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت نیز در تیتراژ خود نوشته «برجک سعودی پرید!» این روزنامه‌ی بدنام و جنگ‌طلب به نقل از انصارالله تهدید کرده، «مراکز حساس امارات هم در تیررس است!» در بخشی از این گزارش به نقل از شبکه خبری المیادین آمده، «اطلاعات ویژه‌ای که به دست ما رسیده، نشان می‌دهد، نیروهای صنعا بیش از ۱۰ عملیات نظامی اعلام نشده علیه اهدافی مهم در عمق عربستان سعودی انجام داده‌اند.

### دارالترجمه بین‌المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی  
تلفن: 020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831  
فکس: 020-7760 7160  
www.assot.co.uk  
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road  
Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر



## ۱۲ شرط آمریکا و مطالبات مردم ایران: خروج از دایره شیطانی اتم و تروریسم و نقض حقوق بشر



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

سوریه را رها کن، فلسطین را رها دشمن ما همینجاست، بیخود کن، فکری به حال ما کن! میگن آمریکاست!

الاهه بقراط، علی اشتیاق - روز دوشنبه ۲۱ ماه مه ۲۰۱۸ برابر با ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷، مدت کوتاهی پس از خروج دولت آمریکا از برجام در ۸ ماه مه ۲۰۱۸، شروطی از سوی مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا اعلام شد تا بر اساس آنها بتوان مذاکرات درباره یک توافق احتمالی جدید را با جمهوری اسلامی ایران از سر گرفت. این شروط که به «شروط ۱۲ گانه» معروف شده‌اند نخستین سخنرانی پمپئو به عنوان وزیر خارجه جدید ایالات متحده بود. برخی تحلیلگران معتقدند انجام این ۱۲ شرط در واقع پاسخ به مطالبات مردم ایران نیز هست که دست کم از جنبش اعتراضی سال ۸۸ به اینسو در اعتراضات و تجمعات خود شعار داده‌اند: نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران

## گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با مدیران موسسه هادسن درباره چگونگی حمایت آمریکا از مبارزات مدنی مردم ایران



رضا پهلوی می گوید در دیدار با مدیران موسسه هادسن درباره چگونگی حمایت ایالات متحده از تلاش های خشونت پرهیز و مدنی مردم ایران گفتگو کرده است.

مدیر موسسه هادسن می گوید دیدگاه های رضا پهلوی درباره وضعیت جامعه مدنی ایران و چشم انداز تغییر در این کشور جذاب بود.

شاهزاده رضا پهلوی، چهارشنبه ۱۵ ماه مه (۲۵ اردیبهشت)، در توییته از دیدارش با پژوهشگران و مدیران موسسه آمریکایی هادسن «Hudson Institute» در واشنگتن و گفتگو درباره مسائل ایران خبر داد. او این دیدار را سازنده خواند و نوشت که «در خصوص مبارزه کنونی در ایران برای دستیابی به دموکراسی صحبت کردیم و اینکه چگونه ایالات متحده می تواند از تلاش های خشونت پرهیز و مدنی مردم ایران حمایت کند.»

کنت واینستین مدیر موسسه هادسن نیز در توییته نوشت «افتخار داشتیم که میزبان رضا پهلوی باشیم و دیدگاه های جذاب او درباره وضعیت جامعه مدنی ایران و چشم انداز تغییر در این کشور را بشنویم.»

موسسه هادسن یک سازمان پژوهشی مستقل در زمینه دموکراسی و مبتکر نوآوری با هدف ترویج امنیت جهانی، رفاه و آزادی است که البته از نگاه مقام های سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و رسانه های وابسته به آنها این قبیل موسسات «برانداز» هستند.

در شهریور سال ۸۹ یک سال پس از آغاز اعتراضات به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ روزنامه رسالت در گزارشی با عنوان «آشنایی با موسسات

طراح و مجری براندازی نرم» نوشت، «موسسه هادسن نزدیکی بسیاری به جمهوری خواهان آمریکا و عناصر صهیونیستی جدی و سرسختی دارد.» رسالت با اشاره به نزدیکی این موسسه به سلطنت طلبان از شهریار اهی، رضا پهلوی و نازنین انصاری روزنامه نگار بین المللی و مدیر مسئول کیهان لندن به عنوان مرتبطین با موسسه هادسن نام برد.

اغلب مدیران موسسه هادسن و جمعی از کارشناسان و پژوهشگران فعال در آن مواضع تندی علیه رژیم های استبدادی از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران دارند. یکی از آنها مایکل پریجنت کارشناس ارشد این موسسه است که در واکنش به قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان های تروریستی گفته بود، وزارت خارجه آمریکا می تواند حالا سراغ اعضای خانواده های مقام های رژیم ایران که با سپاه مرتبط هستند و اینجا در ایالات متحده بسر می برند،

برود. وی با تاکید بر اینکه اگر شما از این ابزار قدرتمند استفاده نکنید دیگر نمی توانید انتظار تغییرات مورد نظر را داشته باشید، پیش بینی کرد در طول ماه های آینده هر ماه شاهد یک تحریم جدید علیه جمهوری اسلامی خواهیم بود، علیه افراد بیشتر، صنایع بیشتر،

## تجمع گروهی از ایرانیان آلمان در برلین: اتحادیه اروپا سپاه پاسداران را تروریست اعلام کند



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

برلین. یازدهم ماه مه ۲۰۱۹، در پی قرار دادن سپاه پاسداران به عنوان ماشین ترور جمهوری اسلامی در فهرست سازمان های تروریستی از سوی ایالات متحده آمریکا، شهر برلین شاهد برگزاری گردهمایی تعدادی از ایرانیان تبعیدی و گروه های سیاسی مخالف نظام در مقابل دروازه پایتخت کشور آلمان بود. شرکت کنندگان در این گردهمایی خواستار قطع مناسبات سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا بخصوص کشور آلمان با رژیم ایران شدند و با صدور قطعنامه ای بر ۴۰ سال سرکوب، ترور، قاچاق گسترده مواد مخدر به اروپا و پولشویی از طریق همین مناسبات تاکید کردند.

ایرانیان تبعیدی ساکن آلمان در این گردهمایی یادآور شدند که ملت ایران هرگز با اعمال تروریستی و جنایات داخلی و خارجی رژیم همسو و شریک نبوده و از کشورهای اروپایی نیز

خواهد که با ملت ایران همسو باشند. شرکت کنندگان به کشورهای اروپا توصیه کردند که برای رهایی از بحران های ناامنی و عملیات های تروریستی که از بدو حیات جمهوری

ایرانیان تبعیدی ساکن آلمان در این گردهمایی یادآور شدند که ملت ایران هرگز با اعمال تروریستی و جنایات داخلی و خارجی رژیم همسو و شریک نبوده و از کشورهای اروپایی نیز

## دختر دانشجو به اتهام جاسوسی برای بریتانیا از طریق «استحاله و نفوذ فرهنگی» به ۱۰ سال زندان محکوم شد



ارس امیری دانشجوی ۲۲ ساله از ۲۳ اسفندماه در بازداشت وزارت اطلاعات است

● سخنگوی قوه قضاییه مدعی شده این دختر جوان با گروه های مختلف به ویژه در زمینه هنر و تئاتر ارتباط گرفته تا در این راستا بتواند پروژه های «نفوذ» و «شبیخون فرهنگی» را عملیاتی کند!

● غلامحسین اسماعیلی از این فرد نام نبرده است اما با توجه به اینکه گفته این دختر جوان بیش از یک سال در بازداشت بسر برده به نظر می رسد این زندانی ارس امیری، دانشجوی ایرانی دانشگاه کینگز تون بریتانیا باشد.

سخنگوی قوه قضاییه از محکومیت یک دختر دانشجو به ۱۰ سال زندان به اتهام جاسوسی برای بریتانیا خبر داده است. قوه قضاییه مدعی شده این دختر از طریق استحاله و نفوذ فرهنگی به ویژه در زمینه هنر و تئاتر، جاسوسی می کرده است.

غلامحسین اسماعیلی سخنگوی قوه قضاییه روز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ در حاشیه جلسه مسئولان عالی قضایی از محکومیت یک دختر جوان به ۱۰ سال زندان به اتهام جاسوسی برای بریتانیا خبر داد.

سخنگوی قوه قضاییه این دختر جوان را «یکی از عناصر مهم نفوذ فرهنگی» خوانده و گفته است که این دختر دانشجو به دنبال اخذ اقامت و مهاجرت به انگلستان بوده و با استخدام در بریتیش کانسیل (British Council) از سوی سرویس امنیتی انگلستان آموزش دیده و طی بارها سفر به ایران با پاسپورت ها و نام ها مختلف به «استحاله

اطلاعاتی کشور این توطئه آن ها عقیم ماند و نتوانستند در پوشش های دیگر در کشور ما فعالیت داشته باشند.» اسماعیلی در ادامه مدعی شد «در مرحله سوم تصمیم گرفتند که با بهره گیری از دانشجویان و ایرانیان مقیم انگلیس و جذب آن ها با حمایت سرویس اطلاعاتی انگلیس، به انجام برنامه های فرهنگی خود و در ظاهر به گفتگوهای ایرانی-ایرانی مبادرت کنند؛ به این معنا که از ایرانیان مقیم انگلیس و شهروندان داخل کشور برای این منظور استفاده نمایند.»

سخنگوی قوه قضاییه گفته که «بریتیش کانسیل» موفق شده تعدادی را جذب کند و برای آنها «آموزش های مختلفی را با حمایت سرویس امنیتی انگلیس، تدارک و فعالیت های این فعالیت ها چهار میز در شورای فرهنگی انگلیس تحت عناوین مختلف به عنوان میزهای ایران تأسیس شد.

ادامه در صفحه ۱۷

## مشرق نیوز: آیا دولت آمریکا حاضر است برای آزادی مراد طاهباز باج بدهد؟!

● حکومت از گروگان گیری و باج خواهی به عنوان روشی برای کسب درآمد بهره می برد.

● مشرق نیوز می گوید دولت آمریکا «طلبکارانه» درخواست آزادی اتباعش را داده و به تبادل آنان رضایت نداده!

● این وبسایت حکومتی اتهامات متعددی به طاهباز وارد کرده و پرسیده آیا دولت آمریکا حاضر است برای آزادی وی «باج آمریکایی» بدهد؟!

باج خواهی و گروگان گیری جمهوری اسلامی از طریق زندانی کردن ایرانیان و همچنین اتباع کشورهای غربی حالا به پرونده فعالان محیط زیست رسیده است. وبسایت مشرق نیوز می گوید دولت آمریکا در تلاش برای آزادی مهدی طاهباز یکی از فعالان محیط زیست زندانی شده در ایران است. این وبسایت با گزارش خود، گروگان گیری اتباع کشورهای دیگر و باج خواهی از دولت های غربی و همچنین آمریکا را تایید کرده است.

وبسایت مشرق نیوز شامگاه دیروز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه با انتشار مطلبی مدعی شده که دولت آمریکا در تلاش برای آزادی مهدی طاهباز یکی از فعالان محیط زیست دوتابعیتی ایرانی- آمریکایی زندانی شده توسط جمهوری اسلامی است. آنگونه که مشرق نیوز نوشته، دولت آمریکا از ابتدای زندانی شدن فعالان محیط زیست برای آزادی آنان فشار آورده ولی «پیامها و پیگیری های ویژه ای برای آزادی» مراد طاهباز صورت گرفته است. این وبسایت همچنین تأکید

کرده که «آمریکا از موضعی بالا و طلبکارانه درخواست آزادی یکطرفه جاسوسان خود را مطرح کرده است و حتی به تبادل آنان با ایرانیان زندانی در آمریکا نیز رضایت نداده است!» محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه چندی پیش در نیویورک گفت که حکومت ایران، شش ماه پیش به آمریکا پیشنهاد تبادل زندانی داده ولی پاسخی از سوی مقامات دولت ترامپ دریافت نکرده است.

در این بین، موضوع تبادل زندانیان دو تابعیتی و اتباع آمریکایی همواره در جمهوری اسلامی نه تنها مطرح بوده بلکه مستقیم و غیرمستقیم از جمله توسط محسن رضایی و همین گزارش مشرق نیوز تایید نیز شده است. حکومت ایران اتباع کشورهای دیگر و همچنین ایرانیان دوتابعیتی را به گروگان می گیرد تا از طریق آنها امتیازات سیاسی و یا درآمد کسب کند!

مشرق نیوز در مقاله خود اتهام «جاسوسی» که دستگاه قضایی متوجه ۸ فعال محیط زیست کرده را متوجه طاهباز کرده و نوشته که وی «به مناطق حساس و فوق سری کشور دسترسی پیدا کرده» «جمع آوری اطلاعات درباره نقشه های تأسیسات دریایی و نظامی در حوزه خلیج فارس» از جمله زمینه های جدی فعالیت وی بوده مشرق نیوز نوشت: «از طاهباز همچنین تجهیزات بسیار پیشرفته جاسوسی و جمع آوری اطلاعات نیز کشف و ضبط شده است.»

این گزارش که در دروغ پردازی و اتهام زنی دست کمی از کیهان تهران و برنامه ۲۰:۳۰ صدا و سیمای جمهوری اسلامی ندارد، به گروگان گیری و باج خواهی حکومت از دولت های خارجی چون آمریکا برای آزادی زندانیان شان در ایران به صراحت اشاره کرده و نوشته که



## غیبت سینماگران ایرانی در هفتاد و دومین جشنواره سینمایی کن



الخاندرو گونزالس اینیاریتو و اعضای ژوری

● در ۱۷۲امین جشنواره سینمایی کن، هیچ فیلم و سینماگر ایرانی در هیچکدام از بخش‌ها حضور ندارد. ● جشنواره با اکران «مرده‌ها نمی‌میرند» از جیم جارموش آمریکایی آغاز به کار کرد. فیلمی کم‌دی که آینده‌ای ترسناک را ترسیم می‌کند. ● نخل طلايي عمري در خدمت سینما به هنرپیشه سرشناس فرانسوی آلن دلون تعلق خواهد گرفت. گزینه‌های جنجالی که خشم گروه‌های فمینیست را برانگیخته است.

جشنواره را در سال ۲۰۰۶ به دست آورد و امسال ریاست هیات داوران بخش اصلی را عهده‌دار است، احتمالاً این سیاست است که جهان را به سمت ویرانی سوق می‌دهد. الخاندرو گونزالس اینیاریتو که پیش از اکران «مرده‌ها نمی‌میرند» صحبت می‌کرد، بدون نام بردن از دونالد ترامپ و دیگر سیاستمداران معروف به پوپولیست که در رأس حکومت‌ها قرار دارند، گفت: «اگر این گفتمان‌ها و خشم و خشونت ادامه پیدا کند ما می‌توانیم شاهد جنگ جهانی دیگری باشیم.» این کارگردان مکزیکی که بارها سیاست‌های دونالد ترامپ در رابطه با مهاجران را به باد انتقاد گرفته و از مخالفان سرسخت دیواری است که رئیس جمهور آمریکا می‌خواهد در مرز این کشور با مکزیک برپا کند، از تصمیم جشنواره کن در عدم پذیرش فیلم‌هایی که «نت فلیکس» تهیه کرده است نیز دفاع کرد.

کنار دیگران دید و نه در خلوت تنهایی که دیگری را حذف می‌کند. جشنواره امسال کن همچنین با یک جنجال آغاز شد. تصمیم مدیریت این سمت ویرانی سوق می‌دهد. الخاندرو گونزالس اینیاریتو که پیش از اکران «مرده‌ها نمی‌میرند» صحبت می‌کرد، بدون نام بردن از دونالد ترامپ و دیگر سیاستمداران معروف به پوپولیست که در رأس حکومت‌ها قرار دارند، گفت: «اگر این گفتمان‌ها و خشم و خشونت ادامه پیدا کند ما می‌توانیم شاهد جنگ جهانی دیگری باشیم.» این کارگردان مکزیکی که بارها سیاست‌های دونالد ترامپ در رابطه با مهاجران را به باد انتقاد گرفته و از مخالفان سرسخت دیواری است که رئیس جمهور آمریکا می‌خواهد در مرز این کشور با مکزیک برپا کند، از تصمیم جشنواره کن در عدم پذیرش فیلم‌هایی که «نت فلیکس» تهیه کرده است نیز دفاع کرد.

جشنواره کن امسال برای دومین سال پیاپی از پذیرفتن فیلم‌هایی که بجای اکران در سالن‌های سینما تنها از طریق اینترنت و عمدتاً شبکه‌های خانگی مانند «نت فلیکس» پخش می‌شوند خودداری کرد. بر پایه اساسنامه این جشنواره، سه سال پس از پخش فیلم‌ها در سینما، می‌توان آنها را در شبکه‌های اینترنت قرار داد. الخاندرو گونزالس اینیاریتو در این رابطه گفت «من مخالف دیدن فیلم در کامپیوتر و یا موبایل نیستم، ولی فیلم را باید در سینما، روی پرده بزرگ و در

## لغو مجوز دو کتاب پر فروش «انسان خردمند» و «انسان خداگونه» از نویسندگان اسرائیلی



● مشاور معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفتگویی که فایل صوتی آن منتشر شده، از لغو مجوز این دو کتاب ابراز خرسندی کرده و گفته که «الحمدلله این کتاب لغو مجوز شد!»

● هراری در پی دو کتاب قبلی که به تاریخ گذشته و حال می‌پرداخت، در کتاب سوم خود به نام «۲۱ درس برای قرن بیست و یکم» به جهان آینده و سناریوهای احتمالی که در انتظار جامعه بشری می‌تواند باشد پرداخته است. کتاب «۲۱ درس برای قرن بیست و یکم» نیز جزو پر فروش ترین کتاب‌های جهان است.

در حالی که مشاور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از لغو مجوز دو کتاب پر فروش «انسان خردمند» و «انسان خداگونه» نوشته یووال نوح هراری نویسنده اسرائیلی خبر داده، مدیرکل دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی گفته، خبر لغو این دو کتاب «بدین صورت واقعیت ندارد». این دو کتاب پر فروش هراری در جهان، جوایز متعددی نیز دریافت کرده است.

ایوب دهقانکار مشاور معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی روز گذشته در گفتگو با وبسایت «صراط‌المستقیم» از لغو مجوز نشر کتاب‌های «انسان خردمند» و «انسان خداگونه» نوشته یووال نوح هراری نویسنده اسرائیلی خبر داد.

وی در گفتگویی که فایل صوتی آن منتشر شده، از لغو مجوز این دو کتاب ابراز خرسندی کرده و گفته که «الحمدلله این کتاب لغو مجوز شد». «انسان خردمند: تاریخ مختصر بشر» و «انسان خداگونه» از پر فروش ترین کتاب‌های موجود در بازار کتاب جهان است که توسط یووال نوح هراری نویسنده اسرائیلی نوشته شده است. کتاب «انسان خردمند» با ترجمه نیک گرگین توسط نشر نو در ایران نیز با

وی در ایران، تعجب‌برانگیز بود. شاید به خاطر حساسیت‌های موجود در جمهوری اسلامی بود که نشر نو در معرفی هراری در کتاب «انسان خردمند» آورده است که این نویسنده متولد «بیت‌المقدس» است. هراری در پی دو کتاب قبلی که به تاریخ گذشته و حال می‌پرداخت، در کتاب سوم خود به نام «۲۱ درس برای قرن بیست و یکم» به جهان کنونی و سناریوهای احتمالی که در انتظار جامعه بشری می‌تواند باشد پرداخته است. کتاب «۲۱ درس برای قرن بیست و یکم» نیز جزو پر فروش ترین کتاب‌های جهان است.

یووال نوح هراری دو بار در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ به دلیل «خلافت و اصالت آثار» جایزه پولونسکی را دریافت کرد. همچنین در سال ۲۰۱۱ به دلیل نگارش مقالاتی درباره تاریخ نظامی، جایزه انجمن تاریخ نظامی مونکادو را دریافت کرد. هراری در سال ۲۰۱۲ به عضویت فرهنگستان علوم اسرائیل درآمد.

در کانال یوتیوب یووال نوح هراری می‌توان مباحث و گفتگوهای بسیار جالبی درباره تاریخ و بشریت یافت. باراک اوباما و بیل گیتس خواندن کتاب «انسان خردمند» را توصیه کرده‌اند. نکته قابل توجه، انتشار گسترده نسخه‌های غیرقانونی ترجمه کتاب‌های هراری به زبان فارسی در اینترنت است. گو اینکه نشر نو و نشر چشمه نیز به واسطه عدم رعایت کپی‌رایت در ایران، بدون هماهنگی با نویسندگان اقدام به ترجمه و انتشار کتاب‌هایش کرده‌اند.

استقبال روبرو شد و به چاپ دوازدهم رسید. کتاب «انسان خداگونه» با ترجمه همین مترجم نیز در ایران به چاپ سوم رسید. نشر چشمه کتاب «انسان خردمند» را با عنوان «سایپینس: گشت و گذاری در تاریخ بشر» با ترجمه محسن مینو خرد راهی بازار کرد.

باشگاه خبرنگاران جوان که خبر لغو مجوز این دو کتاب را بازنشر کرده، کتاب‌ها را «لحادی» و مروج تفکرات صهیونیستی نویسنده مخدوش‌کننده تاریخ تمدن بشر با محوریت غرب خوانده است. این وبسایت همچنین نوح هراری را همجنسگرا و مروج بی‌بند و باری جنسی توصیف کرده است! با این حال، مرادی‌نیا مدیرکل دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی اعلام کرد که «خبر لغو مجوز دو کتابی که به نقل از باشگاه خبرنگاران درج شده «بدین صورت واقعیت ندارد!»

او گفته که تنها مرجع رسمی اخبار صدور و لغو مجوز کتاب‌ها، دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی است و «این دفتر در قبال گفته‌های منابع دیگر مسئولیتی ندارد.»

یووال نوح هراری تاریخ‌نگار اسرائیلی و پژوهشگر و استاد تاریخ دانشگاه عبری اورشلیم است که دو کتاب پر فروش جهان «انسان خردمند: تاریخ مختصر بشر» و «انسان خداگونه: تاریخ مختصر فردا» را به رشته تحریر درآورده است.

وی از نویسندگان آتیست علمی دنیای امروز به شمار می‌رود که با توجه به ویژگی‌هایی چون همجنسگرایی و ملیت‌ش، ترجمه و انتشار کتاب‌های

## کشف اسکلت یک شاهزاده ایرانی در آستراخان روسیه



شاهزاده ایرانی در روسیه

● محوطه کشف شده یک آرامستان مربوط به عصر برنز بوده که در دوره‌های بعد، سمرتها و آلان‌ها از آن استفاده می‌کردند. ● واسیلیف رئیس آزمایشگاه باستان‌شناسی دانشگاه آستراخان، مهم‌ترین کشف در این محوطه را مربوط به اسکلت فردی از قوم سمرت دانسته که در قرن اول یا دوم میلادی زندگی کرده است.

اسکلت یک شاهزاده ایرانی از قوم سمرت در استان آستراخان روسیه واقع در حاشیه شمال شرقی دریای کاسپین (مازندران یا خزر) کشف شد. آنگونه که ایرنا گزارش کرده، این اسکلت به همراه بقایای هفت جسد دیگر در منطقه نیکولسک استان آستراخان کشف شده است. دمیترو واسیلیف رئیس آزمایشگاه باستان‌شناسی دانشگاه دولتی آستراخان، قدمت اسکلت‌های کشف شده را سه هزار سال پیش از میلاد تا قرن هفتم میلادی تخمین زده است. به گفته این باستان‌شناس، «اسکلت‌ها به افرادی تعلق دارد که در دوره‌ها و فرهنگ‌های مختلف زندگی کرده‌اند.» بر اساس خبرها، یکی از اسکلت‌ها با جمجمه به شکل تخم‌مرغ متعلق

به فردی از قوم آلان (یکی از اقوام ایرانی‌تبار شمالی عهد باستان) است که در خان‌نشین کاسپین زندگی می‌کرده‌اند. واسیلیف رئیس آزمایشگاه باستان‌شناسی دانشگاه آستراخان، مهم‌ترین کشف در این محوطه را مربوط به اسکلت فردی از قوم سمرت دانسته که در قرن اول یا دوم میلادی زندگی کرده است. سمرت یا سرما یکی از مجموعه اقوام باستانی ساکن استپ‌های جنوب روسیه بودند. سمرت‌ها قومی ایرانی‌زبان بودند و شاخه غربی از ساکاه‌ها به شمار می‌آمدند. این اسکلت در زیر یک تخته چوبی قرار داشت و در زیر آن پارچه بزرگ زربافتی پهن شده و در کنار آن تزئینات طلا قرار داشته. یک خنجر و یک ظرف مسی نیز در کنار اسکلت قرار داشت که

## سه نویسنده مجموعاً به ۱۸ سال زندان محکوم شدند



رضا خندان مهابادی، کیوان باژن، بکتاش آبتین (راست به چپ)

● کانون نویسندگان ایران با صدور بیانیه‌ای خواستار لغو احکام صادره از سوی دادگاه انقلاب شده است.

بکتاش آبتین، رضا خندان مهابادی و کیوان باژن اعضای کانون نویسندگان ایران مجموعاً به ۱۸ سال حبس تعزیری محکوم شدند. این نویسندگان به تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور متهم شده‌اند.

بکتاش آبتین، رضا خندان مهابادی (دو عضو هیات دبیران کانون نویسندگان) و کیوان باژن (عضو سابق هیات دبیران کانون نویسندگان) با ابلاغ احکامی از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران، مجموعاً به ۱۸ سال حبس تعزیری محکوم شدند. این نویسندگان هرکدام به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس تعزیری و «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» به تحمل پنج سال حبس تعزیری محکوم شده‌اند.

این سه عضو کانون نویسندگان ایران، دوم بهمن‌ماه ۹۷ پس از احضار و حضور در دادگاه بازداشت و پس از چند روز با تودیع قرار وثیقه از زندان اوین آزاد شدند. طی سال‌های اخیر این نویسندگان بارها با احضار و اتهامات امنیتی مواجه شدند و منازلشان تفتیش و اموالشان ضبط

مختاری و جعفر پوینده، امضای بیانیه‌های کانون بر شمرده است. در این بیانیه ارتباط موارد یادشده با اتهام اقدام علیه امنیت ملی مورد پرسش قرار گرفته و آورده شده: «هر دادگاهی که حتی با اندکی عدالت سال برای این سه نویسنده، کانون نویسندگان ایران بیانیه‌ای اعتراضی منتشر و حکم صادر شده را محکومیت همه نویسندگان و کسانی خواند که «می‌خواهند از حق آزادی بیان برخوردار باشند.»

کانون نویسندگان ایران در بیانیه خود، اتهامات وارد شده به این نویسندگان را انتشار نشریه داخلی، گردآوری اسناد و مدارک فعالیت‌های کانون نویسندگان در قالب یک کتاب، حضور بر مزار احمد شاملو، محمد

شش سال زندان محکوم شده‌اند.



## بحران کاغذ مزیدی بر علت بیکاری کارگران



● با وجود اینکه کاغذ در فهرست کالاهای اساسی برای اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات شد اما وجود مافیا و تخلفات گسترده در ارزهایی که در این میان جیب به جیب شده و موجب بی نتیجه بودن این اقدام بر بازار کاغذ شد.

● مدیر چاپخانه صنوبر: در چاپخانه من ۱۰۰ نفر مستقیماً کار می‌کردند، اما با گرانی‌های اخیر مجبور به تعدیل [اخراج] ۳۰ درصدی نیرو شده‌ام.

با گذشت دو سال از وجود بحران در بازار کاغذ ایران، اکنون این بحران دامن کارگران شاغل در بخش چاپ و نشر را گرفته است و بسیاری از آنها بیکار شده‌اند.

با ادامه روند افزایش قیمت کاغذ و کمبود آن در بازار طی سال گذشته تعدادی از چاپخانه‌ها تعطیل و یا ناچار به کاهش تولید شده و در نتیجه کارگران آنها بیکار و اخراج شدند. دو سال پیش و در پاییز سال ۹۶ زمزمه‌های گرانی ۲۵ درصدی کاغذ بلند شد؛ روند گرانی کاغذ تا کنون وجود داشته و وعده مسئولان در وزارتخانه‌های مختلف برای حل این بحران پوچ و نافرجام بوده است.

در ابتدای موج طولانی و پر درسر گرانی کاغذ در پاییز سال ۹۶ ابوالفضل روغنی گلپایگانی رئیس سندیکای تولیدکنندگان کاغذ و مقوای ایران، حذف ارز مبادله‌ای، گرانی قیمت ارز، کاهش تولید داخلی و کاهش ثبت سفارش را عوامل گران شدن کاغذ بیان کرده بود.

حالا این بحران در شرایطی ادامه پیدا کرده که به گزارش خبرگزاری ایلنا «تولیدات صنعت کاغذ به چهار گروه انتشارات و تحریر، بسته‌بندی، مطبوعات و کاغذهای بهداشتی تقسیم می‌شود. گرانی کاغذ بیش از هر چیز بر آن گروه از واحدهای تولیدی یا خدماتی تأثیر گذاشت که مستقیماً با تهیه کاغذ درگیر بودند. سال ۹۷ حداقل دو روزنامه «همسنگی» و «اعتدال» طاقت گرانی کاغذ را نیاوردند و تن به تعطیلی خودخواسته دادند. دو هفته‌نامه «صدآ» و «مثلث» هم حداقل برای مدتی دست از انتشار کشیدند.» در آذرماه سال گذشته یعنی درست یک سال پس از شروع بحران کاغذ،

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مدعی پایان بحران کاغذ شد: «نمی‌گویم در زمینه کاغذ مشکلی نداریم، اما از بحران خارج شدیم.»

با وجود اینکه کاغذ در فهرست کالاهای اساسی و واجد شرایط برای اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات شد اما وجود مافیا و تخلفات گسترده در ارزهایی که در این میان جیب به جیب شد موجب بی نتیجه بودن این اقدام بر بازار کاغذ شد.

بر اساس گزارش بانک مرکزی دو شرکت هانا تجارت ترولیت و صنعت ساحل پرشیا ۶۷ درصد ارز دولتی اختصاص یافته به کاغذ یعنی ۲۳ میلیون یورو را دریافت کرده‌اند.

قیمت کاغذ در حالی از سال گذشته تا کنون حدود ۳۵۳ درصد افزایش داشته که به گزارش وبسایت «نود اقتصادی» طی سال گذشته دو شرکت ارمغان گستر نوید و نگار گستر هامون ۳۳.۷ میلیون دلار ارز ۴۲۰۰ برای واردات کاغذ گرفته‌اند.

بر اساس این گزارش بررسی‌ها نشان می‌دهد برادران طهرانی با شرکت ارمغان گستر نوید و برادران خوش‌بین با شرکت نگارگستر هامون کل بازار کاغذ روزنامه را در دست دارند.

با افزایش خبرها درباره تخلفات گسترده صورت گرفته در واردات کاغذ برخی مسئولان نسبت به آن هشدار داده و متخلفان را تهدید کردند. در همین رابطه خبرگزاری ایلنا نوشته است که رضا رحمانی وزیر صنعت، معدن و تجارت اوایل اردیبهشت‌ماه جاری در دیدار با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به کسانی که با ارز ۴۲۰۰ تومانی کاغذ خریدند، اما در انبار یا خارج از شبکه توزیع آنها را پخش کردند، هشدار داد که با آنها برخورد خواهد شد.

هر چند به نظر می‌رسد برخوردی

● با وجود اینکه کاغذ در فهرست کالاهای اساسی برای اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات شد اما وجود مافیا و تخلفات گسترده در ارزهایی که در این میان جیب به جیب شده و موجب بی نتیجه بودن این اقدام بر بازار کاغذ شد.

● مدیر چاپخانه صنوبر: در چاپخانه من ۱۰۰ نفر مستقیماً کار می‌کردند، اما با گرانی‌های اخیر مجبور به تعدیل [اخراج] ۳۰ درصدی نیرو شده‌ام.

به زودی حقوق به ما خواهند داد.» این کارگران با بیان اینکه «بیمه ما قطع شده و حقوق نمی‌گیریم» در بارها پیش آمده که ما برای حفظ آبروی نظام خویشننداری کرده‌ایم و با مدیران نفت همراه شده‌ایم که نمونه آن سفر ریاست محترم جمهوری به علسویه و کنگان بود که ما علیرغم تمام فشارها نگذاشتیم حتی یک تراکت و بنر در اعتراض به وضعیت کاریمان چاپ و منتشر شود.»

این نامه سرگشاده به بیژن نامدار زنگنه در حالی منتشر شده است که به نظر می‌رسد خود وزارت نفت زیر فشار اثرات تحریم کمرش به شدت خم شده است. بیژن نامدار زنگنه ابتدای هفته جاری در بخشنامه‌ای به همه بخش‌های وزارت نفت و سازمان‌ها و شرکت‌های زیرمجموعه آن دستور کاهش هزینه‌ها و فروش برخی املاک وزارت نفت از جمله ساختمان‌ها و خانه‌های سازمانی مازاد این وزارتخانه را داده است.

کاهش هزینه‌های اداری، مأموریت‌های داخلی و خارجی کارکنان، همایش‌ها، سمینارها، کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌ها، جوایز تعالی و عنوان‌های مشابه، خرید و چاپ نشریات بعضی از مواردی هستند که جزئیات اجرای آن در این بخشنامه آمده بود.

همچنین در این بخشنامه به کار گرفتن نیروی انسانی جدید ممنوع اعلام شده بود.

در چنین شرایطی مشخص است که نام کارگران اخراج شده بی نتیجه خواهد بود و این کارگران به جمعیت هزاران هزار کارگر و کارمندی که در پی بحران اقتصادی در کشور بیکار شده‌اند خواهند پیوست!

## نامه شماری از کارگران و کارکنان پارس جنوبی به وزیر نفت:

### شرمنده ایم ولی نان خشک جمع می‌کنیم و می‌فروشیم!



● ۲۶۳ کارگر و کارمند اخراجی از پروژه‌های پارس جنوبی در علسویه که همگی تحصیلات دانشگاهی دارند روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت در نامه‌ای خطاب به بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت، خواستار پیگیری مشکلات خود شدند.

● این نامه سرگشاده به بیژن نامدار زنگنه در حالی منتشر شده که خود وزارت نفت زیر فشار تحریم‌ها کمرش به شدت خم شده و در بخشنامه‌ای دستور به کاهش هزینه‌ها و حتی فروش برخی املاک وزارت نفت داده است!

تعدادی از کارگران اخراج شده از پروژه‌های نفتی پارس جنوبی در نامه‌ای خطاب به بیژن نامدار زنگنه نوشته‌اند که دلیل بی‌پولی و از روی ناچاری نان خشک جمع می‌کنند و می‌فروشند!

● ۲۶۳ کارگر اخراجی از پروژه‌های پارس جنوبی در علسویه که همگی تحصیلات دانشگاهی دارند روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت در نامه‌ای خطاب به بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت، خواستار پیگیری مشکلات خود شدند.

این کارگران در نامه خود نوشته‌اند «آقای وزیر محترم واقعا شرمنده هستیم و خجالت‌زده که بگوییم ما حتی نمی‌توانیم به صورت همسر و فرزندانمان نگاه کنیم و شرمنده هستیم از اینکه بگوییم بعضاً در علسویه نان خشک جمع می‌کنیم تا بعد از ۱۴ روز کرایه رفتن به خانه‌هایمان را داشته باشیم.»

آنها خطاب به بیژن نامدار زنگنه نوشته‌اند که «بیمه ما قطع شده، حقوق نمی‌گیریم، قصه زندگی ما تلخ‌ترین قصه‌هاست.»

در این نامه که به امضای ۲۶۳ کارگر اخراج شده رسیده آمده است: «وزیر محترم نفت بدون شک شما هم فرزند دختر و پسر دارید و در جامعه کنونی در حال زندگی هستید... در این اوضاع و احوال بدون شک خبر از بیکاری و گرانی و وضعیت سخت معیشت و زندگی مردم دارید.»

در ادامه این نامه آمده است: «قصه ما را حتما شنیده‌اید؛ نزدیک به ۲۶۳ نفر از جوانان استان بوشهر با تحصیلات عالی دانشگاهی هستیم که هر کدام تا قبل از این بعضاً مشاغل نیز داشته‌ایم که بنا به وعده‌های فراوان آن مشاغل را ترک گفته و کمر همت جهت خدمت در صنعت نفت بسته بودیم و از سال‌های ۹۶ و ۹۷ به عنوان کارگر، نیروی خدماتی، اداری، مکانیک و تاسیسات، آبدارچی، نگهداشت کمپها و... به سازمان منطقه ویژه پارس ورود پیدا کرده‌ایم.»

آنها خطاب به زنگنه نوشته‌اند: «جناب آقای وزیر می‌دانید که ما ۲۶۳ نفر زن و فرزند داریم و هر کدام بعضاً نان‌آور خانه‌های پدری و مادری نیز بوده و هستیم. نمی‌دانید چه شور و شعفی داشتند خانواده‌های ما وقتی ما مشغول به کار شده بودیم اما قصه ما تلخ شد. آقای وزیر شادی ما خیلی زود به تلخی رسید. حقوق و بیمه ما نسبت به ماه‌های اول کمتر شد، به اینهمه راضی بودیم اما اینهمه ماند و حقوق و بیمه قطع شد و ما ماندیم با خانواده‌های چشم‌انتظاری که حالا چشم‌هایشان به ما دوخته شده. ما که هیچ حرفی جز شرمندگی نداشتیم و بعضاً حتی کرایه رفتن تا خانه‌هایمان و سر زدن به فرزندانمان را هم نداشتیم. آقای وزیر محترم واقعا شرمنده هستیم و خجالت‌زده که بگوییم ما حتی نمی‌توانیم به صورت همسر و فرزندانمان نگاه کنیم و شرمنده هستیم بعضاً در علسویه نان خشک جمع می‌کنیم تا بعد از ۱۴ روز کرایه رفتن به خانه‌هایمان را داشته باشیم.»

وزیر محترم نفت بدون شک شما هم فرزند دختر و پسر دارید و در جامعه کنونی در حال زندگی هستید... در این اوضاع و احوال بدون شک خبر از بیکاری و گرانی و وضعیت سخت معیشت و زندگی مردم دارید.»

## احتمال گندیدن ۷۰۰ هزار تن چغندر در خوزستان؛ کامیون

### برای برداشت نیست



رحیمی‌نیا توضیح داده است که استان خوزستان به دلیل شرایط اقلیمی مناسبی که برای کشت این محصول داشت، حدود ۱۱ هزار و ۱۹۱ هکتار زیر کشت این محصول قرار گرفت که از این میان، ۵۵۵٫۵۵ هکتار زیر کشت (معادل ۶۱۵۷ هکتار) نیز در زمین‌های شهرستان شوش است.

به گفته او چغندرقند در مرحله کشت در پاییز به نسبت اوقات دیگر آب کمتری مصرف می‌کند. همچنین با توجه به اینکه کارخانه‌ها عموماً چغندر بهره را مصرف کرده و در اوقات دیگر سال تعطیل هستند، چغندر پاییزه موجب تداوم حرکت چرخ تولید آنها، شکر و اشتغالزایی می‌شود.

رئیس انجمن صنفی کشاورزان شهرستان شوش دانیال گفته است هر ساله قیمت تضمینی خرید چغندر که توسط دولت تعیین می‌شود کمتر از هزینه‌هایی بود که کشاورزان برای پرورش محصول انجام می‌دادند و امسال بارندگی و سیل این هزینه‌ها را به شدت افزایش داده و کشاورزان را در شرایطی بحرانی قرار داده است: «شهرستان شوش، شهر اول در زمینه کشت چغندرقند پاییزه، گندم و ذرت است اما به دلیل بارندگی‌های

روغن متوقف و متعاقباً گران شده است. علاوه بر این، سهمیه گازوئیل آنها بسیار کاهش یافته است. بسیاری رانندگان حتی حاضر هستند که پول گازوئیل به نرخ آزاد را بپردازند اما حتی آن نیز در دسترسشان نیست.» اکنون هزاران تن محصول روی دست کشاورزان سیل‌زده خوزستانی مانده و به نظر می‌رسد دولت در خواب عمیق بی‌مسئولیتی بسر می‌برد. رحیمی‌نیا تأکید کرده که «۷۰۰ هزار تن چغندر در خوزستان در حال برداشت است که برای حمل آنها ظرف یک ماه باید فکری صورت گیرد. در این برهه زمانی، حداقل به دو هزار دستگاه کامیون نیاز است که نیمی از آنها در حال بار زدن باشند و نیم دیگر، در مرحله بازگشت از کارخانه برای بارگیری جدید باشند.»

جالب اینکه قیمت شکر در هفته‌های گذشته با افزایشی بیش از صد درصد روبرو شده و مهمترین دلیل این افزایش قیمت از سوی تولیدکنندگان کمبود چغندر عنوان شده است!

حسن حسینی نایب رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت ایران روز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ گفته است که «علت افزایش قیمت و ناسامانی در بازار شکر را کاهش تولید چغندر قند و واردات است. بیشترین تعداد کارخانه‌های قند و شکر در استان خراسان رضوی واقع است که از بین آنها دو واحد تولیدی به دلیل مشکلات تعطیل شده و حتی برداشت بهاری چغندر قند نیز مشکل واحدهای تولیدی را برطرف نکرده است.»

ماه و در فصل برداشت قرار داریم، برداشت سریع و به موقع محصول بسیار مهم است اما متأسفانه ما با تاخیر در برداشت مواجهیم چراکه کامیون برای حمل چغندر تولیدی کشاورز به کارخانه -که یک‌سال کار کرده و کلی هزینه انجام داده- وجود ندارد. این مساله اکنون تبدیل به یک معضل و بحران جدی در منطقه شده است. با افزایش دمای هوا، چغندرها دچار گندیدگی خواهند شد. به‌علاوه همان‌طور که اشاره کردم، به دلیل توسعه بیماری‌ها، امسال چغندرها آسیب‌پذیرتر شده‌اند. در واقع، برای پیشگیری از نابودی چغندرها، لازم است که زمان برداشت برای انجام حمل، کوتاه‌تر شود.»

در شرایطی که مسئولان استان و دولت به این بحران بی‌تفاوت هستند، انجمن صنفی کشاورزان برای حل این مشکل تلاش کرده و با کامیونداران وارد مذاکره شده است اما کامیونداران نیز با مشکلات مختلفی روبرو هستند: «در نشست‌هایی که با انجمن رانندگان کامیون‌ها، شرکت‌های حمل و نقل و ادارات راهداری داشته‌ایم آنها به مسائل و مشکلاتی اشاره می‌کنند. آنها می‌گویند که برای لاستیک و روغن ندارند چرا که برای مثال، در سال جاری توزیع کلان

● پس از سیل نیاز مزارع به تغذیه بیشتر، افزایش علف‌های هرز، شیوع بیماری‌های قارچی و... هزینه کشاورزان را بالا برده و فصل برداشت را کوتاه کرده است.

● کامیونداران می‌گویند لاستیک و روغن ندارند، سهمیه گازوئیل آنها بسیار کاهش یافته و آنها حاضرند پول گازوئیل به نرخ آزاد را بپردازند اما حتی آن نیز در دسترس نیست!

● رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت ایران مهمترین دلیل گرانی شکر را کمبود چغندر عنوان کرده بود.

رئیس انجمن صنفی کشاورزان شهرستان شوش دانیال از آماده برداشت بودن ۷۰۰ هزار تن چغندر در خوزستان خبر داده است. این محصولات به دلیل نبود کامیون برای برداشت در خطر گندیدن و خراب شدن قرار دارند.

عبدالرحیم رحیمی‌نیا رئیس انجمن صنفی کشاورزان شهرستان شوش دانیال گفته است که بهترین فصل برداشت محصول چغندر در خوزستان اردیبهشت است و با تاخیر در برداشت مواجهیم چرا که کامیون برای حمل چغندر به کارخانه وجود ندارد. با توجه به افزایش دمای هوا و احتمال گندیده شدن چغندر، این مسئله تبدیل به یک معضل و بحران جدی در منطقه شده است.



## دیپلماسی بسکتبال، بازگشت کیم و ترامپ به میز مذاکره؛ تلاش آمریکا برای مهار دو دیکتاتوری در دلسر ساز



کیم جونگ اون، دونالد ترامپ، سیدعلی خامنه‌ای

هنگامی که زمان قرار ملاقات و مذاکره رؤسای کره شمالی و آمریکا تعیین شد، رادمن گفته بود، زنده‌باد پرزیدنت ترامپ! چون هیچیک از رؤسای جمهوری آمریکا تا کنون نتوانسته‌اند با کره شمالی رابطه برقرار کنند. سال گذشته رادمن را در سفر به پیونگ یانگ، پروفیسور ترویلی گر پرفیسور ترویلی گفت: رادمن با رؤسای هر دو کشور دوستی نزدیک دارد. بیل ریچاردسون، فرماندار نیومکزیکو در سال ۲۰۰۰ گفته بود، کیم جونگ اون دوم، پدر رهبر کنونی کره شمالی از مایکل جردن سرشناس‌ترین بازیکن بسکتبال آمریکا در آن ایام برای سفر به پیونگ یانگ دعوت کرده بود و این دعوت نشان می‌دهد خانواده جونگ اون از دوستداران ورزش بسکتبال هستند و این دلیل خوبی است که رادمن دیپلماسی بسکتبال را جانشین دیپلماسی پینگ پنگ کند.

دیپلماسی پینگ پنگ در دوران ریاست جمهوری ریچارد نیکسون نقش پرمعنایی در از سرگیری روابط بین و واشنگتن داشت. در آن سال‌ها چین قهرمان بلامنازع تنیس روی میز جهان بود. در سال ۱۹۷۱ پس از به رسمیت شناختن چین کمونیست به عنوان یک کشور از سوی واشنگتن، تیم ملی تنیس روی میز آمریکا به چین سفر کرد. این نخستین رابطه ورزشی بین دو کشور بود.

به دنبال آن روابط گوناگون در همه زمینه‌ها بین دو کشور آغاز شد و از آن پس اینگونه رویدادها به دیپلماسی پینگ پنگ شهرت یافت و حالا دنیس رادمن به عنوان یکی از سرشناس‌ترین بسکتبالیست‌های جهان ممکن است بتواند همان نقش را بین واشنگتن و پیونگ یانگ ایفا کند و در بهبود روابط دو کشور موثر واقع شود.

البته گفتنی است که خبرهای پشت پرده حاکی از آن است که گفتگوهایی میان رادمن، کیم جونگ اون و ترامپ برای کاهش تنش موجود بین دو کشور جریان دارد.

جالب اینجاست که در مورد ایران نیز شنیده‌ها حاکی از آن است که دعوت ترامپ از مسئولان جمهوری اسلامی برای مذاکره، با استقبال رژیم تهران روبرو شده و فعلا بحث تنها در مورد چگونگی واکنش مثبت به پیشنهاد آمریکا بدون سر و صدا و تبلیغات رسانه‌ای است.

در شرایطی که عملاً قول و قرارهای ملاقات و مذاکره بین نمایندگان دو طرف تقریباً قطعی شده برای حفظ ظاهر، سردار سلامی فرمانده سپاه پاسداران که به شلیک توپ‌های توخالی شهرت دارد برای انحراف افکار عمومی از واقعیت‌های پشت پرده، گفته است آمریکا جرات حمله به ایران ندارد!

البته این هفته ایالات متحده موشک‌های پاتریوت و یکی از بزرگترین رزمناوهای موشک‌انداز آمریکا را با ناوگان همراهش به منطقه فرستاده است. ضمن آنکه خرید نفت ایران را ممنوع کرده و چون ارزش کافی برای وارد کردن مواد غذایی وجود ندارد، باید منتظر نوعی قحطی در ایران بود.

اینگونه مسائل مبتلابه ایران کاملاً مشابه گرفتاری‌های این روزهای کره شمالی است. با این تفاوت که می‌توان احتکار مواد و اجناس مورد نیاز مردم از سوی عوامل رژیم جمهوری اسلامی را مزید بر علت دانست.

می‌کرد بسکتبال بازی می‌کرد و از دوستداران این ورزش بود و مسابقات بسکتبال حرفه‌ای باشگاه‌های آمریکا را تماشا می‌کرده و با رادمن روابط خانوادگی نیز دارد.

رادمن از سال ۲۰۱۳ تا کنون بارها به پیونگ یانگ و نقاط دیگر کره شمالی سفر کرده و یک بار نیز گروهی از ستاره‌های بسکتبال هارلم را برای انجام بازی‌های نمایشی به آن کشور برده است. او در جریان اولین دور مذاکرات ترامپ و کیم در سنگاپور حضور داشت و با طرفین گفتگو می‌کرد و مشورت می‌داد.

رادمن در دوران طلایی ورزشی خود عضو تیم‌های «دیترویت پیستون»، «لس آنجلس لیکرز» «دالاس موریک» و شیکاگو بولز بوده و همراه تیم خود چند بار قهرمان بسکتبال سراسر آمریکا N.B.A (ان.بی.ای) شده است. به گفته حاضران در نشست سنگاپور، رادمن در نخستین دیدار ترامپ و کیم جونگ اون به دلیل آشنایی کافی با دو طرف حضور موثر داشت و از آنجا که این روزها روابط طرفین به شدت تیره شده، باز صحبت از ایفای نقش میانجی توسط رادمن به میان آمده است. او اخیراً به خبرنگاران گفت: اگر چه کیم دیکتاتور است ولی در واقع کسی است مانند بقیه مردم.

رادمن پیش از دومین نشست سران آمریکا و کره شمالی درهانوی گفته

مینو یگانه - روابط واشنگتن و پیونگ یانگ همچنان بلاتکلیف است. گرسنگی مردم و جیره‌بندی غذایی کره شمالی به دلیل تحریم‌های آمریکا از یکسو، سماجت ترامپ و مردان خشن او مایک پمپئو و جان بولتون از سوی دیگر عرصه را بر کیم جونگ اون چنان تنگ کرده که راه دیگری جز پرتاب موشک به آب‌های ژاپن به عقل رهبر ۳۵ ساله نرسیده است.

در واقع آمریکا در حال حاضر در دو نقطه از جهان با دو دیکتاتوری بی‌رحم و سرکوبگر درگیر و مصمم به سرنگونی آنهاست و می‌توان گفت تا حدی نیز به این هدف نزدیک شده چون گرسنگی و ناتوانی در تهیه مایحتاج روزمره زندگی به ویژه مواد غذایی چنان عرصه را بر مردم تنگ کرده که جرعه کوچکی می‌تواند به شورش داخلی تبدیل شود. در کره شمالی که همه چیز دولتی است، غذای مردم جیره‌بندی شده، در ایران نیز به دلیل گرانی وحشتناک بجز گروه قلیلی وابسته به رژیم، اکثر مردم توان تهیه گوشت، مرغ، روغن و حتی مواد لبنی را ندارند و این را اهالی شهرها در مصاحبه‌های رادیویی و تلویزیونی و تلفنی به دوستان و بستگان خود در خارج می‌گویند.

در رابطه با شرایط سیاسی ایران نیز صحبت‌های پشت پرده ادامه دارد و جان کری وزیر خارجه دولت اوباما، با آنکه از دور خارج است، اما پیغام‌های

سریچی از قوانین بین‌المللی و مخفی کردن فعالیت‌های اتمی غنی‌سازی اورانیوم برای اهداف نظامی به مدت چندین سال و ارتباط مستقیم با شبکه‌های جهانی و منطقه‌ای تروریسم و دست داشتن در عملیات تروریستی از قاره آفریقا تا آمریکا لاتین، از جمله بمباران یک کنیسه یهودی در بوئنوس آیرس در آرژانتین و برنامه‌ریزی برای ترور و خشونت علیه مخالفان رژیم در اروپا و آمریکا و طرح ترور عادل الجبیر سفیر سعودی در واشنگتن بعلاوه جنگ‌های نیابتی ویرانگر در سوریه، لبنان، عراق و یمن، نمونه‌هایی بارزی از عملکرد تروریستی رژیم جمهوری اسلامی ایران است.

همه این شرارت‌ها شرایطی خطرناکی برای ثبات و امنیت منطقه‌ای و جهانی به وجود آورده. در تمام این اقدامات رژیم ایران نه تنها منطقه را تا لبه پرتگاه هل داده بلکه زمینه و خطر رویارویی نظامی را نیز فراهم کرده بود اما تهران در عین حال هرگز با ایالات متحده آمریکا وارد مقابله مستقیم نشده است. آمریکایی‌ها نیز در تمام ۴۰ سال گذشته تلاش کردند از جنگ مستقیم با ایران اجتناب ورزند.

رژیم جمهوری اسلامی در تمام مدت ۴۰ سال گذشته برای انجام اقدامات تروریستی و خرابکارانه خود در منطقه و جهان به مزدوران خود اکتفا کرد؛ مزدورانی چون حزب‌الله لبنان، امثال حشدالشعبی و دیگر گروه‌ها در عراق و حوثی‌های یمن. سیاست ایران در این زمینه واضح و روشن است و آن اینکه خواهان برخورد نظامی مستقیم با آمریکا نبوده! چون مقامات تهران هزینه چنین برخوردی را خوب می‌فهمند. آمریکا در منطقه منافع مهم و استراتژیک دارد و اگر لازم باشد همانطور که در سال ۱۹۹۱ صدام حسین را مجبور به خروج از کویت کرد و در سال ۲۰۰۳ او را سرنگون نمود، وارد جنگ با جمهوری اسلامی ایران نیز خواهد شد و با تمام قدرت از منافع خود در منطقه خلیج فارس دفاع خواهد کرد. این بار احتمال وقوع یک جنگ بسیار بالاست و وضعیت کاملاً متفاوت است. البته حدس و گمان‌ها در این زمینه ادامه دارد.

منبع: روزنامه شرق الاوسط  
نویسنده: عبدالرحمن الراشد  
ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

## شرق الاوسط:

## آیا ما در آستانه جنگ با ایران هستیم؟



عملیات هوایی «سنتکام» بر عرشه ناو هواپیمابر «استنیس» در منطقه تحت مسئولیت فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا

شده. در سال ۱۹۹۶ مزدوران جمهوری اسلامی ایران به مقر مرکزی تفنگداران دریایی آمریکا در شهر «خبر» سعودی هجوم بردند. بعدها تمام مدارک و شواهد ثابت کرد که رژیم ایران پشت آن حمله بود؛ خوشبختانه تمام مجرمان و عوامل آن حمله که در ارتباط مستقیم با تهران بودند بطور پیوسته دستگیر و مجازات شدند. علاوه بر این پرونده‌های تروریستی که خود جمهوری اسلامی در آنها شرکت داشت، پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رهبران «القاعده» عراق که به اسم «المقاومه العراقیه» (مقاومت عراق) معروف بود همان موقع آغاز گشت و از داخل ایران هدایت و فرماندهی می‌شد.

سریچی از قوانین بین‌المللی و مخفی کردن فعالیت‌های اتمی غنی‌سازی اورانیوم برای اهداف نظامی به مدت چندین سال و ارتباط مستقیم با شبکه‌های جهانی و منطقه‌ای تروریسم و دست داشتن در عملیات تروریستی از قاره آفریقا تا آمریکا لاتین، از جمله بمباران یک کنیسه یهودی در بوئنوس آیرس در آرژانتین و برنامه‌ریزی برای ترور و خشونت علیه مخالفان رژیم در اروپا و آمریکا و طرح ترور عادل الجبیر سفیر سعودی در واشنگتن بعلاوه جنگ‌های نیابتی ویرانگر در سوریه، لبنان، عراق و یمن، نمونه‌هایی بارزی از عملکرد تروریستی رژیم جمهوری اسلامی ایران است.

همه این شرارت‌ها شرایطی خطرناکی برای ثبات و امنیت منطقه‌ای و جهانی به وجود آورده. در تمام این اقدامات رژیم ایران نه تنها منطقه را تا لبه پرتگاه هل داده بلکه زمینه و خطر رویارویی نظامی را نیز فراهم کرده بود اما تهران در عین حال هرگز با ایالات متحده آمریکا وارد مقابله مستقیم نشده است. آمریکایی‌ها نیز در تمام ۴۰ سال گذشته تلاش کردند از جنگ مستقیم با ایران اجتناب ورزند.

رژیم جمهوری اسلامی در تمام مدت ۴۰ سال گذشته برای انجام اقدامات تروریستی و خرابکارانه خود در منطقه و جهان به مزدوران خود اکتفا کرد؛ مزدورانی چون حزب‌الله لبنان، امثال حشدالشعبی و دیگر گروه‌ها در عراق و حوثی‌های یمن. سیاست ایران در این زمینه واضح و روشن است و آن اینکه خواهان برخورد نظامی مستقیم با آمریکا نبوده! چون مقامات تهران هزینه چنین برخوردی را خوب می‌فهمند. آمریکا در منطقه منافع مهم و استراتژیک دارد و اگر لازم باشد همانطور که در سال ۱۹۹۱ صدام حسین را مجبور به خروج از کویت کرد و در سال ۲۰۰۳ او را سرنگون نمود، وارد جنگ با جمهوری اسلامی ایران نیز خواهد شد و با تمام قدرت از منافع خود در منطقه خلیج فارس دفاع خواهد کرد. این بار احتمال وقوع یک جنگ بسیار بالاست و وضعیت کاملاً متفاوت است. البته حدس و گمان‌ها در این زمینه ادامه دارد.

منبع: روزنامه شرق الاوسط  
نویسنده: عبدالرحمن الراشد  
ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

امیدهای احتمالی جمهوری اسلامی باید حداقل تا یک سال و نیم دیگر منتظر بماند که در این مدت نسبتاً طولانی رژیم با خطر فروپاشی از داخل روبرو خواهد شد. اما گزینه دوم، مذاکره و تسلیم و عقب‌نشینی کامل از همه اصول و ارزش‌هایی که رژیم جمهوری اسلامی ساختار و هویت خود را بر اساس آنها بنا نهاده است. عقب‌نشینی این‌بار به مفهوم شکست «ارزش‌ها»، «غرور» و «برنامه هسته‌ای- نظامی» توسعه‌طلبانه رژیم است.

سومین گزینه، به راه انداختن یک جنگ و درگیری نظامی با این باور که شاید آمریکا شکست بخورد و از مواضع خود عقب‌نشینی کند! مراسم الحاق دو زیردریایی کلاس «غدیر» به ناوگان نیروی دریایی ارتش، بندرعباس هشتم مرداد ۱۳۹۸ رژیم ایران فن و حرفه به جان خریدن ریسک و خطر را همیشه تجربه کرده اما تا کنون عواقب آن را نچشیده و آزمایش نکرده است. تجربه‌های درگیری‌های نیابتی رژیم ایران بی‌شمارند.

یکی از برجسته‌ترین این تجارب و اقدام خطرناک و بی‌مجازات جمهوری اسلامی، هجوم عوامل مزدور آن به مقر نیروهای دریایی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۳ و آدم‌ربایی و قتل تعدادی از چهره‌های غربی



مراسم الحاق دو زیردریایی کلاس «غدیر» به ناوگان نیروی دریایی ارتش، بندرعباس هشتم مرداد ۱۳۹۸

عربی در بیروت بود که توسط حزب‌الله لبنان انجام شد. حزب‌الله لبنان متولد دهه هشتاد میلادی است و از شکم جمهوری اسلامی ایران زاییده شد. علاوه بر این حادثه، پیامدهای جنگ ویرانگر هشت ساله ایران و عراق و حملاتی که در آن زمان به کشتی‌های نفتی از جمله کشتی نفتکش کویت انجام گرفت را نیز می‌توان نمونه‌ای از ریسک‌های رژیم ملاحظه دانست که بدون مجازات و تلافی ماندند.

حکومت ایران همچنین در سال ۱۹۸۴ با ۴ جنگنده فانتوم به تاسیسات نفتی سعودی حمله کرد که ۲ جنگنده آن توسط پدافند سرنگون شدند و ۲ جنگنده با هجوم متقابل جنگنده‌های سعودی مجبور به فرار شدند. در سال ۱۹۸۸ نیز تهدیدهای ایران و ایجاد شرایط نامساعد برای نیروهای مستقر ایالات متحده در منطقه خلیج فارس باعث شد که یک هواپیمای مسافربری ایرانی در آب‌های بین‌المللی با دو فروند موشک ناو جنگی «وینسنس» آمریکا مورد هدف قرار گرفت که در نتیجه آن ۲۹۰ مسافر و خدمه ایرانی آن کشته

● در حالی که دولت آمریکا جمهوری اسلامی را به سوی پرتگاه هل می‌دهد، رژیم ایران که فن و حرفه به جان خریدن ریسک و خطر را همیشه تجربه کرده اما تا کنون عواقب آن را نچشیده و آزمایش نکرده، سه راه بیشتر در پیش ندارد: صبر و سرمایه‌گذاری بر روی گذشت زمان تا شاید دولت ترامپ عوض شود؛ عقب‌نشینی و تسلیم کامل؛ راه انداختن جنگ و درگیری نظامی.

● جمهوری اسلامی برای اقدامات تروریستی و درگیری‌های خرابکارانه در منطقه و جهان همواره از مزدوران خود استفاده کرده و خواهان برخورد نظامی مستقیم با آمریکا نبوده! مقامات تهران هزینه چنین برخوردی را خوب می‌فهمند!

(شرق الاوسط) - طی ۴۰ سال گذشته منطقه ما چندین بار در شرایطی قرار گرفت که احتمال شروع جنگ با رژیم تهران بسیار بالا بود اما هرگز جنگی اتفاق نیفتاد. آیا این‌بار تهدیدات جنگ واقعیست یا توخالی؟

قبل از اینکه وضعیت متشنج فعلی منطقه را بررسی کنیم، ابتدا باید رفتار گذشته تهران را ارزیابی کنیم چرا که ایران پس از جنگ با عراق با وجود همه جنگ‌های نیابتی‌اش در منطقه اما بطور مستقیم وارد هیچ جنگی نشد.

چهل سال است که رژیم ایران با شرارت و ددمنشی اوضاع منطقه را به لبه پرتگاه سوق می‌دهد و سپس در آخرین لحظه از سقوط در پرتگاه باز می‌دارد؛ اکنون اما ابتکار عمل دیگر

در دست رژیم ایران نیست و وضعیت به کلی فرق کرده است. امروز برعکس گذشته ایالات متحده آمریکا است که رژیم ایران را به طرف پرتگاه هل می‌دهد. وضعیت رژیم ایران به مرحله‌ای بسیار خطرناک رسیده بطوری که چنین وضعیتی در طول عمر ۴۰ ساله این حکومت «دینی- انقلابی» بی‌سابقه است.

در ایران تظاهرات همچنان ادامه دارد، هرچند که تظاهرکنندگان ایرانی در خیابان‌ها اوضاع بد معیشتی را بهانه برای اعتراضات خود قرار داده‌اند اما در موافقی این اعتراضات از مشکلات سیاسی بنیادی و اساسی نشأت گرفته است و دایره آن در سراسر ایران هر روز گسترده‌تر می‌شود.

با منع فروش نفت و دیگر فراورده‌های صادراتی ایران، گزینه‌های رژیم تهران بسیار محدود و شرایط بقایش دشوارتر شده است. در شرایط کنونی حکومت ایران سه گزینه در پیش رو دارد:

اول، اصرار بر لجابت به امید تغییر موضع واشنگتن یا تغییر دولت ترامپ در انتخابات آینده ریاست جمهوری آمریکا؛ البته برای تحقق عملی این



## زنان شاخص

### آدرین علومى



آدرین وندر ولیت علومى، يك نويسنده ايرانى-آمريكايى است كه به خاطر نگارش داستان بلند «برا صدايم كنيد» (Call Me Zebra) برنده جايزه پين فاكتر سال ۲۰۱۹ شده است. جايزه پين فاكتر براى داستان، يك جايزه ۱۵ هزار دلارى است كه همساله بنياد فاكتر به بهترين داستان نويس تبعه آمريكا اعطا مى كند. اين، دومين اثر آدرين علومى است و روايتى طنز از ماجراهاى يك زن جوان ايرانى به نام «برا» است كه به عنوان آخرين وارث يك ميراث ادبى مسئوليتى سنگين بر عهده دارد. او تا جايى كه مى تواند كتاب مى خواند و خاطرات سفرى را كه با پدرش داشت مرور مى كند؛ گريز از جنگ ايران و عراق و گذر از كردستان و كاتالونيا به آمريكا. هيأت داوران جوايز «پين فاكتر» براى انتخاب برنده، بيش از ۴۰۰۰ نام و مجموعه داستان کوتاه نوشته شده توسط نويسنده هاى آمريكايى را كه در سال ۲۰۱۸ چاپ شده بررسى كردند. آنها رمان «هن را زبرا صدا كن» را روايتى شوخ، ماجراجويانه و

### فلسفه شادى در كشورهاي مختلف دنيا

هر كسى درك مخصوص بخود را از شادى و شادمانى دارد. در بعضى از كشورها، حتى به اصطلاح وزارتخانه شادمانى وجود دارد. شغل آنها اين است كه مطمئن شوند كه مردم از زندگى خود لذت ببرند. ولى همه مردم نمى دانند كه مفاهيم ملي براى شاد بودن وجود دارد كه شامل دستورالعمل هاى روشنى براى اينكه چگونه از دست استرس خلاص شويم و از زندگى خود لذت ببريم را ارائه مى كند. در اينجا سعى داريم تا به مفاهيم جالب شادى از سراسر جهان بپردازيم و ببينيم مردم كشورهاي مختلف دنيا شادى را چه چيزى مى پندارند.

**فنلاند:** هر كشورى يك فلسفه مخصوص به خود از خوشبختى دارد و مردم فنلاند نيز اين مفهوم را براى خود با واژه Kalsarikänni تعريف كرده اند. اگر سعى كنيم تا كلمه دشوار شادى را به زبان فنلاندى ترجمه كنيم، چيزى شبیه به اين را پيدا خواهيم كرد: نوشيدن الکل در خانه، وقتى لباس زير پوشيده اند و اصلا قصد خروج از خانه را حتى براى يك دقيقه ندارند. برخلاف مفهوم شادى در ديگر كشورهاي اسكانديناوى، شادى در فنلاند اصلا به معنا داشتن يك خانه زيبا و آرام و با يك شومينه نيست، چون اين چيزى بسيار شبیه به زندگى واقعى مردم فنلاند است. دستورالعمل شادى Kalsarikänni: هنگامى كه نشانگانه به خانه برگشتى، لباس راحتى خود را بپوشيد. بهترين گزينه پوشيدن گرم ترين جوراب هاى خانگى است. يك بطرى شراب را باز كنيد، البته مى توانيد انتخاب هاى ديگرى هم داشته باشيد ولى خيلى زياده روى نكنيد. چون امروز مى خواهيد خوشحال باشيد، نبايد فردا احساس بدى داشته باشيد.

چيبس، پفك و شكلات تنقلات سالمى نيستند ولى براى يك شيب مشكلى ندارد. امروز مى توانيد آذنين ناسالم بخوريد، موسيقى گوش كنيد و ويدئوهاى حيوانات كوچك خانگى و دوستداشتنى را تماشا كنيد. شما نياز به يك نيروى آرامش دهنده از جنس موسيقى داريد تا شما آرام نگه دارد و تمام مشكلات برطرف شوند.

**ژاپن:** Shinrin-yoku به زبان ژاپنى را مى توان «حمام جنگل» ترجمه كرد. رمز اين درمان، لذت بردن از طبيعت است و اينكه سعى كنيد با آن به آرامش و صلح برسيد. اين يك روش منحصر به فرد براى مبارزه با افسردگى و استرس بدون دارو و كمك پزشكان است. جنگل در ژاپن و کره جنوبى بسيار محبوب است. دانشمندان ثابت کرده اند كه حضور در جنگل سطح پرخشگرى، هورمون هاى استرس در خون را کاهش مى دهد و باعث افزايش بهره ورى و تقويت سيستم ايمنى و لذت بردن هر روزه از زندگى است.



### فوايد سلامتى غذا خوردن خانواده در کنار هم

نتايج يك مطالعه تازه نشان مى دهد كه جمع شدن اعضاى خانواده در کنار هم براى صرف وعده هاى غذايى نبايد به زمان هاى خاصى مثل مهمانى ها و جشن ها محدود شود و خانواده ها بايد براى سلامت و آرامش فرزندانشان به طور مرتب در کنار همديگر غذا بخورند. متخصصان كانادايى اظهار داشتند: كودكانى كه در کنار اعضاى خانواده شان غذا مى خورند در سن شش سالگى از مهارت اجتماعى و در سن ۱۰ سالگى سلامت عمومى بهترى برخوردارند. اين اولين مطالعه اى نيست كه نشان مى دهد غذا خوردن اعضاى خانواده در کنار هم براى سلامتى مفيد است. در سال ۲۰۱۱ مطالعه اى انجام گرفت كه در آن مشخص شد كودكانى كه حداقل سه بار در هفته با اعضاى خانواده خود غذا مى خورند كمتر دچار اضافه وزن مى شوند. در اين بررسى اطلاعات ۱۴۹۲ كودك مورد مطالعه قرار گرفت. تمامى اين كودكان در فاصله سال هاى ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۸ به دنيا آمده اند. زمانيكه اين كودكان به سن شش سالگى رسيدند والدين آنان گزارشى از دفعات غذا خوردن اعضاى خانواده در کنار هم ارائه كردند. همچنين سلامت عمومى و آرامش روانى هر يك از اين كودكان در سن ۱۰ سالگى مورد ارزيابى قرار گرفت. به گزارش ميديكال نيوز تودى، متخصصان كانادايى دريافتند كودكانى كه به طور مرتب در کنار اعضاى خانواده خود غذا مى خورند در مقايسه با كودكانى كه به ندرت با خانواده خود غذا مى خورند از سلامت عمومى و مهارت هاى اجتماعى بهترى برخوردارند و مصرف

دستورالعمل نوشيدنى هاى ناسالم نيز در آنان كمتر زنان براى بازگشت شادى Lykke: به است. خانه برويد، همسايه هاى خود را براى صرف غذايى خوشمزه دعوت كنيد و براى داشتن رابطه اى گرم با آنها تلاش كنيد. شما همچنين مى توانيد به يك غريبه ليخنه بنزيد. سعى كنيد شغل فعلى خود را تغيير دهيد اگر آن را دوست نداريد. از خريدارى وسايل و چيزهائى كه صرفا ديگران آن را دارند و شما نداريد، بپرهيزيد. زندگى خود را به هيچ وجه نابود نكنيد و خود را با قوانين اعمال شده، محدود نكنيد. **کره جنوبی:** اگر چه براى بعضى از كشورها، خوشبختى توانايى زندگى كردن در لحظه است و رسيدن به



سكوت و آرامش، ولى براى مردم کره جنوبى، همه چيز برعكس است. مردم در اين كشور هميشه در تعجيل هستند. Pali-pali به زبان كره اى را مى توان سريع تر، سريع تر ترجمه كرد. كره اى ها دوست ندارند منتظر بمانند. به همين دليل است كه هر چيز سريعى بين آنها محبوب است. كلاس هاى زبان در کره جنوبى به شما قول مى دهند كه يك زبان جديد را فقط در عرض چند هفته به شما ياد بدهند. همينطور تحويل پيترزا و سفارشات آنلاين هم شامل اين سرعت مى شود. دستورالعمل شادى Pali-pali: قانون اصلى اين است كه فرصت ها را از دست ندهيد و از آنها سريع استفاده كنيد. به منظور داشتن يك زندگى شاد اين قوانين را دنبال كنيد: برنامه داشته باشيد، غذاى خوب بخوريد، اما زمان زيادى را صرف آشپزى نكنيد و بيشتر آواز بخوانيد. (مثل زير دوش، در راه رسيدن به محل كار يا در كارائوكه). يادگيرى را متوقف نكنيد و اطمينان حاصل كنيد كه خوب آموخته ايد.



### زن روز



باغبانى، قطره اى بر برگ گل ديد و گفت اين چهره جاى اشك نيست گفت، من خنديدام تا زاده ام دوش، بر خنديدنم بلبل گريست من، همى خندم برسم روزگار ك اين چه ناهموارى و ناراستيست خنده ما را، حكايبت روشن است گريه بلبل، ندانستم ز چيست لحظه اى خوش بوده ايم و رفته ايم آنكه عمر جاودانى داشت، كيست من اگر يك روزه، تو صد ساله اى رفتنى هستيم، گر يك يا دويست...

### روش زنان براى برگرداندن يك مرد به رابطه؛ معمولاً ناکام ...

تاکتیکى و ناپابدار و ناصادقانه براى زن جهت ماندن مرد در رابطه است. **برانگیختن حسادت** زن ها ممکن است کارهاى مختلفی انجام دهند تا حسادت مردشان را برانگيزند ولى اين همزمان منطق ساده اى براى برهم خوردن يك رابطه نيز هست. انجام کارهاى مثل بيرون رفتن با دوستان او، پوشيدن لباس هاى آنچنانى، گرفتن پيام هاى کوتاه غيرمعمول و يا استفاده از رسانه هاى اجتماعى صرفا براى ايجاد حسادت در مرد عاقبت خوشى ندارد. البته اين رفتارها شايد براى پسرهاي جوان جواب بدهد ولى براى مردان در سن هاى بالاتر جاى صبورى نمى گذارد. زنان با برانگيزتن حسادت اغلب در تلاش براى بهبود رابطه هستند ولى هميشه اين تاکتیک پاسخ مساعد نمى دهد.

مى کند تا توجه مرد را جلب کرده باشد. هرگونه توجه از نظر آنها توجه است، چه خوب و چه بد. تا زمانى كه او توجه مرد را به نياز، ناله و شكايبت خود جلب مى كند، اين اطمينان را دارد كه مى تواند چاره اى پيدا كند و با اين كار فرصت مى خرد. ولى اتفاقاً چنين رفتارى سريع تر يك مرد را فرارى مى دهد. در برخى موارد هم مرد براى اينكه پسر خوبى به نظر برسد، كمى بيشتر مى ماند ولى اين ماندن پايان رابطه را وحشتناك تر مى كند. **عوض کردن شخصیت و رفتار** به عنوان يك چاره، زنان بطور كامل تغيير رفتار مى دهند تا كمى طولانى تر رابطه را نگه دارند. اگر مرد علاقمند به ورزش است، زن طرفدار تيم هاى ورزشى مى شود كه تا قبل از آن حتى يكبار هم به تماشاى آنها نرفته است.

### آرایش بیشتر

در شرايطى كه رابطه در لبه اى پرتگاه سقوط است، يك زن بيش از هميشه ممکن است به ظاهر خود توجه نشان دهد. شايد اين موجب تعجب مردان شود ولى راز سر به مېرى نيست كه مردان موجودات بصرى هستند. زنان با اين شيوه سعى در درست كردن رابطه دارند و فكر مى كنند اگر ظاهر خود را آرايش كنند، نظر مرد نسبت به خاتمه دادن به رابطه تغيير مى كند. بله، مردان هم از نظر احساسى به زنان وابسته هستند و اين روش زنان براى دوام رابطه مثل اضافه كردن شکر و تخم مرغ به آرد كيك است و رابطه را مرمت مى كند. با اين حال، به همين سادگى ها با کوتاه كردن مو و خريد يك لباس جديد نمى توان رابطه را در مسير بازگشت قرار داد. علاج واقعه قبل از وقوع بايد كرد! اگر هم رابطه اى واقعا آينده نداشته باشد، هيچ تلاشى نه از سوى زن و نه از سوى مرد، نتيجهاى نخواهد داد. چنين روابطى بهتر است پايان گيرند تا طرفين بتوانند با تكيه بر اين تجربه وارد رابطه هاى جديد شوند.



مى افتد و هرچقدر هم روى از دست ندادن بيشتر تاكيد كنيد، بيشتر ناکام مى مانيد و همه چيز بد و بدتر مى شود. اما تمام كردن يك رابطه به همين سادگى ها هم نيست. بعضى زنان با تمام كردن يك رابطه مشكل دارند، حتى اگر رابطه اى پر از استرس و تنش باشد. اين زن ها معتقد به ادامه دادن يك رابطه به هر قيمتى هستند، چون نمى خواهند داستان پيدا كردن دوست پسر تازه اى را شروع كنند و با خود را در آستانه ازدواج تلقى مى كنند. آنها از تنهائى مى ترسند و حتى در يك رابطه اى بد و چه بسا بيمار هم احساس امنيت بيشترى مى كنند. اما متاسفانه اين دليل كافى براى حفظ رابطه اى كه شكست خورده نيست. ببينيم اين زنان براى ادامه يك رابطه به چه كارهايى دست مى زنند.

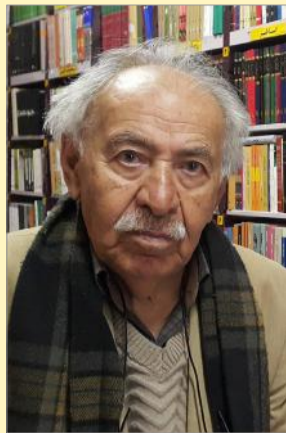
### طغیان دراماتیک

هنگامى كه يك زن براى حفظ يك رابطه تلاش مى كند، به بار دراماتيك رابطه مى افزايد. به اين معنى كه بر سر چيزهاى واقعا بى اهميت طغيان





## مردان شاخص



### عبدالعلی دست‌غیب (۱۳۱۰ - شیراز)

عبدالعلی دست‌غیب منتقد ادبی، نویسنده و مترجم ایرانی است. وی بیش از ۵۰ عنوان کتاب ترجمه یا تألیفی دارد. عبدالعلی دست‌غیب تحصیلات ابتدایی و دوره اول متوسطه را در فیروزآباد و جهرم انجام داد. سپس وارد دانشسرای مقدماتی شیراز شد و پس از فراغت از تحصیل، به تدریس در دبستان‌های کازرون و نورآباد ممسنی پرداخت. دست‌غیب در سال ۱۳۳۷ برای ادامه تحصیل به تهران رفت و وارد دانشسرای عالی شد. از گذراندن دوره سه ساله دانشسرای عالی در رشته فلسفه و علوم تربیتی، فوق لیسانس همین رشته را ادامه داد، اما به دلیل موانعی در سر راه رفت. از آن پس تا سال ۱۳۵۹ به تدریس ادبیات، نقد ادبی و جامعه‌شناسی هنر در دبیرستان‌ها، مدارس عالی و دانشسراهای مقدماتی در شیراز و تهران پرداخت. عبدالعلی دست‌غیب از سال ۱۳۲۶ در روزنامه‌های شیراز همچون پارس و بهار ایران، و سپس در مجله‌ها و روزنامه‌های تهران همچون اطلاعات، کیهان، سخن، فردوسی، به دریافت لوح تقدیر و جایزه گردید.

نگین، روشنفکر، امید ایران، پیام نوین، راهنمای کتاب، آینده، آدینه، کلک، کیهان فرهنگی، نیستان و ادبیات داستانی، مقاله‌ها و مطالب متعددی در زمینه‌های تاریخ، فلسفه، جامعه‌شناسی و هنر نوشته‌است. از دست‌غیب نزدیک به چهل کتاب منتشر شده‌است. دست‌غیب در سال ۱۳۷۴ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان منتقد نمونه برگزیده شد و همچنین، در سال ۱۳۸۲ به عنوان چهره ماندگار در رشته نقد ادبی شناخته شد و موفق به دریافت لوح تقدیر و جایزه گردید.



### حس تنهایی و آسیب به گلبول‌های سفید خون

تنها ماندن برای افراد مختلف بسیار خطرناک است و منجر به مرگ زودرس و بیمار شدن آن‌ها می‌شود به تازگی محققین متوجه شده‌اند احساس تنهایی به گلبول‌های سفید خون افراد آسیب می‌زند. تنهایی اثر بدی روی آن بخش از سیستم ایمنی بدن می‌گذارد که مسوول مبارزه با عفونت‌ها و سرطان است. برای همین است که افرادی که از جامعه دور افتاده‌اند، ۱۴ درصد بیش از آنهایی که تنها نیستند، در معرض مرگ زودهنگام قرار دارند. به نقل از سایت «پندپندنت»، دانشمندان دریافته‌اند که گلبول‌های سفید آدم‌هایی که احساس تنهایی می‌کنند، بیش از این که سراغ مبارزه با عفونت بروند، باعث ایجاد التهاب می‌شود. این التهاب در شرایط عادی نوعی واکنش بدن به بیماری است. البته سال‌ها است که محققان می‌دانند، افرادی که تنها هستند بیش از بقیه در خطر بیماری و مرگ زودرس (قبل از ۶۵ سال) قرار دارند اما دلیل آن را نمی‌دانستند. تیمی از دانشمندان به سرپرستی استیون کول از دانشگاه لس آنجلس کالیفرنیا و جان کاپیتانو از مرکز ملی تحقیق پستانداران در کالیفرنیا، دست به مطالعه گلبول‌های سفید آدم‌ها و هم چنین میمون‌های ماکائو زدند. پستاندارانی که به شدت اجتماعی است در مورد میمون‌ها نیز معلوم شد دور نگه داشتن آن‌ها از بقیه باعث تغییر در ژن گلبول‌های سفید می‌شود به گونه‌ای که ژن‌های دخیل در ایجاد التهاب فعال‌تر می‌شوند و ژن‌های دخیل در مبارزه با عفونت با کاهش فعالیت روبرو می‌شوند. ژن‌های نوع اول خورده است، علاوه بر این که روی سلامت بدن اثر می‌گذارند، حتی بهترین زیرا مردم به طور باعث می‌شوند فرد منزوی‌تر نیز دوستان هم معمول این هشدارها را می‌گیرند یا کار خود را انجام می‌دهند. هنگامیکه کاربران در حال کار با یک کامپیوتر هستند، معمولاً با پوشه‌ها یا هشدارهای متعدد روبرو می‌شوند و اغلب بدون فکر در مورد آنها، بر روی "بله" یا "خیر" کلیک می‌کنند. در عوض، استفاده از دستگاه‌های خارجی که به کامپیوتر نصب می‌شود، می‌تواند این هشدارها را مدیریت کند، تا آنها در جای خود باقی بمانند یا احتمالاً روی هم انباشته شوند. با استفاده سافت لایت‌ها، فرصتی برای تغییر رفتار افراد در شیوه‌هایی که



### مرد روز



شفیعی کدکنی

خلوت نشین خاطر دیوانه ی منی  
افسونگری و گرمی افسانه ی منی  
بودیم با تو همسفر عشق سالها  
ای آشنا نگاه که بیگانه منی  
هر چند شمع بزم کسانی ولی هنوز  
آتش فروز خرمین پروانه منی  
چون موج سر به صخره ی غم کوفتم ز درد  
دور از تو ای که گوهر یک دانه منی  
خالی مباد ساغر نازت که جاودان  
شورافکنی و ساقی میخانه منی  
آنجا که سرگذشت غم شاعران بود  
نازم تورا که گرمی افسانه منی

### چطور از حملات سایبری در امان بمانیم

برآوردهای صورت گرفته نشان می‌دهد طی پنج سال اخیر تعداد حملات سایبری ۶۷ درصد افزایش یافته است و اکثریت این حملات از ناحیه نقص داده‌ها و ناشی از خطاهای انسانی بوده. خطرات احتمالی چنین حملات سایبری زیاد است و می‌تواند تأثیر جدی بر روی عملکرد سازمان‌ها و افراد عادی داشته باشد. اما محافظت از خودمان در برابر تهدیدات امنیتی سایبری می‌تواند بسیار پیچیده باشد. نه فقط به این دلیل که تکنولوژی که ما روزانه از آن استفاده می‌کنیم، پیچیده‌تر می‌شود، بلکه چون مهاجمان دائماً در حال یافتن راه‌های جدید برای دور زدن اقدامات امنیتی هستند. با این حال هنوز هم با اقدامات ایمنی و استفاده از دستگاه‌های جدید، این خرابکاری‌ها همیشه

### حسود هرگز نیاسود!

این یک واقعیت است که برخی انسان‌ها لحظه به لحظه حسود و حسودتر می‌شوند. همچون دیگر احساسات منفی انسانی ممکن است دوستان و نزدیکان شما را آزار دهد و باعث کدورت، دلخوری و خشم در یک رابطه شود. هنگامی که حسادت را مدیریت کنید، قطعاً می‌توانید آن را در جهت یک رابطه‌ی شاد و سالم و حمایت از دوست خود صرف کنید. یکی از دلایل پیدا کردن دوست با به چالش کشیدن ما با سختی‌ها و فراز و فرودهایش است. ما انسان‌ها نیاز به چالش داریم تا در برون‌رفت از آنها خود و جهان پیرامون‌مان را بیشتر و بهتر بشناسیم.

وزن خود را کم کنید. اگر به هر سانتی‌متری که از اندازه دور کمر دوست شما کم می‌شود، حسادت کنید، هرگز کمکی به لاغر شدن شما نمی‌کند. اما اگر مطمئن باشید که شما هم در نهایت می‌توانید وزن کم کنید، آنوقت از کاهش وزن او هم شاد خواهید شد. شباهت در اهدافی چون کار، پول و یا رابطه عاطفی امری گریزناپذیر است. اما اگر به موفقیت خود در دست یافتن به این اهداف یا اهداف مشابه دیگر شک داریم، نشانگر نیاز ما به اعتماد به نفس بیشتر است. کمبود اعتماد به نفس انسان را از اهداف زندگی‌اش دور نگه می‌دارد و باعث می‌شود تا نسبت به دوستان نزدیک خود واکنشی منفی داشته باشید.

ما نیاز به برداشتن گام‌هایی فراتر از خودمان داریم تا لحظه به لحظه به شناخت تازه‌ای از خود تشویق شویم. این گام‌ها چشم‌انداز و خودآگاهی به ما می‌دهند که به نوبه‌ی خود رشد بیشتر را در پی خواهد داشت. حسادت کردن باعث اضطراب و احساس محبوس شدن در تنگنا را به وجود می‌آورد و در طولانی‌مدت آثار تخریبی بیشتری دارد. این حس به سادگی می‌تواند به دوستی‌های ما پایان بخشد، پس آن را در جهت رشد و اعتلای خود و دوستان‌تان هدایت کنید. این را هم باید یادآوری کرد که «حسادت» با «رشک» تفاوت دارد! رشک با تحسین دیگری همراه است و می‌تواند به رقابت سالم دامن زده و حتی سبب رشد افراد نیز بشود. اگر «حسادت» یک حس منفی است که ممکن است آرزوهای منفی نیز برای دیگری به همراه داشته باشد (مثلاً آگاهانه یا ناآگاهانه بخواهید که دوست‌تان شغل خود را از دست بدهد)، «رشک» اما با این حس همراه است که کاش ما هم این توانایی یا موفقیت را می‌داشتیم بدون اینکه آرزوی نداشتن آن را برای دیگری بکنیم!

### از پیشرفت دوست خود الهام بگیرید

دوستان موفق همیشه الهام‌بخش



خوبی برای داشتن یک زندگی بهتر هستند. حسادت به این دوستان یک هدف اصلی می‌تواند داشته باشد و آنهم باز کردن چشم‌هایتان به روی فرصت‌های زندگی است. بجای نگاه کردن به موفقیت دیگران سعی کنید به دنبال راه‌های جدید باشید و از موفقیت دوستان خود الهام بگیرید.

حسادت اگر آن را کنترل و مهار نکنید، قدرت خراب کردن یک دوستی خوب را دارد. اگر نمی‌توانید راهی برای نداشتن این حس پیدا کنید، حداقل می‌توانید حسادت خود را کاهش دهید. راه زندگی هر کس فقط مختص به اوست حتی اگر شما و دوست‌تان شانه به



شانه حرکت می‌کنید یا در محل کار با هم رقابت دارید، باید به یاد داشته باشید که هر کسی راه و مسیر خاص خودش را در زندگی دارد. آدم‌هایی با اهداف مشترک که دارای شرایط و موقعیت مشابهی هم هستند، باز هم روش زندگی متفاوتی دارند. هنگامی که شما متوجه این اصل هستید که زندگی منحصر به فردی دارید که شبیه هیچکس، از جمله دوست شما، نیست، خواهید دید که حسادت یک احساس بی‌فایده است که فقط انرژی شما را تحلیل می‌برد. به عبارت دیگر، نفوذ حسادت به قلب و ذهن انسان در واقع منجر به از دست دادن شادی می‌شود. بهبوده نیست که می‌گویند: حسود هرگز نیاسود!

### اعتماد به نفس داشته باشید

وقتی ما حسادت می‌کنیم یعنی به خودمان شک داریم. وقتی با دوست صمیمی‌تان مثلاً در رقابت کاهش وزن افتاده‌اید، حسادت کردن به او یعنی شک دارید که بتوانید



کمتر تهاجمی و یا آزاردهنده هستند، وجود دارد. Adafuit Circuit Playground یک قطعه الکترونیکی کوچک است که می‌تواند برنامه‌ریزی شود تا رنگ‌های مختلفی را در تنظیمات و الگوهای مختلف نشان دهد. ایده این است که آن را کنار کامپیوتر قرار می‌دهید و وقتی که کاربر میز خود را ترک می‌کند، چراغ‌ها به کاربر یادآوری می‌کنند که صفحه کامپیوتر را قفل نکرده است. این دستگاه می‌تواند به انواع حسگرهای حرکتی وصل شود تا حرکات کاربر را تشخیص دهد که به طور موثری نور به اطراف متصاعد کند یا بلرزد و به آرامی صدا دهد. پس از این امیدواریم تشویقی باشد برای کسانی که صفحه کامپیوتر خود را قفل نمی‌کنند یا رمزهای عبور خود را به روز رسانی نمی‌کنند و تنظیمات حریم خصوصی را رعایت نمی‌کنند. این نوع یادآوری‌ها می‌تواند بار کاری کمتری برای کاربران داشته باشد و به شکل موثری عمل کند.

احتمال بسیار بیشتری دارد که بدون فکر عمل کند. مردم هنگامیکه بیش از حد شلوغ و پریشان هستند، به ایمنی فکر نمی‌کنند. پس اجرای یک فرآیند اتوماتیک براساس عادات کاربران و عملکرد بدون فکر آنها، یک راه‌حل بسیار عالی برای جلوگیری از حملات سایبری است. اگر کاربران اینترنتی نتوانند از طریق عادات خود، موفق به این کار شوند، می‌توانند به شکل قابل ملاحظه‌ای در برابر حملات سایبری مقاوم‌تر باشند. تحقیقات در مورد عادات کاربران نشان داده برنامه‌ها و ابزارها می‌تواند به ارتقاء رفتارهای خاص کاربران کمک کند. گجت‌ها مانند ردیاب‌های حرکتی از رفتارهای مشابه برای کار و افزایش سطح فعالیت خود استفاده می‌کنند مانند لرزیدن وقتی که کاربر برای مدت طولانی ثابت مانده باشد. الزامات تشویق‌کننده برای انجام رفتارهای امنیتی سایبری که عمدتاً به شیوه‌ای مشابه انجام می‌شود، رایج است. اما این رویکردها اغلب شکست

عملی نمی‌شوند. اما بسیاری از مردم بی‌حوص هستند و به گزارش‌های منتشر شده از نقص‌های داده‌ها در اخبار و رسانه‌ها ندارند. مردم مباحثی از نصب نسخه‌های نرم افزاری، به روزرسانی تنظیمات حریم خصوصی و یا تغییر رمز عبور اجتناب می‌کنند و یا به سادگی اقدامات احتیاطی را ترس بی‌مورد تلقی می‌کنند. برای مقابله با چنین بی‌توجهی‌هایی در درون سازمان‌ها اغلب به کارکنان جلسات آموزشی تخصصی داده می‌شود، اما چنین آموزش‌هایی به سرعت می‌تواند ناکارآمد یا به سادگی فراموش شود. کارکنان نیز بیشتر تمایل دارند که مشغول کار خود باشند. هنگامی که آنان در تلاش برای انجام وظایف خود هستند، اغلب ممکن است به ایمن بودن کامپیوترشان توجه نشان ندهند، بویژه هنگامی که حفظ ایمنی باعث شود تا کارشان دشوار شود و حفظ ایمنی هم وقت‌گیر باشد.



## پرسپولیس برای سومین بار پیاپی قهرمان فوتبال کشور شد



شادی بازیکنان پرسپولیس پس از به ثمر رسیدن گل ماریو بودیمیر

● شاگردان برانکو ایوانکوویچ در دقیقه ۴۱ این بازی توسط ماریو بودیمیر به گل رسیدند و موفق شدند این گل را تا پایان حفظ کرده و برای دوازدهمین بار به قهرمانی کشور برسند.

تیم فوتبال پرسپولیس، پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت، با پیروزی در مقابل تیم پارس جنوبی جم برای سومین بار پیاپی قهرمان لیگ برتر فوتبال کشور شد.

شاگردان برانکو ایوانکوویچ در دقیقه ۴۱ این بازی توسط ماریو بودیمیر به گل رسیدند و موفق شدند این گل را تا پایان حفظ کرده و برای دوازدهمین بار به قهرمانی کشور برسند. پرسپولیس در مجموع موفق به کسب ۶۱ امتیاز شد و در کل فصل تنها در یک بازی شکست خورد.

ایرج عرب مدیرعامل پرسپولیس پس از قهرمانی پرسپولیس در هجدهمین دوره لیگ برتر فوتبال گفت: به هواداران خوب خود تبریک می‌گویم و خوشحالم که این جشن را در کنار خلیج فارس می‌گیریم.

وی در خصوص وضعیت همکاری برانکو برای فصل آینده ادامه داد: قطعاً او می‌ماند. با برانکو قرارداد داریم و همه شرایط برای ادامه همکاری آماده است. تیم فوتبال سپاهان با هدایت امیر قلعه‌نویی با ۵۸ امتیاز نایب قهرمانی شد. سپاهان در آخرین دیدار توانست با دو گل تیم استقلال خوزستان را شکست دهد. تیم سپاهان اصفهان با ۴۶ گل زده بهترین خط حمله لیگ را داشت. تیم فوتبال استقلال (تاج) نیز در آخرین دیدار خود موفق شد

## نواک جاکوویچ قهرمان مسابقات استادان مادرید؛ فدرر و نادال حذف شدند



نواک جاکوویچ و استفانو پیترسیاس؛ ۱۲ مه ۲۰۱۹

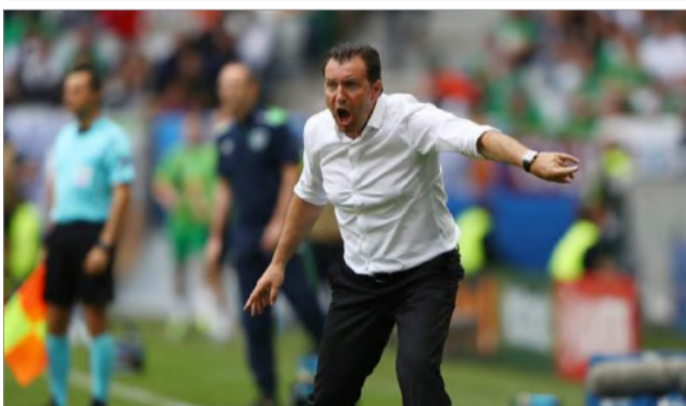
مسابقات تنیس ۱۰۰۰ امتیازی استادان مادرید روز یکشنبه با پیروزی نواک جاکوویچ تنیس‌باز ۳۱ ساله اهل صربستان بر استفانو پیترسیاس تنیس‌باز یونانی به پایان رسید. جاکوویچ ۶ بر ۳ و ۴ بر ۴ از سیتی پاس ۲۰ ساله برد.

سیتیسی پاس که چند ماه پیش در رقابت‌های راجر کاپ جاکوویچ را شکست داده بود گفت: جاکوویچ می‌دانست بازی من و نادال شبانه شب از ساعت ۹ تا دیروقت ادامه داشت و من روز بعد کاملاً خسته بودم چون خواب و استراحت کافی نداشتم و طبیعتاً برای یک نبرد سنگین سرحال نبودم و همانطور که خود او در مصاحبه بعد از بازی گفت با آگاهی از فرسودگی من ضربه‌هایش را با روی خط عرضی زمین می‌فرستاد و یا بسیار نزدیک تور و در قسمت‌های چپ و راست زمین فرود می‌آورد.

با کسب عنوان قهرمانی تورنمنت استادان مادرید، تعداد پیروزی‌های جاکوویچ در رقابت‌های ۱۰۰۰ امتیازی به ۳۳ مسابقه رسید و با رکورد نادال برابر شد. بعد از این دو نفر راجر فدرر با ۲۸ عنوان، آندره آگاسی با ۱۷ مقام قهرمانی و اندی موری با ۱۴ عنوان قرار دارند. جاکوویچ گفت: استفانوس تنیس‌باز

بسیار با استعدادی است. او پیش از دیدار با من، رافا را در یک مبارزه طولانی که تا دیر وقت شب طول کشید، شکست داد. من می‌دانستم او خسته است و از این فرصت استفاده کردم. سیتیسیاس پیش از رسیدن به مرحله نهایی، رافائل نادال تنیس‌باز ۳۴ ساله اسپانیایی و نفر دوم رده‌بندی جهان را ۶ بر ۴ و ۴ بر ۶ و ۶ بر ۳ پیروزی تنیس‌باز یونانی بر نادال بود. او الکساندر زورو تنیس‌باز آلمانی را نیز ۷ بر ۵، ۳ بر ۶ و ۶ بر ۲ از سر راه

## مارک ویلموتس گزینه یک میلیون دلاری سرمربیگری تیم ملی فوتبال ایران

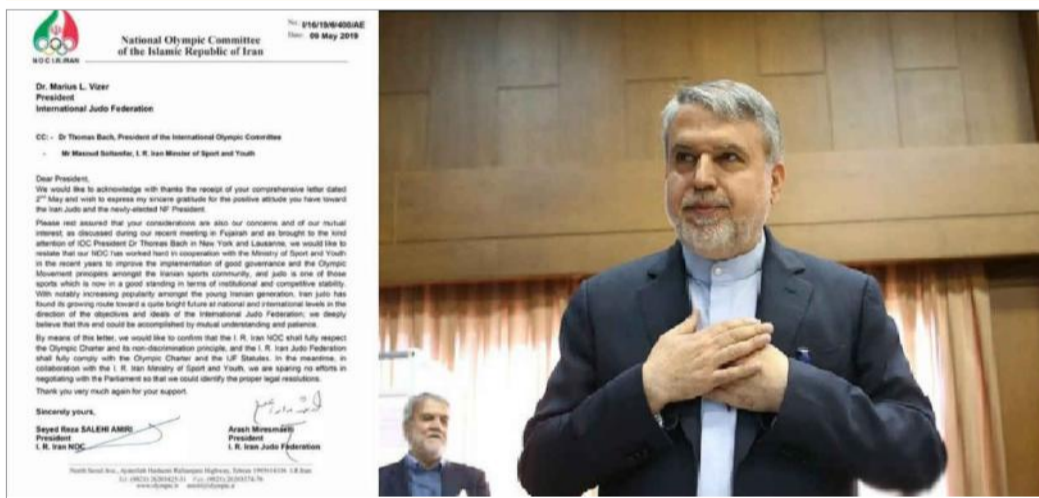


● ویلموتس بلژیکی در دیدار با مهدی تاج بر اهمیت زیرساخت‌ها و امکانات تأکید کرده و دستمزد وی احتمالاً از طریق فیفا پرداخت خواهد شد.

خبرگزاری تسنیم، روز سه‌شنبه ۲۴ اردیبهشت، نوشت حضور مارک ویلموتس به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال ایران قطعی شده و این مربی به زودی وارد تهران می‌شود تا با عقد قراردادی رسمی تا پایان جام جهانی ۲۰۲۲ قطر هدایت تیم ملی را برعهده بگیرد. در این گزارش آمده، اگر چه عنوان شده مبلغ قرارداد این مربی بلژیکی ۱۰۵ میلیون دلار در سال است اما پیگیری‌ها نشان می‌دهد که مبلغ قرارداد وی پایین‌تر و حدود یک میلیون دلار است که در شرایطی خاص ممکن است به ۱۰۵ میلیون دلار نزدیک شود. یکی از موارد اصلی و اساسی که در مذاکرات مهدی تاج و ویلموتس وجود دارد صحبت درباره امکانات و زیرساخت‌های فوتبال ایران است. ویلموتس به عنوان فردی که سال‌ها در اروپا مربیگری کرده درباره اهمیت این موضوع صحبت و بر ضرورت وجود امکانات و زیرساخت‌های لازم تأکید کرده است. مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال

صورت گرفته با ویلموتس، بهترین و در دسترس‌ترین راه برای پرداخت دستمزد او از طریق فیفا باشد. فدراسیون جهانی فوتبال سالیانه کمک‌هایی به فدراسیون‌های عضو خود می‌کند که رقم قابل توجهی است و در صورتی که مشکلی ایجاد نشود، فدراسیون قصد دارد از این کمک‌ها و از طریق فیفا دستمزد سرمربی آینده تیم ملی را پرداخت کند. با توجه به تحریم‌ها و مشکلات انتقال پول در صورتی که یک طرف آن ایران باشد، تگراتی‌هایی برای پرداخت دستمزد سرمربی تیم ملی وجود داشته و دارد. با این حال فدراسیون فوتبال قصد دارد در این خصوص هماهنگی‌های لازم را با فیفا انجام دهد تا از طریق این نهاد ورزشی بین‌المللی پول این مربی پرداخت شود.

## توافق فدراسیون جهانی جودو با مقامات ورزشی ایران؛ آیا ورزشکاران ایران با اسرائیلی‌ها مسابقه خواهند داد؟



رونوشت نامه که در وبسایت فدراسیون جهانی جودو منتشر شد و صالحی امیری پای آن امضا کرده

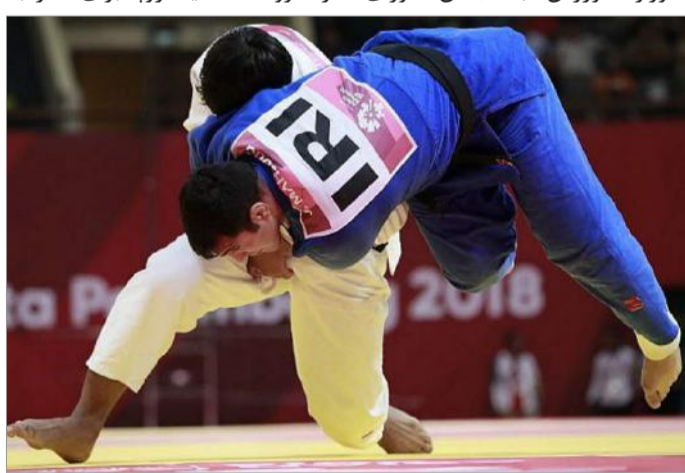
مدال طلای المپیک را از جمهوری اسلامی گرفت و گفت بابت حمایت از مردم فلسطین در برابر جودوکار اسرائیلی حاضر نشده! اما به کمیته تحقیقاتی کمیته بین‌المللی المپیک گفت که هیچ برنامه‌ای برای رویاروی شدن عمدی با حریف اسرائیلی نداشته است!

اهمیت این توافق اگر واقعا از سوی جمهوری اسلامی جدی گرفته شود شاید در این نکته نیز باشد که یکی از شروط اتحادیه اروپا برای آغاز به

که بدون تبعیض در تورنمنت‌های جهانی و المپیک شرکت کنند. در این نامه که به امضای آرش میراسماعیلی رئیس فدراسیون جودو و صالحی‌امیری رئیس کمیته ملی المپیک رسیده آمده که ایران «به اصل عدم تبعیض در مسابقات المپیک و قوانین فدراسیون جهانی جودو پایبند است» و ورزشکاران ایرانی با همه حریفان مسابقه می‌دهند و قول داده‌اند در همکاری با وزارت ورزش، با مجلس شورای

● رئیس کمیته بین‌المللی المپیک جمهوری اسلامی و رئیس فدراسیون جودو متعهد شده‌اند به اصل عدم تبعیض در مسابقات المپیک و قوانین فدراسیون جهانی جودو پایبند باشند.

● اورشلیم پست نوشته مقامات جودو ایران موافقت کردند مسابقه ندادن با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات را متوقف کنند. - یکی از شروط اتحادیه اروپا برای آغاز به کار سیستم مالی اینستکس این است که رژیم ایران به تهدید علیه اسرائیل خاتمه دهد.



اسلامی رایزنی کنند که مجوز لازم برای این کار را بگیرند. در واکنش به این نامه روزنامه اورشلیم پست نوشته «ایران می‌خواهد در رقابت‌های آینده با جودوکاران اسرائیلی مسابقه بدهد.» آرش میراسماعیلی که خود از جودوکاران تیم ملی ایران بود و دو مدال طلا و دو مدال برنز جهانی دارد، در المپیک ۲۰۰۴ آتن در حالی که بهترین جودوکار وزن‌ش بود از رویارویی با حریف اسرائیلی خودداری کرد اما پاداش چندده‌هزار دلاری یک

فدراسیون جهانی جودو از این رویداد به عنوان «توافق تاریخی» یاد کرده و با اشاره به اینکه ورزشکاران ایرانی برای روبرو نشدن با رقبا تظاهر به مصدومیت می‌کنند نوشته، پس از چند مرحله مذاکره با وزارت ورزش جمهوری اسلامی سرانجام فدراسیون جهانی نتیجه مثبت گرفت و وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و فدراسیون جودو ایران تعهد دادند



مهلا مومن‌زاده

## مدال تکواندوی جهان برای دختر ۱۷ ساله ایرانی

مهلا مومن‌زاده عضو تیم ملی تکواندو دختران ایران روز پنجشنبه در مسابقات جهانی تکواندو که در منچستر انگلستان جریان دارد در وزن منهای ۴۶ کیلوگرم به مدال نقره دست یافت.

مهلا مومن‌زاده دختر تکواندو کار ایرانی است که در رقابت‌های جهانی مدال می‌گیرد. پیش از او کیمیا علیزاده برنده یک مدال نقره و برنز در مسابقات بین‌المللی شده بود. بیست و چهارمین دوره مسابقات قهرمانی تکواندو جهان با شرکت ۹۷۵ تکواندو کار از ۱۵۰ کشور از روز چهارشنبه این هفته در منچستر آغاز شده است. مهلا پنجشنبه شب برای کسب عنوان قهرمانی و دریافت مدال طلا مقابل چانه یونگ‌سیم از کره جنوبی قرار گرفت و با وجود آنکه خوب مبارزه کرد ۶ بر ۱۱ شکست خورد و دوم شد. وی پیش از رسیدن به مرحله نهایی، از نور یواش‌پای از قزاقستان، جردین اسمیت دارنده عنوان سوم اروپا از انگلستان، گالینا مدودوا از روسیه، لئا استوجکیویچ صاحب مدال برنز المپیک جوانان جهان



# «رضاشاه روح شاد»؛ پژواک توسعه و ترقی و آزادی در استادیوم آریامهر

در شعارها و سرودهای خود با تعصب خود را «تاجی» می‌دانند: «شهر ما شهر تهرانه، تیم ما تاج آریانه...»  
۲۶ مهر ۱۳۹۷، سانسور لوگوی تیم تاج از پیراهن حسن روشن کاپیتان اسبق تاج در یک برنامه تلویزیونی موجی از انتقادات را به راه انداخت و مدیران این باشگاه را وادار کرد تا از هواداران عذرخواهی کنند.

تاجی‌ها، پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۸، نیز بعد از پایان مسابقه این تیم با سپیدرود رشت در استادیوم آزادی شعار «رضاشاه روح شاد» سر دادند. اعتراضات مدنی در سیاسی محصور نمی‌ماند و گروه‌ها، اصناف و قشرهای مختلف بر اساس مطالبات و چارچوب‌های فرهنگی مختص به خود، خواست‌های خود را مطرح کرده و علیه حکام مستبد پیاپی می‌خیزند. در ایران نیز دوستداران فوتبال، و همچنین اساسا دوستداران ورزش، آنچه را پیش و پس از انقلاب دیده و شنیده‌اند با هم مقایسه می‌کنند.

امکانات و اعتباری که دو تیم تاج و پرسپولیس پیش از انقلاب داشتند کمتر تیمی در آسیا داشت. در رده ملی بیش از ۴۳ سال از آخرین بازی که تیم ایران قهرمان جام ملت‌های آسیا شد می‌گذرد!

از همه اینها گذشته، برای رهبران کشورهای قدرتمند و چهره‌های سیاسی بین‌المللی نیز استادیومها همواره مکان مهمی بوده است. آنها به ورزشگاه‌هایی می‌آیند تا جمعیت را ببینند و با دوستداران فوتبال و بازیکنان کشورشان باشند. آنها به محض ورود به ورزشگاه، به سکوها چشم می‌دوزند تا حرکات مشتاقان را ببینند و گوش‌شان را تیز می‌کنند تا هیاهو و صدای تشویق‌های آنان را بشنوند. اما در مهرماه ۱۳۹۷ پس از هفته‌ها اعتراض و اعتصاب قشرهای مختلف مردم، سران جمهوری اسلامی برای قوت قلب علی خامنه‌ای ۱۰۰ هزار سیسیجی را با لباس یکجور در استادیوم آزادی جمع کردند تا به نفع او شعار بدهند! یک حرکت نمایشی بسیار رقت‌انگیز! هم خامنه‌ای و هم برگزارکنندگان بهتر از هر کسی می‌دانند که این لشکرکشی یک قلب بزرگ بود چرا که آن کسانی که بارها در شعارهای کف خیابان و استادیومها نه با زور یا «ساندیس» و تطمیع و تحمیق، بلکه داوطلبانه و با پذیرش خطر از سوی مردم تشویق شدند نه جمهوری اسلامی و بنیانگذاران و زمامدارانش، بلکه پهلوی‌ها هستند!

تشویق رضاشاه فقید در استادیوم با واکنش شاهزاده رضا پهلوی نیز روبرو شد. وی که در دو سال اخیر پس از آنکه شعارهای مربوط به محبوبیت پهلوی‌ها گسترش یافت، هرگز تلاش نکرد تا این بار نیز به سود خود استفاده کند این بار نیز چنین شعارهایی را با وضعیت ملت و مملکت کرد زد: مردم با شعار «رضاشاه روح شاد» از روزگاری یاد می‌کنند که ایران با سرعت به سوی توسعه و ترقی گام برمی‌داشت.

او که در تمام سال‌های گذشته در پی او بود تا پژواک صداهای واقعی اما ناشنیده‌مانده و حتی انکارشده‌ی درون ایران باشد، اکنون نیز با محبوبیتی روزافزون همچنان در جایگاه درستی که انتخاب کرده بود ایستاده است. نه مبالغه بلکه واقعیتی است اگر گفته شود در میان تمام چهره‌های سیاسی فعال هیچکس به اندازه او در ایران مورد توجه و استقبال نیست. در مוסسات فخرسنجی و افکارسنجی مستقل در ایران، شاهد این ادعا شمار تصاعدی مخاطبان وی در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند باشد که در واقعیت ورزشگاه‌ها و خیابان‌های شهرهای مختلف نیز بازتاب می‌یابد.

علاقه‌مندان به فوتبال در ایران برای آگاهی از خدماتی که پهلوی‌ها به ورزش از جمله فوتبال ایران از دهه ۲۰ خورشیدی تا پیش از انقلاب کرده‌اند می‌توانند به منابع تاریخی مراجعه کنند. حمیدرضا صدر جامعه‌شناس در کتاب «روزی روزگاری فوتبال» با زبان ساده تشریح می‌کند که فوتبال ایران از کجا شروع شد تا به نام آسیا رسید و ستارگان بزرگی چون بهزادی‌ها و حجازی‌ها را به آسیا معرفی کرد. او در فصلی از این کتاب به روشنی شرح داده چطور پس از انقلاب غارتگرانی چون بنیاد مستضعفان به جان دارایی‌ها این دو باشگاه بزرگ افتادند تا بجای اعتلای ورزش و فوتبال، جیب خودشان را پر کنند.



بهر هواداران تیم باشگاه تاج که پس از انقلاب اسلامی مانند خیلی از نهادها و مؤسسات دیگر توسط زمامداران انقلاب غصب شد و نام «استقلال» بر آن نهاده شد! تیرماه ۹۷

و بازبند کاپیتانی تیم ملی لیبی را می‌بست اما پسر قذافی دیکتاتور بود. پایان بازی تیم‌های باشگاهی لیبیایی که طرفداران زیادی داشتند فرصتی برای اعتراض علیه حکومت بود. وضعیت ویژه تیم پرسپولیس و هواداران آن اصلی نیروهای «مدافع حرم» و سرکوبگران که صدها جوان را پی خود می‌کشد؛ یا شایان مصلح دیگر بازیکن سابق پرسپولیس برای هیات‌های مذهبی نوحه‌خوانی می‌کند. او در یکی از مداحی‌های خود با رجزخوانی علیه اهل تسنن به سه خلیفه اسلام (ابوبکر، عمر و عثمان) توهین کرد و خواند، «شیعه راضی‌ام از سه نفر بیزارم کور خواندید که دست از سرشان بردارم، علوی‌ام سر ناموس خدا حساس‌ام، من مرید پسر حضرت حق عباس‌ام، لب به آبشخور کفتار نخواهد زد شیر، آب خوردم فقط از چشمه جوشان علی».

سوم مهرماه سال ۱۳۹۷، اعضای فراکسیون اهل سنت مجلس از شایان مصلح شکایت کردند. استادیوم‌های ایران نه تنها کنونی برای عاشقان فوتبال است بلکه شاید تنها و آخرین تفریحگاه برای طبقات آسیب‌خورده و رنج‌کشیده باشد که هنوز توانایی پرداخت پول بلیت تماشا می‌توانند. اعضای تیم محبوب خود را دارند یا به زحمت این پول را جور می‌کنند تا از نزدیک به تماشا می‌توانند. یک مسابقه بنشینند. شعار این گروه از جامعه علیه جمهوری اسلامی که چهل سال است خود را مدعی و پناه مستضعفان جا می‌زند اما اندک ارزشی برای جان و مال آنها قائل نیست یک شکست تمام‌عیار است. این شکست وقتی سنگین‌تر می‌شود که طی همه‌ی این سال‌ها که جوانان از کلاس‌های مدرسه گرفته تا صدا و سیمای جمهوری اسلامی دائم با تبلیغات ضدپهلوی روبرو بودند، حالا بدون هراس از اقتدار پوشالی امنیتی‌ها در استادیومها شعار در حمایت از پهلوی‌ها سر می‌دهند. این یک ظرفیت سیاسی و اجتماعی است که فوتبال دارد و هواداران نیز از آن آگاه هستند.

آنها می‌دانند شعارهایی که در حمایت از رضاشاه می‌دهند نفی قدرت ضدملی حاکم بر ایران است. جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر تلاش زیادی کرد تا اوباش حامی خود را تقویت کند که سکوها استادیوم دارد و جوایز و امتیازات بسیار دارد. این تیم و برخی بازیکنان مستقیم و غیرمستقیم چندین برابر منفعت مادی و غیرمادی کسب می‌شود. مافیایی که پرسپولیس و استقلال را می‌دوستاند، از اسپانسرها و تبلیغاتی‌ها گرفته تا دلال‌ها، در شبکه‌های بهم پیوسته‌ی عنکبوتی جز ویرانی چیزی بر جا نگذاشته‌اند. آن روی دیگر سکه اما پول و مسائل مالی نیست بلکه این مافیای رسولان پمپاز فرهنگ آلوده نیز هستند.

رضاحقیقی‌ها فیک پرسپولیس مداح «هیأت الرضا» است. از پاتوق‌های آزاد و اعتراض قانونی وجود ندارد و کمتر خبرنگار خارجی حضور دارد، فوتبال می‌تواند مسائل پنهانی را آشکار کند. در جریان رقابت‌های باشگاه‌های آسیا به قطر رفته بود، به دلیل قرار گرفتن نامش در لیست سیاه از فرودگاه دوحه دیپورت شد اما جالب اینکه به عنوان مشوق تیم ملی فوتبال در جام جهانی ۲۰۱۸ منعی برای سفر به روسیه نداشت!



دها نفر از هواداران تیم ملی فوتبال ایران و همینطور هواداران تیم‌های باشگاهی در بازی‌های خارج از کشور با پرچم شیر و خورشید در استادیومها حاضر می‌شوند

آزاد و اعتراض قانونی وجود ندارد و کمتر خبرنگار خارجی حضور دارد، فوتبال می‌تواند مسائل پنهانی را آشکار کند. در جریان رقابت‌های باشگاه‌های آسیا به قطر رفته بود، به دلیل قرار گرفتن نامش در لیست سیاه از فرودگاه دوحه دیپورت شد اما جالب اینکه به عنوان مشوق تیم ملی فوتبال در جام جهانی ۲۰۱۸ منعی برای سفر به روسیه نداشت!

کنون هواداران دو باشگاه استقلال (تاج) و پرسپولیس سال ۱۳۸۶ با هدف سازماندهی هواداران دو تیم تحت نظارت «دفتر امور فرهنگی سازمان تربیت بدنی» تشکیل شد و لیبرهای اصلی دو تیم تحت کمیته‌ای سازماندهی شدند تا بتوانند از طریق آنها بر اعمال و رفتار تماشاگران به خصوص شعارهای گروهی در ورزشگاه‌ها نظارت کنند.

به بعضی از این لیدرها به پاس خوش‌خدمتی امتیازات ویژه‌ای داده می‌شود از جمله همراهی رایگان با تیم‌های باشگاهی و تیم ملی فوتبال در سفرهای خارجی و اسکان رایگان در حقوق‌های ماهیانه که با توجه به اینکه بسیاری از آنها از قشرهای ضعیف جامعه هستند برای آنها فرصت مناسبی محسوب می‌شود.

چون استادیوم‌های ورزشی ایران پس از اتفاقات سال ۸۸ علیه جمهوری اسلامی شد و این مسئله پس از اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ شدت گرفت. در واقع استادیومها در سال‌های گذشته تبدیل به کانون‌های ثابت التهاب و اعتراضات مردم شده است عبدالرضا رحمانی‌فضلی وزیر کشور در مصاحبه با روزنامه ایران با اشاره به ارتباط میان شعارها و ناراضی‌های اجتماعی اعلام کرد، «فضا باید کنترل و مدیریت شود. برای ما امنیت مهم است. اگر احساس کنیم گروه‌هایی وارد شده و انتظامات را دچار خدشه می‌کنند، تصمیم می‌گیریم برخی بازی‌ها بدون تماشاگر برگزار شود!»

رحمانی‌فضلی در این مصاحبه تأکید کرد که بحث اعتراض و شعارهای تماشاگران به شورای امنیت ملی نیز کشیده شده و او از این نهاد خواسته نگذارد این اتفاقات در ورزشگاه‌ها بیفتد. با وجود این تهدید و تمهیدات احتمالی اما در ماه‌های اخیر بارها شعار «مرگ بر دیکتاتور»، «رضا شاه پهلوی» و «رضاشاه روح شاد» و همچنین شعارهای تند علیه کارگزاران نظام، نیروی انتظامی و آخوندها سر داده شد اما تهدید وزیر کشور عملی نشد.

سایمون کوپر نویسنده اوگانندی-بریتانیایی کتاب «فوتبال علیه دشمن» معتقد است شرایط استادیومها در بسیاری از کشورها بازتابی از شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جوامع است. به عنوان مثال او با اشاره به وضعیت استادیوم‌های خاورمیانه در کشورهای با حکومت‌های خودکامه می‌نویسد «در جوامعی مثل لیبی و در گذشته صدام حسین، که مطبوعات

ادامه تشویق رضاشاه فقید توسط هواداران فوتبال برای جمهوری اسلامی تبدیل به یک مسئله حیثیتی شده. یک نماینده مجلس از مسئولان امنیتی خواسته برای کنترل شعارها در استادیومها دوربین نصب شود و لیدرها شناسنامه‌دار شوند و ورود تماشاگران خاصی به استادیومها ممنوع شود.

واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد شعارهای سیاسی هواداران پرسپولیس و تاج (استقلال) در حمایت از پهلوی‌ها، بارور شدن احساسات نوستالژیک در میان نسل جوانی است که اگرچه آن دوران را ندیده‌اند اما خاطره‌ی جمعی آنها ریشه در تاریخچه‌ی شکوفای دو باشگاه دارد که با جمهوری اسلامی، مانند همه‌ی عرصه‌های دیگر، دچار انسداد شد.

شاهزاده رضا پهلوی این بار نیز این شعارها را به وضعیت ملت و مملکت گره زده و می‌گوید شعار «رضاشاه روح شاد» یاد کردن جوانان از روزگاریست که ایران با سرعت به سوی توسعه و ترقی گام برمی‌داشت.

حامد محمدی - ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ هواداران تیم فوتبال پرسپولیس تهران پس از پایان بازی این تیم در مقابل ماشین‌سازی تبریز هنگام خروج از تونل‌های استادیوم آزادی (آریامهر) برای چندمین بار شعار «رضاشاه روح شاد» سر دادند. رویدادی که پنج روز بعد توسط هواداران تیم استقلال پس از مسابقه با سپیدرود رشت نیز تکرار شد.

هواداران پرسپولیس اولین بار این شعار را در جریان بازی تیم‌شان مقابل سپیدرود رشت که هفتم اردیبهشت ۱۳۹۷ تا ۷۵ تا ۸۰ هزار تماشاگر برگزار شد، پنج روز پس از کشف پیکر مومیایی منتسب به رضاشاه در محوطه شاه‌عبدالعظیم سر دادند.

از آن زمان تا کنون با وجود جو امنیتی که در استادیوم‌های ایران به ویژه استادیوم آزادی (آریامهر) برقرار است گروه کثیری از هواداران فوتبال ادای احترام به رضاشاه فقید را بارها در رقابت‌های مختلف از جمله در حاشیه دیدار مسابقه پرسپولیس و سپاهان که هفتم اردیبهشت ۹۸، برگزار شد تکرار کردند. اکنون پیداست گزارش این رویداد به نهادهای امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی رسیده و برای مقابله با آن به فکر چاره افتاده‌اند.

علیرضا ابراهیمی عضو فراکسیون ورزش مجلس، ۲۵ اردیبهشت، در گفتگو با خبرگزاری «خانه ملت» بر لزوم شناسنامه‌دار شدن لیدرهای باشگاه‌های ورزشی در استادیومها با هدف رصد اعمال و رفتار آنها تأکید کرده است.

این نماینده با اشاره به وعده‌ی مسئولان برای نصب دوربین در ورزشگاه‌ها با هدف کنترل سکوها خواستار «برخورد قاطع مسئولان ذی‌ربط» شده و تأکید کرده «برای کنترل شعارها در استادیوم‌های ورزشی الزامی است که لیدرها شناسنامه‌دار شوند». ابراهیمی در ادامه به نقش مهم و کاربردی لیدرها در توسعه اقدامات فرهنگی اشاره می‌کند و می‌گوید کانون هواداران تیم‌ها باید پاسخگویی فضای استادیومها باشند و باید «از ورود افرادی که مرتباً در ورزشگاه‌ها مرتکب جرم می‌شوند ممانعت کرد» و همچنین تأکید کرده که باید در حوزه امنیتی و انتظامی با صلابت بیشتری عمل شود. این اظهارات عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در حالیست که رئیس کانون هواداران باشگاه پرسپولیس و در واقع اصلی‌ترین لیدر این تیم عباس اسماعیل‌بیگی ملقب به «عباس گدا» عضو بسیج و از شبه‌نظامیانی است که تحت عنوان



## دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۱۹)

(کیهان لندن شماره ۱۳۰۰)

احمد احرار

نارنج

سید بر مسند ریاست وزرا به شرح زیر صادر و ابلاغ شد:

### «حکام ایالات و ولایات»

در نتیجه غفلت و لایقیدی زمامداران دوره‌های گذشته که بی تکلیفی عمومی و تزلزل امنیت و آسایش را در مملکت فراهم نموده و شخص ما و تمام اهالی ایران را از فقدان هیأت دولت ثابتی متأثر ساخته بود، مصمم شدیم که با تعیین شخصی دقیق و خدمتگزار که موجبات سعادت مملکت را فراهم نماید به بحران‌های متوالی خاتمه دهیم.

بنابراین، به اقتضای استعداد و لیاقتی که در جناب میرزا سید ضیاءالدین سراغ داشتیم ایشان را به مقام

مخصوص نگاه می‌کردند. شاه گفت بنشینید و من روی قالی نشستم و صحبت شروع شد. من با کمال ادب، ولی با صداقت و جسارت، به او فهماندم که بطور خائنانه درباری دارم تاج و تخت او را به باد می‌دهند. گفتم فروش گندم و انبارداری سزاوار شاه نیست. عاقبت گفت شما باید رئیس‌الوزرا بشوید و بروید به اتاق دیگر تا حکم نوشته شود. در آن اتاق همین قدر نوشته شد که من رئیس‌الوزرا هستم. ولی من اصرار کردم که اختیارات تامه لازم دارم و شاه از من قول گرفت که بعد از یک ماه بگذارم به فرنگستان بروم و اختیارات تامه هم در حکم وارد شد. وزیر مختار انگلیس، در گزارش



احمدشاه و سردار سپه

احمدشاه، در پی دیدار با وزیر مختار انگلیس که به وی اطمینان داد کودتاگران قصد براندازی ندارند و توصیه کرد «با رهبران نهضت رابطه برقرار کند و به خواست‌های آنها پاسخ مثبت دهد» برای شنیدن نظرات و خواست‌های رهبران کودتا اعلام آمادگی کرد.

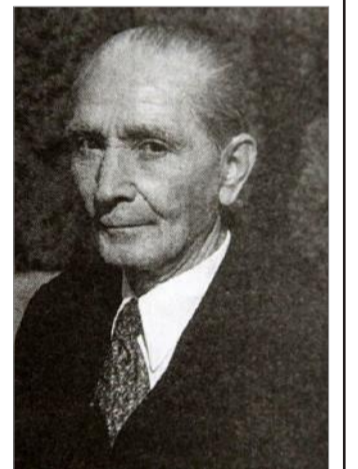
روز سه‌شنبه چهارم اسفند، دو صاحب‌منصب قزاق در کاخ فرح‌آباد به حضور شاه رسیدند. آن دو حامل نامه‌ای از طرف فرمانده نظامی کودتا برای پادشاه بودند. شاهزاده شهاب‌الدوله (اسدالله میرزا شمس ملک‌آرا) رئیس تشریفات دربار، بعدها در خاطرات خود نوشت: «پس از آن که اضطراب عمومی تسکین یافت و بگير و ببیندا خاتمه یافت یک روز در ساعات صبح که اینجانب در فرح‌آباد مشغول انجام وظیفه بودم دو افسر از طرف فرمانده قوا به آنجا آمده و حامل عریضه‌ای بس مهم خطاب به احمدشاه بودند. افسرهای مذکور اقتدار السلطنه فرزند نایب‌السلطنه کامران میرزا و دیگری سرهنگ باقرخان معروف به بمبی بودند. و اما نامه از طرف فرمانده قوا امضا شده بود و مفاد و مضمونش این که (رجالی پوسیده سلف و زمامداران بی‌ایمان سابق جز خرابی و خیانت به کشور شاهنشاهی خدمتی انجام نداده تا سرزمین سیروس و شاهپور را به چنین حال اسفاشتمالی انداخته‌اند.



میرزا محمودخان مدیرالملک (جم)



سید ضیاءالدین طباطبائی



منصور السلطنه - مصطفی عدل

امروز زمامداری لازم است جوان، جدی و بافکاری نوین و عزمی متین که بتواند کشتی شکسته مملکت را به ساحل نجات سوق داده پریشانی‌ها را سامان بخشد. لذا آقا سید ضیاءالدین را که جامع صفات لازم است برای زمامداری پیشنهاد مقام سلطنت می‌نماییم و صدور دستخط صدارت ایشان را خواستاریم - رضا. نامه به عرض شاه رسید، با قیافه گرفته مدتی به دریای فکر فرورفتند. چنین می‌نمود که به تصدیق زمامداری سید ضیاءالدین ابدار رغبتی ندارند. حاملین نامه مرخص شدند. چند ساعتی نگذشت که مستر اسمارت مستشار سفارت انگلیس به ملاقات احمدشاه آمد. وقتی به مذاکره پرداختند، تصور می‌کنم نامبرده صلاح‌اندیشی نکرد و اندرز آمیخته به تهدید داده که زمامداری سید را بپذیرند.»

سید ضیاءالدین در تقریرات خود از جریان کودتا می‌گوید: «شب را هر یک، همانجا (در قزاقخانه) زیر توتونچه‌های قزاق‌ها، روی نیمکت‌ها خوابیدیم. صبح معلوم شد چند نفر از آنجمله عموی شاه و پسر کامران میرزا که از صاحب‌منصبان قزاقخانه بود، از طرف علیحضرت آمده‌اند که قصد شما چیست. من هم شرح مفصلی مبنی بر نارضایتی از اوضاع و اطاعت از علیحضرت گفتم که مقصود ما این است که دولتی قوی داشته باشیم. شب (بعد) بسیار خسته بودم. به منزل رفتم و گفتم احدی مرا بیدار نکند ولی دیدم کسی مرا سخت می‌جنباند و گفت صاحب‌منصبی از طرف رضاخان آمده است که تشریف بیاورید. معلوم شد باید به حضور شاه بروم. از میرزا محمودخان مطبوعه یک سرداری گرفتم و با همان وضع تتراشیده و نخراشیده به فرح‌آباد رفتم. وارد شدم. شاه روی یک صندلی نشسته بود و ولیعهد هم حاضر بود و دیگران از گوشه‌ها به من با حالتی

خود به لندن می‌نویسد «سید در اول کار به علیحضرت پیشنهاد کرد که عنوان رسمی او را در فرمانی که از طرف مقام سلطنت صادر می‌شود به جای رئیس‌الوزرا، دیکتاتور ایران بنویسند ولی علیحضرت با این پیشنهاد مخالفت کردند و فرمودند که اعطای چنین عنوانی به نخست وزیر وقت، باعث تحقیر تخت و تاج خواهد شد و به حیثیت مقام سلطنت لطمه خواهد زد. سید که مردی واقع‌بین است و قدرت عملی را بر الفاظ و القاب پرتنطنه ترجیح می‌دهد، نظر علیحضرت را پذیرفت و حاضر شد همان عنوان سنتی رئیس‌الوزرا را درباره‌اش به کار برند.

فرمان نخست‌وزیری سید ضیاءالدین بدین شرح صادر شد: «نظر به اعتمادی که به حسن کفایت و خدمتگزاری جناب میرزا سید ضیاءالدین داریم معزیه‌ای را به مقام ریاست وزراء برقرار و منصوب فرموده و اختیارات تام برای انجام وظایف ریاست وزرایی به معزیه مرحمت فرمودیم.»

این متن را سید کافی نمی‌دید. با حالت ناراحتی نزد شاه رفت و اصرار کرد که در متن فرمان عدم لیاقت زمامداران قبلی، دلیل تفویض مقام ریاست وزرا به وی ذکر شود. شاه زیر بار نرفت و گفت متن فرمان نوشته شده است و قابل اصلاح یا تعویض نیست. کار به بحث و جدل کشید.

سید ضیاءالدین این بار برخلاف دفعه پیش که روی قالی نشست و مطالب خود را مؤدبانه معروض داشت، ایستاده و دستها را به کمر زده بود و امرانه سخن می‌گفت. بالاخره قرار شد علاوه بر صدور فرمان، دستخطی هم از طرف شاه خطاب به استانداران و فرمانداران نوشته و در آن اشاره به عدم کفایت و لیاقت زمامداران پیشین شود. دستخط، پس از چند بار چانه‌زنی، دو روز بعد از جلوس (مصطفی عدل) «ادامه دارد»

## تأملات بهنگام؛ در باب هواخواهان کانادانشین فرقه تبهکار

گروه‌های یادشده در بالا، بخش مهمی از مهاجران ایرانی ساکن کانادا را تشکیل می‌دهند. فصل مشترک میان این گروه‌ها، منافعی است که در این دوران سبب شد که دبلیستگان و جیره‌خواران جمهوری اسلامی، شهرهای تورنتو و ونکوور را به پایگاه و مامن بخش بزرگی از بدنه مدیریتی مافیای حاکم بر ایران تبدیل کنند.

همزمان با این دوران، بخش‌هایی از طبقه متوسط قلابی و دلال برآمده از اقتصاد معدن‌فروشی و رانتی ایران، هوای مهاجرت و ساختن زندگی دوم در خارج از ایران به سرشان افتاد. این گروه از جامعه ایران، صدایی قوی‌تر از تعداد واقعی‌شان داشتند و به خاطر دسترسی به منابع، اطلاعات و حضور در بوروکراسی کشور، امکان کسب امتیاز از شرایط مافیایی رو به رشد حاکم بر مملکت را دارا بودند.

نسل مسن‌ترین طبقه، ضمن داشتن شغلی ابرومند برای حفظ ظاهر (اعم از کار دولتی، تدریس، طبابت، مهندسی، حسابداری، و کالت و...) با شغل دومی از قبیل بسازنفروشی، دلالی اتومبیل و سیم‌کارت، سفته‌بازی در بازار سهام، تأسیس و اداره کلاس‌های کنکور و مشارکت در ایجاد مافیای آموزش، واسطه‌گری و زد و بند با مدیران میانی نهادهای مختلف حکومتی برای سوء استفاده از اطلاعات تولیدکننده رانت در بازار غیررقابتی، تأسیس انتشارات برای فروختن کاغذ یارانه‌ای در بازار آزاد، خرید و فروش تراکم و... پولدار شده و به آب و نانی رسیده بودند. پول حاصل از این فعالیت‌ها می‌توانست

بهرمند شوند و با داشتن حق رأی حتی در سرنوشت سیاسی این کشور نیز تأثیر بگذارند. رفتار سهل‌انگارانه و منفعت‌طلبانه دولت‌های مختلف کانادا در این دوران سبب شد که دبلیستگان و جیره‌خواران جمهوری اسلامی، شهرهای تورنتو و ونکوور را به پایگاه و مامن بخش بزرگی از بدنه مدیریتی مافیای حاکم بر ایران تبدیل کنند.

نسل مسن‌ترین طبقه، ضمن داشتن شغلی ابرومند برای حفظ ظاهر (اعم از کار دولتی، تدریس، طبابت، مهندسی، حسابداری، و کالت و...) با شغل دومی از قبیل بسازنفروشی، دلالی اتومبیل و سیم‌کارت، سفته‌بازی در بازار سهام، تأسیس و اداره کلاس‌های کنکور و مشارکت در ایجاد مافیای آموزش، واسطه‌گری و زد و بند با مدیران میانی نهادهای مختلف حکومتی برای سوء استفاده از اطلاعات تولیدکننده رانت در بازار غیررقابتی، تأسیس انتشارات برای فروختن کاغذ یارانه‌ای در بازار آزاد، خرید و فروش تراکم و... پولدار شده و به آب و نانی رسیده بودند. پول حاصل از این فعالیت‌ها می‌توانست

● اکثریت قریب به اتفاق این «سرما یه گذاران» فاسد که پول‌های غارتی و همچنین کنیف را به کانادا می‌آوردند، نه تنها در آن دوره‌ی دهه‌ی نود میلادی در کانادا اقامت نمی‌کردند بلکه پس از سفری کوتاه و طی تشریفات ورود به کانادا، به ایران باز می‌گشتند و به مشارکت در چپاول مملکت ادامه می‌دادند. این بازگشت به ایران الیه تنها شامل سرپرست خانواده و تخم بیشتر اعضای خانواده و ترکه این دزدان «دوران سازندگی»، مقیم کانادا می‌ماندند و در این کشور به مدرسه و دانشگاه می‌رفتند. برخی از این جماعت، صاحب خانه‌های میلیون دلاری در منطقه نورث یورک تورنتو یا املاکی گرانتر در شمال شهر ونکوور (جایی ملقب به تپه دزدها) هستند

● وقتی همراه «منزل» لچک به سرشان سوار بر اتول آلمانی می‌آیند، هنوز بقایای رد مهر ساختگی را می‌شود بر جبین لیزر شده‌شان مشاهده کرد.

یوسف مصدقی - اوایل دهه هفتاد خورشیدی، در میانه دوره‌ای که در تاریخ سراسر نکتت جمهوری اسلامی به «دوران سازندگی» مشهور شد، عده‌ای از اعضای الیگارش نوپای «شرکت سهامی جمهوری اسلامی»، کشور کانادا را به عنوان ساحلی امن برای انتقال اموال غارتی حاصل از چپاول منابع ایران، انتخاب کردند. در همان ایام، برخی از این دزدان حکومتی - که اغلب از وابستگان خاندان فاسد رفسنجانی بودند - با یکی دو واسطه، مسئولیت پولشویی و رتق و فتق سرمایه‌گذاری‌های این بخش از گانگسترهای جمهوری اسلامی در کانادا را به عهده گرفتند.

این دوران همچنین دوران طلایی برای مهاجرت بی‌دردر و ساده به کشور کانادا بود. طی دهه نود میلادی (هفتاد خورشیدی) قوانین مهاجرت به کانادا از طریق «سرمایه‌گذاری» به قدری ساده و سهل‌انگارانه تنظیم و اجرا می‌شدند که گردانندگان بدنه مافیای رو به رشد حاکم بر ایران و مدیران سطح بالا و میانی شرکت سهامی جمهوری اسلامی، با انتقال مبالغی نه چندان چشمگیر از پول‌های کنیف به کانادا، اقامت دائم این کشور امن و زیبا را کسب می‌کردند.

اکثریت قریب به اتفاق این «سرمایه‌گذاران» فاسد، نه تنها در آن دوره در کانادا اقامت نمی‌کردند بلکه پس از سفری کوتاه و طی تشریفات ورود به کانادا، به ایران باز می‌گشتند و به مشارکت در چپاول مملکت ادامه می‌دادند. این بازگشت به ایران البته تنها شامل سرپرست خانواده می‌شد، بیشتر اعضای خانواده و تخم و ترکه این دزدان «دوران سازندگی»، مقیم کانادا می‌ماندند و در این کشور به مدرسه و دانشگاه می‌رفتند. اولاد این دزدان، با پول‌های غارتی و کنیف، زندگی و آینده خود را می‌ساختند و همزمان وظیفه تطهیر فرقه تبهکار اشغالگر ایران را در افکار عمومی، رسانه‌های جمعی و محیط‌های دانشگاهی آمریکای شمالی را به عهده می‌گرفتند.



شمال شهر ونکوور، جایی که ملقب به تپه دزدها شده است

سرمایه‌داری در شرکت‌های درجه سه مهندسی طرف قرارداد کمپانی‌های بزرگتر، برای مدیران سفیدپوست و چشم‌آبی‌شان خوش‌رقعی‌نیز می‌کنند و دم تکان می‌دهند اما شب‌هنگام در دوره‌های مجازی و حقیقی، به ترامپ و پمپئو فحش می‌دهند و جک‌های دسته چندم و بسایتهای چپی آمریکا را غرغر می‌کنند.

زمانی که از انک این گروه تپه ببرسید شما که خود در دنیای آزاد از حق آزادی پوشش برخوردارید، چرا این حق را برای زنان ساکن ایران نمی‌خواهید؟ پاسخ می‌شنوید که هر جای دنیا «قانون» خودش را دارد و ما هم در سفر به ایران قانون حجاب اجباری را رعایت می‌کنیم! وقتی از این جماعت برسید اگر از زندگی در کانادا ناراضی هستید، چرا به ایران بر نمی‌گردید تا زیر سایه حکومت اسلامی خوشبخت زندگی کنید؟ بنای هوچبگری می‌گذارند و انواع تهمت‌ها - از زن‌ستیزی، دگرباش‌ستیزی تا مسلمان‌ستیزی و جنگ‌طلبی - را به سوی پرستگر بیبنا آورند می‌کنند تا دهان او را ببندند و از پاسخ به این پرسش ساده بگریزند. برای هر آدمیزادی که از حداقل وجدان و کمترین حد هوشیاری برخوردار باشد، میزان تناقضی که در رفتار و گفتار هواداران بیبکینی‌پوش و عرق‌خور جمهوری اسلامی در تورنتو و ونکوور مشاهده می‌کنند، شگفت‌آور است.

این روزها، هواخواهان و دلدادگان خارج‌نشین فرقه تبهکار، بیش از همیشه از لزوم مقاومت در برابر آمریکا می‌نویسند و هشنگ می‌زنند. اگر در فضای مجازی یا دنیای واقعی با یکی از این موجودات برخورد کردید، تعارف را کنار بگذارید و ریاکاری و وقاحت‌اش را پیش چشم‌اش بیابید و در نهایت به او توصیه کنید تا به ایران باز گردد و از میان فاجعه برای مردم رنج‌دیده، نسخه بیچپنده‌ان از ساحل امن آمریکای شمالی،



شمال شهر ونکوور، جایی که ملقب به تپه دزدها شده است

برای ارضای برخی از نارضایی‌های این طبقه، بیرون از مرزهای ایران هزینه شود. قیمت مصنوعی دلار هم این توهم را در این گروه ایجاد کرده بود که می‌توانند با «کار کردن» در ایران و انتقال پول حاصل از آن به خارج از کشور، زندگی دوگانه مطلوبی را برای خود و اولادشان تأمین کنند. مهاجرت به کشور کانادا با شرایطی که پیش از این گفته شد، بهترین گزینه برای تشکیل این زندگی دوگانه بود.

از همان ایام تا یک دهه پس از آن، گروهی جوان‌تر از این طبقه متوسط کذایی هم، به سودای دریافت مدرک دانشگاهی، کسب ثروت و بهره بردن از آزادی‌های اجتماعی، راه مهاجرت به کانادا در پیش گرفتند. این جماعت بیشتر دانش‌آموخته‌رشته‌های مهندسی و پزشکی دانشگاه‌های ایران بودند که اول بار یا با ویزای تحصیلی یا از طریق گرفتن اقامت دائم به عنوان کارگر ماهر (skilled worker) یا به خاک کانادا گذاشتند.

طبقه اجتماعی این جماعت در ایران و عادت آنها به خوش‌نیشینی، بهره گرفتن از پول ارزان و اقتصاد رانتی ایران به علاوه شوک فرهنگی ناشی از مهاجرت، باعث می‌شد که بسیاری از آنها کمی پس از مهاجرت به کانادا، دچار دل‌تنگی برای راحتی‌های طبقاتی بی‌جای ناشی از فرهنگ دلال‌آبایی که این جماعت در آن پرورش یافته بودند از قبیل ترقی به مدد سفارش یا امید به یک‌شبه پولدار شدن، نیز به این ناخرسندی‌ها دامن می‌زد. بسیاری از این گروه، با گذشت زمان به خاطر انباشت نارضایتی حاصل از مهاجرت، یا به تلویح هوادار استمرار جمهوری اسلامی شدند یا پس از جذب شدن توسط نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی، به صراحت در زمره آدم‌فروشان و مدافعان فرقه تبهکار اشغالگر ایران قرار گرفتند.







- تلویزیون نام پانزده - شانزده نشریه‌ای را که توسط دادگستری تهران توقیف شده بود، خواند. عصر آزادگان، آفتاب امروز، فتح، آزادی و... اما نامی از روزنامه ما - صبح امروز - نبرد، خدای من! صبح امروز هنوز تعطیل نشده... خیلی حالم بد شد. واقعا ناراحت کننده بود.

- چرا سپیده؟ تو که باید از تعطیل نشدن روزنامه‌تان خوشحال می‌شدی... نه، این خیلی بدتر است که آدم در یک لحظه بفهمد آن همه از دوستان و همکارانش بیکار شده‌اند، اما خودش نه... خجالت می‌کشیدم توی صورت آنها نگاه کنم... آن روز پانزده نام روی صفحه تلویزیون نقش بسته بود. پانزده نشریه‌ای که در یک روز تعطیل شده بودند... هر کدام از آن نامها در ذهن من برابر با نام دهها نفر از همکاران و دوستانم بود که بیکار شده بودند. بیشتر از همه یاد دوستانم در آفتاب امروز افتادم. به ویژه زری مشتاق. با خودم گفتم حالا می‌خواهد چکار کند... چطور می‌خواهد مشکلات اقتصادی‌اش را حل کند... ژیلای می‌دانی! تعطیلی روزنامه‌ها اصلا از جهت سیاسی‌اش برای من مهم نبود. آن را مثل همه پدیده‌های سیاسی یک بازی می‌دانستم. فقط بازی. ناراحتی من فقط به خاطر بچه‌ها بود. روزنامه‌نگارانی که با این حرفه زندگی می‌کردند و زندگی‌شان از همین طریق می‌گذشت.

- تعطیلی روزنامه صبح امروز چه تاثیری روی تو گذاشت؟  
- خیلی سخت نبود. ضربه واقعی همان روز که پانزده نشریه را توقیف کرده بودند به من وارد شد. ما همه در انتظار تعطیلی صبح امروز بودیم.

- بهار چطور؟  
- روزنامه بهار ماجرایش با صبح امروز فرق می‌کرد. تعطیلی بهار خیلی تلخ بود. همه‌مان شوکه شده بودیم و از همه بدتر برخورد مسئولان بهار بود. آن روز انتظار داشتیم ما را به دور خود جمع کنند و چند کلمه‌ای برای ما حرف بزنند. اما این کار را نکردند. فقط یکی‌شان آمد داخل تحریریه و گفت «زود وسایلتان را جمع کنید و از اینجا بروید. اوضاع اصلا خوب نیست.» بعد مسئولان روزنامه بی‌اعتنا به آنچه بر ما می‌گذشت پوشه‌هایشان را زیر بغل زدند و در حالی که می‌خندیدند، رفتند. بی آن که از ما خداحافظی کنند رفتند. آن روز احساس کردم آنها اصلا ما را نمی‌بینند. شاید کوچک‌تر و ریزتر از آن بودیم که ما را ببینند. ما هیچ ارزشی برای آنها نداشتیم. همان روز فهمیدم که ما روزنامه‌نگاران مثل جزیره‌های پراکنده و دور از هم هستیم. من در روزنامه بهار فهمیدم که ما فقط شعار شایسته سالاری می‌دهیم، اما واقعا اعتقادی به آن نداریم. یک روز که با یکی از مقامات بهار صحبت می‌کردم، به او گفتم شما چرا آقای... را به عنوان مسئول بوشی... انتخاب کرده‌اید؟ او که اصلا شایستگی این کار را ندارد. گفت:

«خودم هم می‌دانم. من به این دلیل او را انتخاب کرده‌ام که ۲۲ سال قبل در روزهای انقلاب با هم شعار داده‌ایم، با هم کتک خورده‌ایم، و با هم کتک زده‌ایم. ما سالهاست که از این نوع تفکر عذاب کشیده‌ایم. چون من بیست سال پیش کودکی بیش نبودم و او را در راهپیمایی‌ها و شعار دادن‌هایش همراهی نکرده بودم، امروز باید از جایگاه واقعی خود محروم می‌شدم. آنچه در بهار می‌گذشت با آنچه قبلا در ذهن من وجود داشت، فرق می‌کرد. شرایط سخت‌تر شده بود و این باعث می‌شد آدم‌ها خود واقعی‌شان را بروز بدهند.

سپیده زرین پناه سال ۱۳۴۹ در کرج متولد شد. پدر را که کارمند شهرداری بود، چند سال پیش از دست داد. مادرش خانه‌دار است و هیچ کدام از شش خواهر و برادرش شغل فرهنگی ندارند. فارغ‌التحصیل رشته مددکاری از دانشگاه آزاد اسلامی [واحد رودهن] است. سال‌هاست که در عرصه مطبوعات فعالیت می‌کند. با روزنامه‌های ایران، زن، گزارش روز، صبح امروز، آزاد، پیام آزادی، آفتاب یزد و...

وقتی روزنامه بهار تعطیل شد، سپیده برای دو ماه کاملا بیکار بود. اما هر جور بود بیکاری‌اش را از مادرش پنهان نگه داشت. «چرا باید مادرم موضوع را می‌فهمید که یک سره از صبح تا شب غصه بخورد. در این چند ماه از چند نفر پول قرض کردم... سفته

## ما عروسک خیمه شب بازی بودیم... دیگران ما را پله مقاصد سیاسی و مالی خود ساختند! خدایا! چه بر سر این خبرنگار عکاس آمده که چنین شکسته و پیر شده است؟

### اشاره

ژیلای بنی یعقوب رنجهای پنهان و آشکار روزنامه‌نگاران دوم خردادی را پس از تعطیل فله‌ای مطبوعات در دوران ریاست جمهوری خاتمی و حضور اکثریت «اصلاح طلبان» در مجلس، از زبان خودشان بیان می‌کند.

این بار نوبت سپیده زرین پناه، داوود محمدی و علیرضا عابدی است که سفره دلشان را برای همکارشان گشوده‌اند...

یادآور می‌شویم که کتاب «روزنامه‌نگاران غصه می‌خورند و پیر می‌شوند» از طرف نشریه «روزنگار» در تهران چاپ و منتشر شده است

دادم و پول به‌راهی گرفتم اما نگذاشتم مادرم نگران شود.»

- سپیده! تا چه وقت می‌خواهی پول قرض بگیری؟

- تا وقتی که کاری پیدا کنم. من تصمیم خودم را گرفته‌ام که اگر یک کار فرهنگی بگیرم نیامد، بروم کارگری کنم. این روزها تصمیم گرفته‌ام بروم خیاطی یاد بگیرم، شاید هم آرایشگری. شاید هم اگر همکارانم این حرفها را بشنوند، با خودشان بگویند بیچاره سپیده! تعادل روحی‌اش را از دست داده. چند روز پیش به یک آرایشگاه رفتم و گفتم خانم! من می‌خواهم آرایشگری یاد بگیرم. اما پولش را ندارم. می‌شود شما به من آرایشگری بیاموزید و بعد در ازایش برایتان کار کنم. می‌دانی! تصمیم گرفته‌ام بیش از این به لحاظ مالی به جامعه‌ای وابستگی نداشته باشم که اصلا به من فکر نمی‌کند. جامعه مطبوعات را می‌گویم که مقامات آن در این مدت هیچ سراغی از من نگرفتند. ترجیح می‌دهم دیگر برای آنها کار نکنم. تصمیم گرفته‌ام از حالا به بعد یک روزنامه‌نگار آزاد باشم. نه وابسته به یک روزنامه خاص.

سپیده که در کرج زندگی می‌کند صبح‌ها قبل از ساعت هشت صبح از خانه می‌زد بیرون و به طرف تهران حرکت می‌کرد و شب‌ها بعد از ساعت ده از روزنامه به خانه‌اش در کرج باز می‌گشت. بعضی وقت‌ها به او می‌گفتم:

سپیده! نمی‌ترسی این موقع شب از اتوبان کرج. عجب جراتی داری تو دختر! این دختر جسور از صبح تا شب برای «صبح امروز» کار می‌کرد، در گروه «ادب». هر وقت او را می‌دیدم روی میزش خم شده بود و تند تند می‌نوشت. آن چنان می‌نوشت که گویی هیچ وقت از نوشتن خسته نمی‌شود. «احساس می‌کردم که ما همه اعضای یک خانواده هستیم که با هم کار می‌کنیم. آن روزها حاضر بودم اگر لازم شد، روزنامه را جارو کنم و تی بکشم. اصلا مهم نبود چه کاری انجام بدهم. مهم این بود که صبح امروز منتشر شود. اما بعد از توقیف صبح امروز و بهار فهمیدم این حس یکسویه است نسبت به من ندارند. نه نسبت به من و نه نسبت به هیچ کدام از همکارانم. این روزها احساس می‌کنم نگاه من به مسائل عمیق‌تر شده... قبلا خیلی احساساتی بودم اما حالا واقع‌بین‌تر شده‌ام. به همین خاطر امیدوارم روزی فرا برسد که آدمهایی که روزنامه‌نگاران و دغدغه‌شان روزنامه است، گرداننده روزنامه بشوند نه آدمهایی که...»

- نه آدمهایی که؟  
- بگذریم... بگذریم از این حرفها.  
- هر جور که خودت راحتی سپیده عزیز.

- پس خداحافظ.  
- خداحافظ.

«داود محمدی» روزنامه‌نگاری که در «صبح امروز» یادداشت‌های سیاسی می‌نوشت، آنقدر یواش صحبت می‌کند که تو در میان حرفهایش مجبوری بارها به او بگویی آقای محمدی!

بخشید. متوجه نشدم چه گفتید. او با همان آرامش همیشگی‌اش لبخند گرمی می‌زند و سعی می‌کند بلندتر حرف بزند. اما فقط یکی - دو جمله بیشتر طول نمی‌کشد و دوباره تن صدایش پایین می‌آید. و بالاخره تو مجبور می‌شوی حواست را بیشتر جمع کنی تا هر طور شده همه حرفهایش را بشنوی. مهمترین ویژگی محمدی شاید صبر و حوصله زیادش باشد. به ویژه در پیگیری خبرهای روز و تحلیل آنها.

توقیف مطبوعات محمدی را دچار مشکلات روحی و مالی نکرد. شاید

را زیاد کرد. روزنامه‌نگاران بر این تصور بودند که حرف اول و آخر را خودشان می‌زنند. و همین باعث شد تا حدودی از واقعیت‌ها فاصله بگیرند... تقصیری هم داشتند. ما که نمی‌توانیم از یک طفل سه ماهه انتظار یک آدم ۳۰ ساله را داشته باشیم. روزنامه‌ها در کشور ما همچون اطفال نوپایی بودند که مسیر را خوب نمی‌شناختند. مطبوعات در کشورهای پیشرفته دنیا سالهاست که در یک فضای باز و آزاد کار می‌کنند، اما ما تازه در آغاز راه بودیم و دشواری‌ها را به درستی نمی‌شناختیم. طبیعی بود که اشتباه کنیم. اما هیچ کدام از این

جواب سوالتان را بگیرید.



اشتباه‌ها چیزی نبود که باعث توقیف یک روزنامه بشود.

«علیرضا عابدی» چهارهش پڑمرده و درهم به نظر می‌رسید. شانه‌هایش گویی زیر سنگینی غم و اندوه خم شده بود. خدایا! در این چند ماه چه بلایی بر سرش آمده که اینقدر پیر شده.

- آقای عابدی چه بر سر شما آمده. آدم نمی‌تواند باور کنید در این مدت کوتاه اینقدر پیر شده باشید.

- بعد از مدتها برای دیدن پدر و مادرم به امل رفته بودم. همان شب از تلویزیون شنیدم که تعداد زیادی نشریه توقیف شده. تعداد زیادی روزنامه و مجله از جمله روزنامه‌های که من در آن کار می‌کردم، «آزاد» پدر و مادر پیرم از شنیدن این خبر خیلی ناراحت شدند. ناراحت و نگران. ای کاش پدر و مادرم نمی‌فهمیدند. در آن صورت تحملش برای من آسان‌تر بود.

مادرم می‌گفت «علیرضا! حالا خرج بچه‌هایت را چطور می‌خواهی بدهی؟» و من که خودم آن همه ناراحت بودم، آنها را دلداری می‌دادم. تهران که آمدم، آشفتنگی بچه‌ها و همسرم آشفته‌ترم کرد. روزهای خیلی سختی بود. خیلی زود آنچه که در حساب پس‌انداز داشتیم، خرج کردیم. تصمیم گرفتم با ماشینم مسافرکنشی کنم. آن هم شب‌ها، تا دوستان و آشنایان مرا نشناسند. چند روز در مسیر منزلان مسافرکنشی کردم. چند راننده که در همان مسیر مسافرکنشی می‌کردند با من گلاویز شدند که حق نداری در



این خط کار کنی. توجهی به حرفشان نکردم. یکی از آنها با مشت زد توی صورتم. یکی دیگرشان پیراهنم را پاره کرد. این بود که مسافرکنشی را کنار گذاشتم. چند روز بعد آنجنم صافی عکاسان مطبوعات جلسه داشت. در آن جلسه که با حضور هشتاد نفر از عکاسان برگزار شده بود، گفتم: از همه کسانی که این روزها چند شغل دارند، خواهش می‌کنم یکی از شغل‌هایشان را به کسانی بدهند که کاملا بیکارند. در آن جلسه کسانی بودند که چند شغل داشتند، اما هیچ کس هیچ واکنشی نشان نداد. دیگر چه بگویم که شما جواب سوالتان را بگیرید.

علیرضا عابدی همان روزها که این در و آن در می‌زد تا کاری برای خودش دست و پا کند، یکی از دوستانش او را به یک هفته نامه ورزشی معرفی کرد تا به عنوان عکاس ورزشی مشغول به کار شود. عابدی با خوشحالی زیاد به دفتر هفته نامه رفت تا خودش را به سردبیر آن معرفی کند، اما خوشحالی‌اش دیری نپایید که به غم تبدیل شد: «همین که وارد شدم یکی از همکاران جوانم را دیدم. من از دیدن او خوشحال شدم، اما او قیافه‌اش در هم رفت و غمگین شد. به او گفتم به من بگو تو را چه می‌شود؟ گفت اگر تو بیایی و اینجا کار کنی، من کارم را از دست می‌دهم. اینجا برای دو نفر جا ندارد. باور کن! اما از آنجا که تو از من با تجربه‌تری، تو را به من ترجیح خواهند داد. من متاهل نیستم اما نان آور خانه هستم. خودت نگذاشتم حرفش تمام شود. و از دفتر نشریه آمدم بیرون. او وضعش از من هم بدتر بود.»

یک روز هم یکی از همکارانش به او گفته بود: «علیرضا! چرا با آژانس‌های خارجی کار نمی‌کنی؟ ممکن است عکاسهای را به قیمت خیلی خوبی بخرند.»

عابدی جوابش را این طور داده بود که: «در طول این بیست سال هیچ همکاری با آژانس‌ها نشریات خارجی کنم. تازه ما که فقط با نشریات داخلی کار می‌کردیم، این روزها به مزدوری بیگانه متهم شده‌ایم، چه برسد به این که با نشریات خارجی هم کار کنیم.»

- این روزها چه کار می‌کنی آقای عابدی؟  
- الان هیچ کار. اما یک مدت بارستوران خانه هنرمندان همکاری می‌کردم. رستوران؟

- وقتی آقای غریب پور از وضع من با اطلاع شد، به من پیشنهاد داد رستوران را سرو سامانی بدهم. یعنی دکوراسیون و فضای داخلی‌اش را طراحی کنم. ده روز برایشان کار کردم. اما بیشتر از آن نتوانستم خودم را راضی به ادامه همکاری کنم. چطور گرفتم با ماشینم مسافرکنشی کنم. آن هم شب‌ها، تا دوستان و آشنایان مرا نشناسند. چند روز در مسیر منزلان مسافرکنشی کردم. چند راننده که در همان مسیر مسافرکنشی می‌کردند با من گلاویز شدند که حق نداری در

من آن روز در رستوران خانه هنرمندان که در وسط باغ هنرمندان در خیابان ایرانشهر تهران واقع است، با عابدی گفتگو می‌کردم.

- بله می‌بینم. این دکوراسیون کار شماست؟ نه؟

سرش را به علامت تایید تکان داد و گفت:

- قشنگ است؟  
- بله، خیلی قشنگ است.

سر به زیر انداخت و سکوت کرد. معلوم بود که یک ذره هم از تعریف من خوشحال نشده. چایش را خورد و بعد بدون این که سوالی بکنم حرف زد. پشت سر هم و تند تند:

- فرزند کوچکم این روزها به من می‌گوید باباجون! این چه شغلی بود که برای خودت انتخاب کردی؟ این همه شغل توی این دنیا هست، تو چرا عکاسی خبری را انتخاب کردی؟ اگر از اول سراغ شغل بهتری رفته بودی، امروز وضع ما این جور نبود. من چه دارم به فرزندم بگویم؟ این روزها دنبال بیمه بیکاری‌ام هستم. بیمه بیکاری برای من مثل سم است. فقط به خاطر این که دفترچه بیمه درمان فرزندانم تمدید شود تن به آن داده‌ام. هر ماه باید خودم را به بیمه معرفی کنم که باور کنید من هنوز کار پیدا نکرده‌ام و آنها بگویند خوب، یک ماه دیگر هم به او مستمری بدهید. چرا؟ بعد از ۲۰ سال کار مطبوعاتی، باید وضع من این باشد. حق من این بود؟ سهم من از زندگی این بود که موقع ثبت نام بچه‌ها، سرم را پیش مسئولان مدرسه‌شان کج کنم و با خجالت بگویم بیخشتید! روزنامه‌مان را بسته‌اند. نمی‌توانم شهریه بدهم. دخترهایم روز به روز بزرگتر می‌شوند. من چطور باید آینده آنها را تامین کنم. بغضی در گلویش نشست، می‌خواست گریه کند، اما نکرد.

- در این سن و سال هر روز باید بغض راه گلویم را ببندد و نتوانم حرف بزنم. سهم من از زندگی این بود که هشت سال در جبهه عکاسی کنم و امروز به من بگویند مزدور، ضدانقلاب. فرزندانم و همسرم این روزها ناراحت و افسرده هستند. بعضی وقتها برای دلخوشی آنها از خانه می‌زنم بیرون و می‌گویم کار پیدا کرده‌ام. پول قرض می‌کنم و می‌گویم این هم حق‌الزحمه‌ای که گرفته‌ام. چندبار این کار را کردم، اما فایده‌ای نداشت. خیلی زود فهمیدند که دروغ می‌گویم. می‌دانید ما عروسک خیمه شب بازی بودیم. ما با عشق و علاقه زیاد کار می‌کردیم و دیگران برای ترقی مالی و سیاسی خود از ما پله می‌ساختند. حالا آنها و خانواده‌هایشان راحتند، اما ما مثل یک دستمال کاغذی له شده‌ایم. زمانی مثل تراکتور کار کردیم. کار کردیم و جاده را صاف کردیم تا دیگران با اتومبیلهای آن چنانی از روی آن بگذرند. نصب ما از جاده‌ای که خودمان ساخته‌ایم، فقط خود گازوئیل اتومبیلهاست که دارد ما را خفه می‌کند. اما با همه اینها من هنوز عاشق کارم هستم. چند روز پیش مشکلات مالی و روحی آنقدر به من فشار آورد که می‌خواستم کارتهای خبرنگاری و جایزه‌هایی را که در این سالها از مسابقات بین‌المللی گرفته‌ام به خودم آویزان کنم و بروم پارک شهر و از خانواده‌ها عکس فوری ببندازم. اما دوستانم نگذاشتند و گفتند، آبروی روزنامه‌نگاران و عکاسان مطبوعاتی را می‌بری. تکرارکنان گفت: من هنوز هم عاشق کارم هستم.

علیرضا عابدی متولد ۱۳۳۶ است. سال ۱۳۵۸ ازدواج کرده و صاحب سه فرزند است: سمانه، سارا و سپیده. هر سه اهل مطالعه و ورزشکار... سال‌ها عکاس روزنامه کیهان بود و بعدها به روزنامه آزاد و... رفت. عکاسی را در عرصه تجربه آموخته است نه در دانشگاه. تا کنون در چند مسابقه بین‌المللی عکس جایزه به دست آورده است. سه بار در ژاپن، یک بار در چین و یک بار هم در زاگرب.

وقتی ضبط صوتم را خاموش کردم، گفت:

- لطفاً نامم را در کتابتان ننویسید، ممکن است بچه‌هایم خجالت بکشند و احساس شرمساری کنند.

- آقای عابدی عزیز! من حتما نامتان را خواهم نوشت، چون مطمئن هستم فرزندانتان با خواندن حرفهایتان به شما افتخار خواهند کرد. آنها دلیلی برای شرمساری نخواهند داشت. مطمئن باشید.

«دنیاله دارد»



## اتهامات تهیه کننده «شهرزاد» و داماد وزیر کار: برداشت ۱۰۷ میلیارد تومان از شبکه بانکی و عیش و نوش؛



هادی رضوی یکی از تهیه کنندگان «شهرزاد» و داماد محمد شریعتمداری

● هادی رضوی تهیه کننده سینما به گفته نماینده دادستان، از طریق «شرکت های آینده سازان و ره پویان کوثر ۶۰ و ۲۰ میلیارد تومان بدون تودیع وثیقه» و از طریق «شرکت شایگان تجارت آتیه با ۳ فقره ضمانت نامه ۲۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان بدون اعتبار سنجی و تودیع وثیقه» دریافت کرده است. ● بر مبنای اظهارات نماینده دادستان، تهیه کننده سریال «شهرزاد» با این مبالغ هنگفت اقدام «به خرید گوشت و مرغ از شرکت پشتیبانی دام استان تهران کرده و سپس در بازار به فروش رسانده» است.

● محمد هادی رضوی داماد محمد شریعتمداری وزیر کار: من که داماد نتانیا هو نیستم!

نماینده دادستان در جلسه رسیدگی به اتهامات هادی رضوی تهیه کننده سریال «شهرزاد» و «شاهگوش» گفته که با پرداخت رشوه از بانک سرمایه حدود ۱۰۷ میلیارد تومان دریافت کرده و «صرف عیش و نوش، سفرهای خارجی، خودروهای لوکس و ملک کرده است».

اولین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده اتهامات محمد هادی رضوی تهیه کننده «شهرزاد» و «شاهگوش» و داماد محمد شریعتمداری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و ۳۰ متهم دیگر پرونده بانک سرمایه، روز سه شنبه ۲۴ اردیبهشت در شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلاکگران و مفسدان اقتصادی به ریاست اسدالله مسعودی مقام برگزار شد.

رسول قهرمانی نماینده دادستان در این جلسه اعلام کرد که «متهم سید هادی رضوی از مجرای پرداخت رشوه به مدیران بانک سرمایه بدون تودیع وثیقه در حدود ۱۰۷ میلیارد تومان را در سال ۹۱ تا ۹۴ از شبکه بانکی خارج کرده و صرف عیش و نوش، سفرهای خارجی، خودروهای لوکس و ملک کرده است».

همچنین در جلسه رسیدگی به فساد مالی بانک سرمایه، عنوان شد

که احسان دلاویز از دوستان هادی رضوی و امامی تهیه کنندگان سریال «شهرزاد»، متهم به اختلال در نظام اقتصادی از طریق معاونت در کسب مال نامشروع «به مبلغ ۱۰۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان» و «مبلغ ۲ میلیارد تومان» است.

بر مبنای گزارش نماینده دادستانی، هادی رضوی «برای افزایش خط اعتباری» اقدام به پرداخت «۲ میلیارد تومان» به احسان دلاویز کرده است.

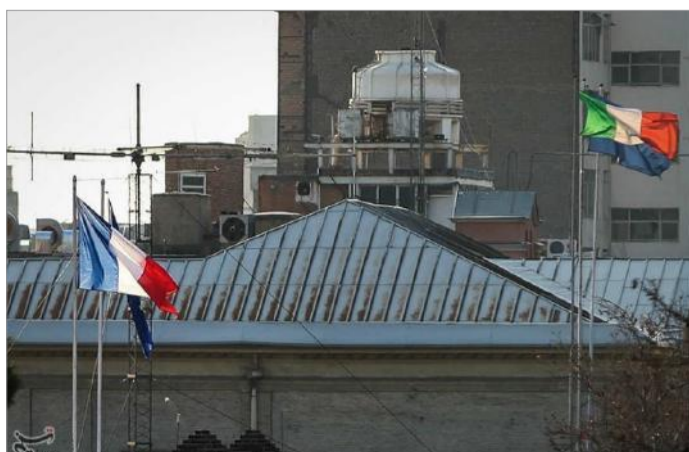
هادی رضوی تهیه کننده سینما به گفته نماینده دادستان، توانست از طریق «شرکت های آینده سازان و ره پویان کوثر ۶۰ و ۲۰ میلیارد تومان بدون تودیع وثیقه» و از طریق «شرکت شایگان تجارت آتیه با ۳ فقره ضمانت نامه ۲۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان بدون اعتبار سنجی و تودیع وثیقه» دریافت کند.

به گفته مسعودی مقام، تهیه کننده سریال «شهرزاد» با این مبالغ هنگفت اقدام «به خرید گوشت و مرغ از شرکت پشتیبانی دام استان تهران کرده و سپس در بازار به فروش رسانده» است.

از قرار معلوم هادی رضوی همچنین خانه ای موسوم به صبا به قیمت ۱۹ میلیارد تومان در خیابان «اندروزگو» (کامرانیه) خریده که با گران نمایی آن در سال ۹۴ قصد داشته در ازای ۱۲۰ میلیارد تومان بدهی خود با بانک سرمایه تسویه کند. در این

ادامه در صفحه ۱۷

## بجای اینستکس فعلا بفرمایید افطار! حکومتی ها و رانتخواران در افطاری سفارت انگلیس!



پارک های برفراشته سفارت های فرانسه و ایتالیا در تهران خیابان نوفل لوشاتو

مالزی، جمهوری آذربایجان و ترکیه همه در حال بررسی هستند. یک مقام رسمی عراق نیز می گوید، واشنگتن مشغول فشار آوردن بر بغداد است تا به واردات قطعات یدکی اتومبیل از ایران پایان دهد.

● دو ماه دیگر چه می شود؟

حمیدرضا آصفی سخنگوی سابق وزارت خارجه درباره ی اولتیماتوم ۶۰ روزه جمهوری اسلامی به اروپا می گوید، «روپایی ها نه می توانند و نه می خواهند کاری انجام دهند» از سوی دیگر اروپایی ها هم هرگونه تعیین مهلت از سوی تهران را رد کرده اند که به روشنی مشخص می کند رژیم ایران در بن بست قرار دارد. کیهان تهران، ۲۰ اردیبهشت، در سرمقاله خود پرسیده «دو ماه دیگر قرار است چه اتفاق جدیدی بیفتد؟ معجزه می شود و اروپایی که همواره دنباله رو و تسلیم آمریکا بوده و همواره با ما دشمنی و بدعهدی کرده، تغییر جوهری در هویت متصلب خود خواهد داد یا به مسیر گذشته ادامه می دهد. آیا واقعا کشف موضع اروپا دو ماه زمان خواهد برد؟»

با اینهمه جمهوری اسلامی همچنان چشم انتظار کمک اروپایی هاست. راه اندازی راس و کار مالی اینستکس البته فعلا در حد جلسه و تبادل نظر مانده است.

۲۸ آوریل (هشتم اردیبهشت)، مجمع عمومی عادی اتاق بازرگانی و صنعت ایران و فرانسه تشکیل جلسه داد و فعالیت اقتصادی دو کشور به بررسی راه های موجود برای ادامه و افزایش همکاری های اقتصادی و تجاری پرداختند و یکی از مباحث آنها اینستکس بود. ۲۹ آوریل (نهم اردیبهشت)، رابرت مک ایر سفیر بریتانیا در تهران خبر داد که پرفیشر رئیس ساز و کار مالی تجارت اروپا و ایران (اینستکس) با تعدادی از بازرگانان بریتانیایی درباره ی این کانال تجاری جلسه داشته است. وی عنوان کرد که تمامی تلاش ها در جهت عملی کردن آن است. البته با شروع ماه رمضان این جلسات فراتر رفت و سفیر به فکر افطاری دادن هم افتاد!

کیهان تهران در واکنش به این افطاری نوشته «هرچند همیشه جای سؤال داشته است که چرا اینگونه مهمانی های سفارت های خارجی کاملا خصوصی و بدون حضور رسانه ها برگزار می شود اما کاش اگر به زعم سفیر انگلیس سفره افطاری شان افتخار آمیز بوده، لاقابل به احترام ملت ایران تصاویر مهمانان شان را نیز منتشر می کردند تا مردم بدانند که چه کسانی سفیر انگلیس را مفتخر کرده اند!»

این افطاری در شبکه های مجازی هم با واکنش های زیادی روبرو شده که بخشی از سوی حزب الهی هاست که می پرسند مهمانان دولتی و تجار چه کسانی بودند که تا این حد به سفارت انگلیس نزدیک اند! آنها این افطاری را با دیگر های پولو سفارت دولت فخریه در دوران مشروطه مقایسه کرده اند.

این رویدادها بار دیگر نشان می دهد که چگونه هر دو جناح حکومت سر سفره انقلاب نشستند؛ گروهی کاسب تحریم ها هستند و گروهی دیگر زیر سایه جراحی ها ارتزاق می کنند. گروهی اندک هر آنچه می خواهند دارند. آقا زاده ها، بچه پولدارها و ژن خوبها که هر جا باشند در رفاه اند و با رانت امکانات را قبضه کردند و مهمانی ها و اسباب نشاط آنها هم برقرار است و اکثریتی که در گذراندن امور جاری و ضروری زندگی خویش درمانده اند.

● محمود صادقی می گوید، برخی افراد در «طیف سیاسی خاص» می گویند که باید هزینه های تحریم ها را پرداخت کنیم و فردی که تحریم ها را دور می زند ۲۰ تا ۳۰ درصد از پول کشور را برای خود دریافت کند!

● سفیر انگلیس در تهران به مناسبت ماه رمضان افطاری داده و در توییتش نوشته باعث افتخار است که میزبان تعدادی از همکاران دولت، بخش خصوصی و دیگر دیپلمات ها برای صرف افطار در سفارت بودیم.

سید کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی جمهوری اسلامی گفته مهلت دو ماهه فرصت خوبی برای اروپاست تا با تسریع اجرایی کردن اینستکس اقدام گذشته خود را جبران و از مرگ برجام جلوگیری کند.

خبرگزاری تسنیم، شنبه ۲۱ اردیبهشت، گزارش داد خرازی برای شرکت در مجمع رهبران برای صلح به پاریس سفر کرده و در دیدار با ماریل دو سارنژ رئیس کمیسیون روابط خارجی مجلس ملی فرانسه دیدار داشته و به او گفته که «مردم ایران نسبت به اروپا به دلیل اجرائ نکردن تعهدات برجامی آنها و تبعیت از سیاست های تحریمی ترامپ و تن دادن به تصمیم های فراملیتی آمریکا به شدت بدبین هستند».

کمال خرازی همچنین عنوان کرده با وجود اجرای تعهدات از سوی ایران، اروپا فقط به موضع گیری سیاسی بسنده و در عملی کردن تعهدات خود کوتاهی کرده است.

یک سال پس از خروج آمریکا از برجام دولت های اروپایی نتوانسته اند به وعده هایی که به جمهوری اسلامی برای حفظ توافق اتمی داده بودند عمل کنند اما نه تنها برخلاف ادعاهای کلی خانه های برجام به آتش کشیده نشد بلکه بطور دائم به سران جمهوری اسلامی هشدار داده می شود از چارچوب مفاد آن خارج نشوند و به تعهدات خود عمل کنند.

راه اندازی کانال ملی اینستکس حتی اگر عملی هم می شد فراتر از مبادله نفت در برابر کالا آنهم مواد غذایی و کالاهای پزشکی و دارویی و کمک های بشردوستانه و ضروری نمی بود. حالا

## شبه نظامیان حوثی مسئولیت حمله به تاسیسات نفتی عربستان را به عهده گرفتند

● در حمله پهنای انصارالله دو نیروگاه پمپاژ نفت و تعدادی از مراکز نظامی هدف قرار گرفتند.

● محمد عبدالسلام سخنگوی حوثی ها به شبکه المنار گفته هدف قرار دادن تاسیسات نفت عربستان واکنش به کشتارهایی است که عربستان در یمن انجام داد.

● فعالیت خط لوله آرامکو موقتا متوقف شده اما عربستان می گوید تاثیری بر نفت رسانی به مشتریان نخواهد داشت.

روز سه شنبه، ۱۴ ماه مه (۲۴ اردیبهشت) ساعاتی پس از حمله پهنای به تاسیسات نفتی عربستان سخنگوی حوثی های یمن، از شبه نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی، مسئولیت این حملات را بر عهده گرفت.

محمد عبدالسلام به شبکه المنار گفت که هدف قرار دادن خط لوله نفت عربستان واکنش به کشتارهایی است که عربستان در یمن انجام داد.

● ماهانه به ۱۰ میلیون بشکه برساند. مقام های عربستان می گویند حمله تروریستی امنیت بازار جهانی انرژی را هدف قرار داده است. این اقدام دو روز پس از عملیات خرابکاری در نزدیکی بندر الفجیره امارات اتفاق افتاد که در آن شش کشتی نفتکش و تجاری متعلق به امارات، عربستان و نروژ آسیب دیدند. محمد جواد جمالی نوبندگانی عضو هیات رئیسه کمیسیون امنیت ملی مجلس، ۲۴ اردیبهشت مدعی شد، انفجار الفجیره سناریو از پیش تعیین شده و با طراحی جان بولتون بود اما صهیونیست ها و سعودی ها عجلانه و ناهماهنگ اجرا کردند؛ اما مقامات آمریکایی می گویند در این حملات رد پای جمهوری اسلامی دیده می شود و مظنون ردیف اول رژیم ایران است.

● یک پمپو وزیر خارجه آمریکا روز دوشنبه اعلام کرد جزئیات تهدیدات ایران را در اختیار مقام های ناتو قرار داده است. برابیان هوک نماینده ویژه آمریکا در امور ایران که همراه مایک پمپو دوشنبه به بروکسل رفته بود در جمع خبرنگاران گفت، «وزیر خارجه ایالات متحده اطلاعاتی را با متحدان ما به اشتراک گذاشت که شامل طرح ها و تهدیدهایی از سوی ایران است.» وی با اشاره به فشار حداکثری علیه

## شبه نظامیان حوثی مسئولیت حمله به تاسیسات نفتی عربستان را به عهده گرفتند

روزنامه نیویورک تایمز گزارش داد طرحی از سوی وزارت دفاع آمریکا ارائه شده که طی آن برای مقابله با تهدیدات رژیم ایران ۱۲۰ هزار نیروی نظامی جدید آمریکا در منطقه خاورمیانه مستقر خواهند شد اما ترامپ روز سه شنبه گفت این خبر جعلی است. گفتنی است کیهان تهران قبل از این حملات در گزارشی با اشاره به عملیات خرابکاری در بندر الفجیره امارات که در آن شش کشتی نفتکش و تجاری هدف خمپاره قرار گرفتند نوشت «انفجارهای فجیره خواب از سر شیوخ مرتجع پراند.» این روزنامه همچنین در یادداشتی با عنوان «چگونه جنگ اقتصادی دشمن را متوقف کنیم؟» پیشهاد داده «برج های شیشه ای» و تاسیسات نفتی عربستان و امارات برای قطع ترانزیت نفت هدف قرار گیرد.

روزنامه نیویورک تایمز گزارش داد طرحی از سوی وزارت دفاع آمریکا ارائه شده که طی آن برای مقابله با تهدیدات رژیم ایران ۱۲۰ هزار نیروی نظامی جدید آمریکا در منطقه خاورمیانه مستقر خواهند شد اما ترامپ روز سه شنبه گفت این خبر جعلی است. گفتنی است کیهان تهران قبل از این حملات در گزارشی با اشاره به عملیات خرابکاری در بندر الفجیره امارات که در آن شش کشتی نفتکش و تجاری هدف خمپاره قرار گرفتند نوشت «انفجارهای فجیره خواب از سر شیوخ مرتجع پراند.» این روزنامه همچنین در یادداشتی با عنوان «چگونه جنگ اقتصادی دشمن را متوقف کنیم؟» پیشهاد داده «برج های شیشه ای» و تاسیسات نفتی عربستان و امارات برای قطع ترانزیت نفت هدف قرار گیرد.



بین‌المللی و نقض حقوق بشر دارد که با دست‌گذاشتن و بازتاب هر کدام از آنها می‌توان ضربه‌های کاری بر رژیم وارد کرد. از همین رو «رسانه» و «همبستگی» در خبررسانی ابزار اصلی برای بازتاب رفتار پرمخاطره‌ی رژیم ایران و اثرات منفی مماشات و کنار آمدن با چنین رژیمی است. در واقع اطلاع‌رسانی همراه با روشنگری و آگاهی دادن در مورد ابعاد مختلف هزینه‌هایی که کنار آمدن با نظام جمهوری اسلامی در پی خواهد داشت در حال حاضر بهترین و کم‌هزینه‌ترین راهکار اپوزیسیون است.

از شواهد پیداست دولت ترامپ به درک این واقعیت رسیده است که از یکسو تصمیم نهایی در مورد رژیم ایران با مردم ایران است و از سوی دیگر مقام‌های جمهوری اسلامی به دنبال مسیرهای بیراهه برای مذاکرات پنهانی و غیرشفاف هستند.

روز پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت، ترامپ در یک سخنرانی گفت: «می‌دانید دوست دارم درباره ایران چه اتفاقی بیفتد؟ دوست دارم به من زنگ بزنند. می‌دانید که جان کری با آنها زیاد صحبت می‌کند. جان کری به آنها می‌گوید به ما زنگ زنند. این نقض قانون لوگان است و او باید بابت این موضوع تعقیب قضایی شود... چیز زیادی از آنها [جمهوری اسلامی] نمی‌خواهیم. ما به آنها کمک خواهیم کرد بار دیگر اوضاع‌شان فوق‌العاده شود. الان اوضاع‌شان بد است. چشم به راه روزی هستیم که به ایران کمک کنیم. دنبال آسیب زدن به ایران نیستیم. می‌خواهیم آنها قوی و فوق‌العاده باشند. و اقتصاد فوق‌العاده‌ای داشته باشند. ولی آنها دارند حرف جان کری را گوش می‌کنند...»

### چاه عمیق ترامپ پیش پای علی خامنه‌ای

دولت آمریکا برای نشستن پای میز مذاکره با رژیم ایران و رسیدن به توافق جدید ۱۲ شرط مشخص کرده که اغلب آنها ارتباط مستقیم با برجام ندارد و مربوط به اساسی‌ترین منافع کلان حکومتی به‌خصوص سپاه پاسداران است و پذیرش آنها از سوی تهران مستلزم تغییرات بنیادی است. دور زدن این چاه بزرگ که ترامپ پیش روی علی خامنه‌ای کنده است، حتی اگر با حفظ ساختار جمهوری اسلامی عملی باشد، مرحله‌ی



## سیاست آترناتیو برای اپوزیسیون:

# نه جنگ، نه جمهوری اسلامی و مخالفت فعال با مذاکرات پنهانی و غیرعلنی و غیرشفاف

مبتنی بر Utilitarianism آواز ه «وتیلیتاس» از زبان لاتین به معنی سود و امتیاز و اصلت فایده یا منفعت‌گرایی، اینکه ترامپ و دولت او با هدف سود حداکثری در پس جدال‌های عمیق با رژیم ایران میل به نشستن پای میز مذاکره با آنان را دارد دور از ذهن نیست. در نظر گرفتن این واقعیت محتمل گرچه ممکن است ناخوشایند به نظر برسد اما راهبردی است.

در شرایط کنونی که طرفداران دموکراسی و حقوق بشر که مخالف هرگونه درگیری نظامی و جنگ هستند، حتما یکی از گزینه‌های برخی از مخالفان جمهوری اسلامی، «مخالفت» با هرگونه مذاکره میان رژیم ایران و آمریکا است ولی گزینه‌ی آترناتیو که علیه جنگ و جمهوری

آنها بگذارند. مقام‌های جمهوری اسلامی تشنه‌ی مذاکره با آمریکا هستند اما نه از کانال عادی و علنی و حقوقی بلکه در خلوت و پنهان که از یکسو زیر پرچم آمریکاستیزی بتوانند هواداران ساده‌اندیش خود را با نمایش اقتدار و اعتبار مصنوعی در داخل و منطقه حفظ کنند و از سوی دیگر به کاسی خود در فضایی غیرشفاف و غیرپاسخگو به مردم ادامه دهند.

در دنیای امروز مخالفت با مذاکره میان دولت‌ها حتی اگر منطقی هم باشد در چارچوب دیپلماسی ناخوشایند است. سیاست بدون مذاکره یا به بن‌بست می‌رسد یا به جنگ. مذاکره رژیم ایران با کشورهای ۵+۱ برای رسیدن به برجام در نهایت به زیر پا گذاشتن مطالبات مردم در

ایران خروج از برجام نیست» و تأکید کرد توافق اتمی هماهنگی‌های بین‌المللی را برای اجرای پیمان منع تکثیر سلاح هسته‌ای تقویت کرده و موجب برقراری صلح و ثبات در منطقه می‌شود. ژاپن از جمله کشورهایی است که از بازار ایران سود می‌برد و همزمان کمک‌های مالی زیادی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، علمی، بازرگانی و محیط زیست به ایران می‌کند اما بخش عمده‌ی همکاری‌های غیراقتصادی یا کمک‌های مالی بلاعوض ژاپن در جیب موسسات دولتی و غیردولتی خاص می‌رود؛ به عنوان مثال، NGOهایی که مدیران آنها مسئولان سیاسی فعلی یا پیشین جمهوری اسلامی یا یکی از اعضای خانواده با بستگان آنها هستند!

ایران خروج از برجام نیست» و تأکید کرد توافق اتمی هماهنگی‌های بین‌المللی را برای اجرای پیمان منع تکثیر سلاح هسته‌ای تقویت کرده و موجب برقراری صلح و ثبات در منطقه می‌شود. ژاپن از جمله کشورهایی است که از بازار ایران سود می‌برد و همزمان کمک‌های مالی زیادی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، علمی، بازرگانی و محیط زیست به ایران می‌کند اما بخش عمده‌ی همکاری‌های غیراقتصادی یا کمک‌های مالی بلاعوض ژاپن در جیب موسسات دولتی و غیردولتی خاص می‌رود؛ به عنوان مثال، NGOهایی که مدیران آنها مسئولان سیاسی فعلی یا پیشین جمهوری اسلامی یا یکی از اعضای خانواده با بستگان آنها هستند!

● در روزهای اخیر با افزایش فشارهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی، عراق و عمان و ژاپن اعلام آمادگی کردند بین تهران و واشنگتن میانجیگری کنند. ● آمریکا به دنبال مذاکره مستقیم با جمهوری اسلامی و «تغییر رفتار رژیم» در چارچوب شروط ۱۲گانه است و از بیان آن به صدای بلند هیچ پروایی ندارد. ترامپ حتی یک شماره تماس مستقیم از طریق سوییس در اختیار مقامات تهران گذاشته است.

● ولی چرا جمهوری اسلامی از مذاکره مستقیم با ترامپ نگران است؟ چرا ترامپ از میانجی‌گیری‌ها استقبال نکرده؟! پنهانکاری و عدم شفافیت به سود کیست؟

حامد محمدی - بعد از عراق و عمان اکنون ژاپنی‌ها برای میانجیگری میان رژیم ایران و آمریکا با هدف کاهش تنش‌ها و باز کردن مسیر مذاکره میان تهران و واشنگتن چراغ سبز نشان دادند.

مقام‌های ژاپنی ضمن اشاره به آگاهی از مناقشات میان جمهوری اسلامی و آمریکا بر سر توافق اتمی اظهار امیدواری کرده‌اند که بتوانند بین آنها نقش سازنده داشته باشند. به گزارش روزنامه تایمز ژاپن، یاسوتوشی نیشیمورا، پنجشنبه نهم ماه مه، در یک کنفرانس خبری گفته، خواهان به کار گرفتن روابط دیرینه ژاپن با ایران برای دستیابی به صلح و امنیت در منطقه هستیم. وی تأکید کرد، «ما برنامه ایران در مورد برجام را به دقت زیر نظر داریم.» در این گزارش تأکید شده، با وجود افزایش تنش‌های نظامی بین ایران و آمریکا و اعزام ناو هواپیمابر به خلیج فارس و با وجود «محدودیت‌های موجود» هر دو طرف به دنبال مذاکره هستند و مقامات توکیو در جستجوی راه‌هایی برای گفتگو میان آنها تلاش کرده و ژاپن می‌تواند نقش مؤثری در این میان ایفا کند.



راهپیمایی حکومتی ضد آمریکایی به مناسبت سالگرد خروج ترامپ از توافق اتمی و در حمایت از بیانیه شورای عالی امنیت ملی برای اقدام متقابل علیه واشنگتن؛ جمعه ۲۰ اردیبهشت ۹۸



از سلسله دیدارهای غیررسمی ظریف و کری در هتل‌ها و رستوران‌ها در جریان مذاکرات اتمی

سخت‌تر را که انعقاد یک توافق جدید خواهد بود به دنبال خواهد داشت. توافقی که ترامپ بارها تأکید کرده باید در چارچوب قانون دنبال شود و به تصویب کنگره آمریکا برسد. سیدحسین موسویان سفیر سابق جمهوری اسلامی در آلمان در زمان «ترور میکونوس»، چهارشنبه چهارم اردیبهشت، در یادداشتی که در روزنامه دولتی ایران منتشر شد، به چند نکته کلیدی اشاره کرد: «محبوبیت ترامپ افزایش یافته؛ «راه

در چنین شرایطی است که باید گفت برجام بهانه است و تأکید آمریکا بر «تغییر رفتار رژیم» هدفی را دنبال می‌کند که چیزی جز به قول موسویان «تغییر رژیم» نیست.

اسلامی هر دو است، می‌تواند مخالفت قاطعانه با هرگونه مذاکره پنهانی و غیرعلنی و غیرشفاف باشد که در آن طبق تجربه، خواسته‌های مردم اپوزیسیون مدافع دموکراسی زیر پا له شده و چند صباحی بر عمر نظام افزوده می‌شود تا بار دیگر در بن‌بست جدیدی گرفتار آید. در چنین فضایی بار مسئولیت بر دوش اپوزیسیون و مخالفان داخل و خارج و همچنین منتقدان بین‌المللی نظام است.

در شرایط فعلی اپوزیسیون مدافع دموکراسی و حقوق بشر که سال‌هاست علیه جمهوری اسلامی فعالیت می‌کند به اندازه رژیم تهران و متحدان آن و همچنین کشورهای که از بقای جمهوری اسلامی نفع می‌برند در سیاست خارجی ابزار و امکانات ندارد که مستقیم جریان‌ساز یا اثرگذار باشد اما رژیم تهران حجم بزرگی از سیاست‌های مخرب در زمینه تروریسم، موشک‌پرانی، پولشویی، زیر پا گذاشتن قوانین

همه‌ی ابعاد، از حقوق بشر و آزادی گرفته تا اقتصاد و معیشت منتهی شد؛ همزمان بطور موقت بر عمر نظام نیز افزود اما مخالفت با آن هرچند که منطقی می‌بود اما در چارچوب دیپلماسی قابل اجرا نبود.

**میل به مذاکره و منفعت‌گرایی**  
اصلی‌ترین دلیل «مخالفان مذاکره رژیم ایران و دولت دونالد ترامپ» نگرانی از زد و بندهایی است که در این چهل سال میان رژیم و طرف‌های غربی صورت گرفته و به عمر نظام افزوده و نتیجه‌ی آن چیزی نبوده جز شکستن استخوان‌های دموکراسی، ذبح آزادی‌های فردی و اجتماعی و غارت اموال عمومی و اختلاس و دزدی که اتفاقاً فقط پشت زد و بندها و مذاکره‌های پنهان می‌توانست ممکن شود و دولت اواما و جان کری وزیر خارجه‌اش در این پنهانکاری و عدم شفافیت نهایت همکاری را با جمهوری اسلامی کردند. اما بر اساس رفتار و اخلاق

گروگان گرفته شده در ایران مبادله شدند. در این زمینه گزارش پولیتیکو در مورد «معامله پنهان اواما با ایران» که ژوئن ۲۰۱۷ منتشر شد و کیهان لندن ترجمه‌ی کامل آن را منتشر کرد بسیار افشاگرانه و خواندنی است. مقام‌های کاخ سفید از دونالد ترامپ گرفته تا مایک پمپئو و جان بولتون بارها و از طریق مسیرهای رسمی شرایط و راه‌های مذاکره مستقیم با جمهوری اسلامی را بدون پنهانکاری و با صدای بلند اعلام کرده‌اند و از اینکه بگویند در پی مذاکره‌ی مستقیم با زمامداران جمهوری اسلامی هستند هیچ ترسی ندارند. به تازگی خبرگزاری CNN که ضد ترامپ نیز هست، به نقل از منابع آگاه خبر داد که دولت آمریکا از طریق سوییس به عنوان حافظ منافع آمریکا در ایران شماره تماس مستقیم در اختیار کردند این شماره را در اختیار

اینکه روابط جمهوری اسلامی و ژاپن در چه سطح بالایی قرار دارد را می‌شود از طریق اخبار بخش فارسی وبسایت سفارت ژاپن در تهران جستجو کرد. برای نمونه، ژاپن در قالب پروژه‌های تأمین نیازهای اولیه انسانی (GGP)، اواخر بهمن ۱۳۹۷، بیش از ۷۵ هزار یورو کمک بلاعوض به رژیم ایران کرد که مشخص نیست این پول‌ها کجا و چطور خرج شده و چه میزان از آن را دولت به جیب زده است؟ ژاپن اعلام کرده به ارائه کمک‌های انساندوستانه و عمرانی خود به سازمان‌های دولتی و غیردولتی در جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌دهد. ژاپن یکی از کشورهایی است که در نمایشگاه کتاب تهران که چهار تا ۱۴ اردیبهشت برگزار شد شرکت کرد و غرفه داشت.

### معامله‌ی پنهان اواما با ایران

جمهوری اسلامی تلاش می‌کند شبیه آنچه در جریان مذاکرات اتمی

یوشیهید سوگا دبیر کابینه ژاپن نیز چند روز پیش گفته بود روابط دوستانه ایران و ژاپن ضامن حل مشکلات منطقه از جمله مسئله برجام است. این روزنامه همچنین نوشته ژاپن از زمان خروج آمریکا از توافق اتمی نیز همسو با کشورهای اروپایی بوده و تأکید داشته که اگر این تصمیم آمریکا بر برجام تأثیر منفی بگذارد، بسیار تاسف‌آمیز خواهد بود. پس از افزایش فشارهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی در حوزه نفت، پتروشیمی و فلزات از تهران زمزمه‌هایی مبنی بر خروج ایران از توافق اتمی به گوش رسید. دولت ژاپن یکی از کناره‌فرانسه و روسیه و چین از جمله کشورهایی هستند که به رژیم ایران در مورد زیر پا گذاشتن توافق اتمی هشدار داده‌اند. یوشیهید سوگا سخنگوی کابینه ژاپن، چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت، در سخنانی گفت «تصمیم امروز دولت



زمانی برای گروکشی از «سلبیتی» های تلویزیونی:

## تذکر رئیس «صدا و سیما» به مجریان درباره عکس با سگ!



با دستور رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی، رفتار و اعمال «سلبیتی» ها برای حضور در رادیو و تلویزیون باید مطابق اصول اسلامی باشد.

باید دید آیا این «سلبیتی» ها امر و نهی های مازاد بر محدودیت های رایج را در ازای دریافت دستمزدهای کلان تحمل می کنند یا نه.

عضو شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی می گوید رئیس صدا و سیما نسبت به مجریانی که در صفحه شخصی شان تصاویری «نامتعارف» با سگ را به نمایش می گذارند، تذکر جدی داده است. امین حیایی و محمدرضا گلزار از سلبیتی های هستند که گفته می شود مورد نظر رئیس «صدا و سیما» بوده اند.

کمی بعد از عدم موافقت مسئولان صدا و سیما جمهوری اسلامی با حضور بنیامین بهادری خواننده پاپ به عنوان مجری در یک برنامه تلویزیونی و البته پرداخت دستمزد کار نکرده از جیب مردم، به نظر می رسد موقعیت سلبیتی های نظام در تربیون های جمهوری اسلامی متزلزل و شکننده می شود. در حالی که پیشتر بارها از سلبیتی های تلویزیونی انتقاد شده بود ولی پس از «قمار» خواندن آنچه در مسابقه «برنده باش» جریان داشت، توسط آیت الله مکارم شیرازی مرجع تقلید شیعه، محمدرضا گلزار مجری این برنامه هم نتوانست با وجود مجیزگویی درباره رئیس شبکه سوم «سیما» موقعیت خود را تثبیت کند.

محمدرضا گلزار، مهراں مدیری، امین حیایی، پژمان باغی، حمید گودرزی و اشکان خطیبی با دستمزدهای میلیاردی و با سلام و صلوات در صدا و سیما رژیم جا خوش کردند، حالا با بایدها و نبایدهایی بیشتری روبرو شده اند. از جمله اینکه، به گفته حمید خواجه نژاد روابط عمومی معاونت سیما نظام، «باید حضورشان متناسب با کارکرد برنامه باشد».

خواجه نژاد جلوگیری از حضور بنیامین بهادری خواننده پاپ (و البته نوحه خوان سابق) در تلویزیون جمهوری اسلامی را عدم تناسب وی با برنامه های مخصوص ماه رمضان دانسته و گفته بود که این «ولین و آخرین» مورد اعمال نظر مسئولان در قبال حضور «سلبیتی» ها

در تلویزیون حکومتی، نیست وی تاکید کرده که پیشتر هم در برخی گروه های برنامه ساز شبکه ها پیشنهاد استفاده از چهره هایی در مقام اجرا مطرح شده بود که مورد تأیید قرار نگرفت و منتفی شد. خواجه نژاد مسئول روابط عمومی معاونت سیما جمهوری اسلامی عنوان کرده بود: «جایگاه خطیری که یک سلبیتی می خواهد به عنوان مجری رسانه ملی در مقابل مخاطبان میلیونی قرار بگیرد، از اولویت های این ضوابط است و آنچه مورد تأکید معاون سیما است، استفاده از چهره هایی با تجارب و سابقه حضور موفق در تلویزیون و آشنا با ضوابط قاب جادویی و نیز متناسب بودن با کارکرد آن برنامه بنا بر ضرورت است.»

پیشتر افرادی چون ابراهیم فیاض عضو هیات علمی دانشگاه تهران و از محافظه کاران افراطی حکومت، اتهاماتی چون ترویج «همجنسگرایی» را نیز به مجریان تلویزیون نظام زده بود. فیاض گفته بود: «مجری های امروز سلبیتی شده صدا و سیما همه چهره های زنانه دارند و کلامشان عشوگرانه است و مدام هم بازتولید می شوند. پیشتر مهراں مدیری، محمدرضا گلزار، رضا رشیدپور و اکنون علی ضیا. این ساختار دارد ما را به سمت همجنس بازی هدایت می کند. این مجری های عشوگر جامعه ما را غربی تر از غرب کرده اند. جامعه امروز غرب بسیار عقیف تر از جامعه ماست.»

احسان قاضی زاده هاشمی عضو شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی اعلام کرده به مدیران دو شبکه تلویزیونی برای حضور برخی بازیگران در مقام مجری «تذکر جدی» داده است.

او حتا پای سبک زندگی بازیگران مجری که در صفحه شخصی خود نمایش می گذارند را پیش کشیده و گفته که «فقط مختص شبکه پنج نیست و پیش از این نیز موارد دیگری از سلبیتی هایی که هم اکنون روی حکم صادره برای همکاری این نهاد است. مدیر اجرایی بریتیش کانسیل که به شورای فرهنگی بریتانیا مشهور است، درباره سخنان اسماعیلی گفته که اصطلاح فرهنگی، تعالیم داده شده توسط سرویس امنیتی انگلیس به وی و همچنین مأموریت های ویژه فرهنگی اش انجام داد و اطلاعات خوبی را در زمینه سایر افراد جذب شده به این مجموعه در فرآیند دادرسی و تحقیقات ارائه و اقرار کرد و نهایتا به موجب حکم دادگاه، به تحمل ده سال حبس محکوم شد.»

غلامحسین اسماعیلی از این فرد نام نبرده است اما با توجه به اینکه گفته است این دختر جوان بیش از یک سال در بازداشت بسر برده به نظر می رسد این زندانی ارس امیری، دانشجوی ایرانی دانشگاه کینگزتون بریتانیا باشد. چند ساعت پس از سخنان غلامحسین اسماعیلی، وزارت خارجه انگلیس و همچنین شورای فرهنگی بریتانیا واکنش هایی جداگانه به آن نشان دادند. دفتر وزیر خارجه انگلیس در پاسخ به رویترز از صدور این حکم ابراز نگرانی کرد.

همچنین مدیر اجرایی بریتیش کانسیل یا شورای بریتانیا نیز در این رابطه گفت نتوانسته تأیید کند که

## بهنام صفوی خواننده پاپ ۳۶ سالگی درگذشت



● سالانه در ایران ۱۱۰ هزار مورد جدید ابتلا به سرطان شناسایی می شود که ۱۱ هزار از بیماران زیر ۵۰ سال دارند.

بهنام صفوی خواننده پاپ صبح امروز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه در سن ۳۶ سالگی درگذشت. این خواننده ۹۲ سال ۴۲ سالگی درگذشت. این خواننده از سرطان رنج می برد. وی با آلبوم «عشق من باش» به شهرت رسید. رضا فوادیان مدیر برنامه های بهنام صفوی خواننده پاپ اعلام کرد که این خواننده صبح امروز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه پس از شش سال مبارزه با بیماری سرطان درگذشت. بهنام در روزهای اخیر با مشکلات شدید تنفسی و کاهش اکسیژن خون مواجه بود و به بیمارستان میلاد اصفهان منتقل شد و در همین بیمارستان نیز درگذشت. مدیر برنامه های بهنام صفوی با اشاره به وضعیت جسمانی وی در طول سال های اخیر گفته است: «بهنام از آبان پارسال و پس از عمل جراحی دومی که در آلمان توسط پرفسور سمیعی انجام شد، حال جسمانی اش وخیم شد و به بیمارستان احسان منتقل شد. او تا اوایل اسفند در بیمارستان بستری بود.» صفوی خواننده پاپ از حدود ۲۰ روز پیش به دلیل هوای نامناسب تهران به شاهین شهر اصفهان منتقل شده بود. بهنام صفوی با آلبوم «عشق من باش» در ایران به شهرت رسید. ابتلا به بیماری سرطان دومین عامل مرگ و میر در ایران است، بطوری که هر سال ۱۱۰ هزار مورد جدید ابتلا به سرطان در کشور شناسایی می شود. در این بین، ۳۴ هزار نفر از موارد مرگ زیر ۷۰ سال و ۱۱ هزار نفر زیر ۵۰ سال بر اثر ابتلا به سرطان بوده است.

## دادستان اصفهان: به پلیس گفته ام دو چرخه هایی با پوشش اسلامی برای خانم ها طراحی کنند



۶ ماه پیش او برای جلوگیری از دو چرخه سواری خانم ها در این شهر اجرا نشده بسیار ناخشنود است. او گفته، به نیروی انتظامی و شهرداری اصفهان راهکار داده ام که برای بانوان، دو چرخه با پوشش مخصوص اسلامی طراحی کنند.

علی اصفهانی افزود: طبق فتوای علما و بر اساس قانون، دو چرخه سواری بانوان در فضای عمومی حرام است. در ضمن به نیروی انتظامی گفته شده بانوان دو چرخه سوار را توقیف کنند و به آنها تذکر دهند اگر دوباره با دو چرخه در شهر بگردند مجازات اسلامی در مورد آنها اجرا می شود.

دادستان اصفهان همچنین یادآور شده، کسانی که سگ خود را به خیابان ببرند، خود و سگشان توقیف خواهند شد چون سگ گردانی برای مردم مزاحمت ایجاد می کند و باید از این کار جلوگیری شود!

فائزه رفسنجانی دختر علی اکبر رفسنجانی از موسسین رژیم، همیشه در مصاحبه های خود از اینکه در گسترش ورزش دو چرخه سواری بانوان نقش موثر داشته، افتخار می کند در حالی که زنان ایران تا کنون هرگز اجازه نیافته اند در خیابان ها آزادانه دو چرخه سواری کنند!

### اتهامات تهیه کننده «شهرزاد» و... از صفحه ۱۵

رضوی اصل بدهی خود را ۸۰ میلیارد تومان خوانده و ابراز امیدواری کرده که مبارزه با نزول خوری در این پرونده و از این به بعد شروع شود. وی عنوان کرد که «از ۸۰ میلیارد تومان ده درصد دست آقایان مانده است و بعد از ارائه شدن این مبلغ ۲۲ میلیارد تومان پول نقد به بانک سرمایه پرداخت کرده ام. چرا کذب می گوید. ۸۰ میلیارد که داده ام ۲۲ میلیارد گرفته ام و مابقی به صورت ملک بوده است.»

هادی رضوی در جلسه دادگاه به رئیس دادگاه اظهار داشت: «آقای مسعودی مقام، بانک سرمایه ۳۱ بدهکار کلان دارد که بدهی هایشان ۳۰۰ میلیارد، ۴۰۰ میلیارد و ۱۰۰۰ میلیارد است، بدهی من کجای این ارقام قرار دارد؟ لیست اسامی این ۳۱ بدهکار توسط هیأت تحقیق و تفحص مجلس اعلام شده است که اصلا اسم من در آنجا نیست. مگر بدهی من چقدر بوده است، حدود ۸۰ میلیارد تومان.»

این متهم خطاب به نماینده دادستان گفت: «آقای قهرمانی شما می گوید که بنده با مدیران بانکی تباری کرده ام، اگر من تباری کرده بودم می توانستم تسهیلات بسیار بیشتری بگیریم و گران نمایی های بالاتری هم داشته باشم.»

در چند سال اخیر، به خصوص پس از تولید سریال «شهرزاد» موضوع ورود پول های کثیف به سینما مطرح شده و به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. موضوع پولشویی در سینما و فیلم سازی، بهمن ماه سال گذشته بطور رسمی توسط عباس جعفری دولت آبادی دادستان وقت تهران تأیید شد و سریال «شهرزاد» را یکی از «مهمترین مصداق» آن دانست.

با این حال، عوامل سریال «شهرزاد» از علی نصیریان تا ترانه علیدوستی، شهاب حسینی و محسن چاوشی در قبال فساد مالی تهیه کننده پروژه ای که با آن همکاری داشتند، سکوت اختیار کرده اند.

### غیبت سینماگران ایرانی ... از صفحه ۵

در مجموع ۲۰ فیلم از سینماگران زن در بخش های مختلف جشنواره گنجانده شده که برابر با ۲۷.۵ درصد کل فیلم های انتخاب شده از ۳۹ کشور است. آلیس روهرواخر سینماگر زن ایتالیایی که در هیات داوران بخش اصلی حضور دارد می گوید «بسیار خوشحالم که حضور سینماگران زن در کنفرانس یافت، ولی کافی نیست. سینما باید فضا و امکانات بیشتری در تمام مدت سال در اختیار زنان قرار دهد.»

از روزهای قبل از آغاز جشنواره، در مورد برنده احتمالی نخل طلایی گمانه زنی آغاز شده است. پدرو آلمودوار کارگردان شناخته شده اسپانیایی با فیلم «رنج و افتخار» با بازیگری دو چهره سرشناس یعنی پنهلوپه کروز و آنتونیو باندراس به کن آمده است. هر دو هنرپیشه سابقه همکاری با این کارگردان را در دیگر فیلم های او دارند. این هشتمین بار است که آنتونیو باندراس برای پدرو آلمودوار در مقابل دوربین قرار می گیرد. یکی دیگر از فیلم هایی کاندیدی دریافت نخل طلایی فیلم «یکی بود، یکی نبود» از کوئینتین تارانتینو است که نقش های اصلی آن به عهده لئونارد دی کاپریو و براد پیت است. هر دو هنرپیشه این فیلم نیز سابقه همکاری با کوئینتین تارانتینو را دارند. «احمد جوان» آخرین فیلم برادران دارن نیز یکی از فیلم هایی است که برای دریافت نخل طلایی رقابت می کند. «احمد جوان» داستان جوانی مسلمان

آن را در کلکسیون خود نداشته باشد، با آخرین فیلم خود به نام «ببخشید دلمان برایتان تنگ شده» یکی دیگر از کاندیداهای دریافت نخل طلایی است. فیلم های کن لوچ همه نگاهی انتقادی به جامعه سرمایه داری دارند و از مشکلات طبقات فرودست و بی عدالتی اجتماعی صحبت می کنند. «من دانیل بلیک» که در سال ۲۰۱۶ نخل طلایی را دریافت کرد در رابطه با مشکل بیکاری در بریتانیا بود.

ترنس مالیک هم یکی دیگر از کاندیداهای دریافت نخل طلایی است. در فیلم «زندگی مخفی»، این کارگردان آمریکایی بیننده را به اتریش در زمان اشغال نازی ها در سال ۱۹۴۰ می برد تا داستان عشق زوجی را که حاضر به همکاری با ارتش هیتلری نیستند روایت کند.

ایلیا سلیمان کارگردان فلسطینی تبعه ای اسرائیل نیز یکی دیگر از نام هایی است که برای دریافت نخل طلایی از او یاد می شود. ایلیا سلیمان اسمال با «باید بهشت باشد» به کن آمده است. این کارگردان فلسطینی تبار با فیلم هایی چون «مداخله الهی» و «تاریخچه ناپدید شدن» در سینمای جهان برای خود جای پیدا کرد. «باید بهشت باشد» سرگذشت مردی را روایت می کند که در سفری به دور جهان نمی تواند سرزمین مادری خود را فراموش کند.

جشنواره سینمایی کن که روز ۱۴ ماه مه کار خود را شروع کرد، روز ۲۵ همین ماه با انتخاب بهترین ها به کار خود پایان خواهد داد.





باشد تا شاید دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب نشود و مقامات تهران بتوانند بار دیگر مانند دوران اوباما خطوط ارتباط خود را با واشنگتن برقرار کنند.

در مقابل اما امید و آرزوهای تهران با ضربه دیگری از سوی آمریکا یعنی تحریم صادرات مواد معدنی ایران مواجه شد. این ضربه اضافی که همزمان با استقرار ناوهای جنگی هواپیما و بمبافکن‌های استراتژیک در منطقه صورت می‌گیرد، مدیریت دقیق و سختگیرانه اداره ترامپ در بررسی پرونده ایران را نشان می‌دهد.

بنابراین روشن است که تیم رئیس جمهوری آمریکا در حال برنامه‌ریزی برای یک جنگ جامع مانند آنچه در سال ۲۰۰۳ در عراق اتفاق افتاد نیست به این دلیل که نه دشمن آمریکا شبیه صدام حسین است و نه شرایط جغرافیایی و نه دستگاه دولتی ترامپ مشابه دولت جرج دبلیو بوش است. اما آنچه به احتمال زیاد می‌تواند اتفاق بیفتد ضربه‌های متقابل است.

#### و روس‌ها ...

اگر جمهوری اسلامی ایران به وسیله مزدوران منطقه‌ای خود به منافع، سربازان یا متحدان آمریکایی در منطقه آسیبی وارد کند، واشنگتن ضرباتی به صورت محدود مانند آنچه در سال ۱۹۸۸ اتفاق افتاد به حکومت ایران خواهد زد. در آن زمان ایران تلاش کرد فعالیت کشتیرانی بین‌المللی را با مشکل روبرو کند که با یک ضربه نظامی از سوی آمریکا عقب‌نشینی کرد، البته این بار احتمال دارد اسرائیل نیز نقش مهمی ایفا کند و به نیابت از آمریکا در سوریه، لبنان و عراق علیه جمهوری اسلامی وارد عمل شود.

بنابراین چشم‌انداز رویارویی مستقیم واشنگتن با تهران تا قبل از شروع انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در تابستان ۲۰۲۰، به محاسبات طرفین درگیری و توانایی برخی از بازیکنان موثر خارجی به ویژه روسیه برای جلوگیری از وقوع این جنگ بستگی دارد.

#### از سیاست ناروشن به سیاست شفاف

دستگاه دولتی دونالد ترامپ، برای اولین بار واشنگتن را از سیاست خاکستری و ناروشن که از مرز یک نزاع عادی با رژیم ایران فراتر نمی‌رفت خارج کرد و به سیاستی تهاجمی نزدیک به خطوط قرمز رژیم ایران سوق داد.

در مقابل این شرایط بحرانی، رژیم ایران برای رویارویی با ایالات متحده تلاش می‌کند تا با مهره چینی و برخی تغییرات در سطح مقامات و فرماندهان سپاه جبهه داخلی‌اش را محکم کند اما با همه این تلاش‌ها کارشناسان معتقدند که بسیار بعید به نظر می‌رسد که رژیم جمهوری اسلامی بتواند از وقوع یک جنبش فراگیر ناشی از خشم عمومی که از پایان سال ۲۰۱۷ آغاز شد، جلوگیری کند.

فشارهای حداکثری آمریکا به تهران ممکن است تصمیم‌گیران نظام را که در دایره‌ای محدود با طرز تفکری ایدئولوژیک عمل می‌کنند به انتخاب گزینه‌های خطرناک وادار کند. مقابله مستقیم با دولت دونالد ترامپ، ایران و کل منطقه را در وضعیتی بسیار ملتهب قرار خواهد داد.

\*منبع: روزنامه العرب

\*نویسنده: خطار ابودیاب استاد علوم سیاسی در مرکز بین‌المللی ژئوپلیتیک پاریس  
\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

## پرونده جمهوری اسلامی ایران از نقطه خاکستری تا خطوط قرمز



گوشه‌ای از عرشه ناو جنگی آبراهام لینکلن

برای یافتن راهکارهای مالی و تجاری صادق بودند و تلاش کردند که برخلاف میل آمریکا عمل کنند اما بخش خصوصی و بانک‌های اروپایی حاضر به ریسک در این زمینه نبودند به همین دلیل مانور اتحادیه اروپا برای کمک به حکومت ایران کاملاً محدود است.

فرانسوی‌ها سعی کردند از ایران بخواهند تا درباره فعالیت موشکی بالستیک و نقش بی‌ثبات کننده‌اش در منطقه به‌خصوص در یمن، سوریه، لبنان و عراق کمی انعطاف‌پذیری از خود نشان دهد و کوتاه بیاید اما رژیم تهران نه تنها کوتاه نیامد و هیچ واکنش مثبتی از خود نشان نداد بلکه بدتر از آن همزمان به اقدامات تروریستی علیه مخالفان ایرانی در پاریس، هلند و دانمارک دست زد. در مقابل این عملکرد و انزوی بی‌سابقه تهران در منطقه و جهان، نفوذ ترامپ و همفکرانش بیشتر و تنش میان واشنگتن و تهران از عراق گرفته تا کشورهای عربی ساحل خلیج شدت بیشتری گرفت.

رژیم ایران که از نظر داخلی بسیار ضعیف و در عین حال بر دفاع از دستاوردهای «نفوذی» خود در دستاوردهای محدود با طرز تفکری شرایطی حاضر نیست فرصت‌ها و برگه‌های باقیمانده مانند توافق اتمی را بسوزاند. توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ تنها وسیله رژیم ایران برای کسب زمان بیشتر برای عبور از این توفان است.

#### آمریکایی‌ها

از همین رو رژیم ایران تلاش می‌کند با حفظ توافق هسته‌ای بتواند زمان بیشتری برای وقت‌کشی داشته

یافت نمی‌شود. اما در رابطه با مهلت ۶۰ روزه و تهدید به افزایش مجدد غنی‌سازی اورانیوم توسط جمهوری اسلامی، یکی از کارشناسان اروپایی می‌گوید، هر ماجراجویی برای تغییر در غنی‌سازی اورانیوم به سطحی که بتواند برای اهداف نظامی به کار گرفته شود، به مفهوم پایان دادن به توافق اتمی و قرار گرفتن علنی تمام اروپا در کنار دونالد ترامپ خواهد بود.

به همین دلیل اتحادیه اروپا هیچ اهمیتی برای هشدار و تعیین مهلت ۶۰ روزه ایران قائل نشد بلکه برعکس، امانوئل ماکرون در اولین واکنش خود بر ضرورت حفظ توافق هسته‌ای و تمرکز بر برنامه موشک‌های بالستیک ایران تاکید کرد. بنابراین هیچ چشم‌اندازی برای موفقیت مانورهای قدیم و حتی جدید رژیم ایران برای ایجاد شکاف میان اروپایی‌ها و واشنگتن وجود ندارد.

#### فرانسوی‌ها

کارشناسان فرانسوی که مسائل مربوط به توافق هسته‌ای ایران و غرب را دنبال می‌کنند می‌گویند، ماکرون در تمام نیروی خود تلاش کرد تا دونالد ترامپ را متقاعد کند به کمک اروپاییان توافق ۲۰۱۵ را تکمیل و موارد نقص آن مانند تمدید مدت آن به زمانی طولانی‌تر از سال ۲۰۲۵، محدود کردن فعالیت ایران در زمینه موشک‌های بالستیک و نیز دخالت بی‌ثبات کننده تهران در امور منطقه را تعدیل کنند اما عملکرد تهران در منطقه پس از توافق هسته‌ای باعث شد که ترامپ موافقت نکند. پس از خروج آمریکا از این توافق، اروپاییان در حمایت از ایران و کمک به تهران

از سوی چین، هند یا ترکیه در مورد واردات نفت ایران، در مقابل گام‌هایی که ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران برداشته موثر نخواهد بود. این کشورها هر چقدر به ایران نزدیک شوند نمی‌توانند مانع سقوط نرخ ارز ملی ایران یا کاهش تورم اقتصادی این کشور شوند.

#### اتحادیه اروپا

واشنگتن تهدید رژیم ایران به خروج از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ به اروپاییان را تلاشی جدید برای باجگیری توصیف کرده است. اتحادیه اروپا پس از خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای بین چکش ایالات متحده و سندان ایران که از سال ۱۹۷۹ تا کنون برنامه اتمی‌اش را بزرگترین و حساس‌ترین مسئله خود می‌داند، قرار گرفته است. با شدت گرفتن تنش میان ایالات متحده آمریکا و رژیم ایران، اروپا خود را در برابر کابوس جنگی جدید می‌بیند که تأثیرات منفی پیامدهای آن می‌تواند برای امنیت استراتژیک این قاره کهنسال زیان‌آور باشد.

یک منبع اروپایی که قبلاً در هیئت مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب در وین حضور داشت، درباره تهدیدهای حکومت ایران می‌گوید، تهران در گذشته از برگ گروه‌های تروریستی وابسته‌اش به نفع خود استفاده کرده، اروپاییان خوب از این مسئله آگاهند اما نسبت به عقب‌نشینی از توافق هسته‌ای به‌خصوص در رابطه با فروش اورانیوم ذخیره شده و آب سنگین، این موضوع تنها یک شعار است چون تهران می‌داند که هیچ خریداری برای این کالای اتمی ایران

هسته‌ای تصمیم گرفته است. این پیامی صریح از سوی تهران به اتحادیه اروپاست. برخی کارشناسان بعید نمی‌دانند که چین از یک سیاست دوگانه از این بحران به نفع خود استفاده کند از جهتی نفت کم‌قیمت به صورت قاچاق از ایران بگیرد و در مقابل در زمینه تکنولوژی دقیق ساخت پهپادهای مربوط به امور نظامی با ایران همکاری کند.

از سوی دیگر، تهران مدت‌هاست به چین به عنوان یک شریک اقتصادی و استراتژیک متکی است. در واقع پکن نقش مهمی در کاهش اثرات تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ ایفا کرد. اما در سال ۲۰۱۹، وضعیت فرق کرده است؛ به خصوص که تقاضای پکن برای نفت ایران در مقایسه با گذشته به دلیل افزایش صادرات نفت سعودی به چین به شدت کاهش یافته است. چین در بحران کنونی میان تهران و واشنگتن موضع محتاطانه‌ای را در پیش گرفته است. پکن نمی‌خواهد در این بحران دخالت کند به خصوص که خود در حال حاضر خواهان کاهش تنش با ایالات متحده و جلوگیری از یک جنگ تجاری ویرانگر با اداره ترامپ است.

برخی کارشناسان معتقدند که شاید چین نقش دوگانه‌ای را برای به دست آوردن نفت ارزان‌قیمت ایران از طریق قاچاق و دور زدن تحریم‌های آمریکا علیه ایران ایفا کند. پکن قادر است در زمینه همکاری نظامی مخفیانه به‌خصوص در زمینه هواپیماهای جنگی بدون سرنشین (پهپاد) با ایران همکاری کند اما این همکاری یا اعلام موضع

● هر ماجراجویی برای تغییر در غنی‌سازی اورانیوم به سطحی که بتواند برای اهداف نظامی به کار گرفته شود، به مفهوم پایان دادن به توافق اتمی و قرار گرفتن علنی تمام اروپا در کنار دونالد ترامپ خواهد بود.

● هیچ چشم‌اندازی برای موفقیت مانورهای قدیم و حتی جدید رژیم ایران برای ایجاد شکاف میان اروپایی‌ها و واشنگتن وجود ندارد.

● روشن است که تیم رئیس جمهوری آمریکا در حال برنامه‌ریزی برای یک جنگ جامع مانند آنچه در سال ۲۰۰۳ در عراق اتفاق افتاد نیست به این دلیل که نه دشمن آمریکا شبیه صدام حسین است و نه شرایط جغرافیایی و نه دستگاه دولتی ترامپ مشابه دولت جرج دبلیو بوش است.

#### خطار ابودیاب (العرب) - تحولات

رسیدگی به پرونده جمهوری اسلامی ایران از ابتدای ماه امسال به سرعت پیش رفت. پس از تشدید تحریم‌های آمریکا علیه و اعلام مواضع تهران در برابر این تحریم‌ها، به نظر می‌رسد که صدای طبل جنگ در خاورمیانه و خلیج بیش از هر زمان شنیده می‌شود.

اما در این منطقه از جهان که جنگ و درگیری در آن از دهه هشتاد میلادی تا کنون بطور متناوب در آن ادامه داشته، این بار امکان وقوع یک جنگ مستقیم در آن محدود به نظر می‌رسد اما تهدیدها و عرض اندام‌های نظامی بیشتر با هدف بازدارندگی یا اعمال فشار از سوی طرف‌های نزاع بر یکدیگر صورت می‌گیرد.

دولت دونالد ترامپ برای اولین بار واشنگتن را از یک سیاست خاکستری «ناروشن» که از دایره کشمکش عادی با تهران فراتر رفته بود، به سیاستی تهاجمی که خطوط قرمز حکومت ایران را لمس می‌کند، سوق داد.

#### چینی‌ها

در این میان چین که نخستین پشتیبان اقتصادی تهران است، خود را در موضعی نامشخص و بلاتکلیف می‌بیند. این کشور با وجود دیدگاه منفی‌اش نسبت به ایالات متحده آمریکا به‌خصوص در این لحظات حساس جنگ تجاری‌اش با واشنگتن اما تا کنون هیچ‌گونه موضع تندی علیه آمریکا در حمایت از ایران نگرفته است. کشورهای اروپایی نیز به توافق هسته‌ای را امضا کرده‌اند تا کنون نفوذ دیپلماتیک و اقتصادی خود را برای تأثیر بر کاهش تنش میان آمریکا و ایران که در هفته‌ها و ماه‌های آینده تشدید خواهد شد، به کار نگرفته‌اند.

جمهوری اسلامی که حدود یک سال در برابر مشکلات و مشقت‌های اقتصادی ناشی از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای صبر کرده، با وجود همه مشکلات اقتصادی و اجتماعی هنوز پاسخ منفی به اقدامات ایالات متحده و خروج یک‌جانبه ترامپ از توافق هسته‌ای به اروپا نداده. اما پس از تصمیم دولت دونالد ترامپ برای به صفر رساندن صادرات نفتی ایران و قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست گروه‌های تروریستی، ظاهراً جمهوری اسلامی ایران به خروج تدریجی از توافق